

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است.

نشانه های ظهور او

نویسنده: محمد خادمی شیرازی

قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام

آنچه در قرآن کریم از طرف خداوند بزرگ به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ما رسیده واجب الاطاعه است و کوچکترین تردیدی درباره آن نباید داشت، چرا که از منبع علم خداوندی سرچشمه گرفته است. از جمله بشارتهایی که در قرآن مجید در ضمن آیاتی داده شده مسأله قیام جهانی حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء و سیطره عدل و داد در عالم بعد از پر شدن آن از ظلم و جور است که مرحوم علامه نوری در مقدمه کتاب شریف «کشف الاءستار» ادعای تواتر، از فریقین (شیعه و سنی) فرموده است و این نتیجه به دست می آید که باید ظلم و تباهی از سرتاسر جهان محو گردد و جهان از عدالت پر شود، نه اینکه به خیال خام بعضی از نویسندگان، عدالت در حکومت حضرت مهدی سلام الله علیه تغلیبی باشد و همچنان افراد شرور، کم یا زیاد، در اجتماع دیده شوند. خیر، طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین پس از پر شدن عالم از ظلم و جور، قسط عدل بر آن حاکمیت خواهد یافت و همان گونه که عرض شد در این زمینه بزرگان مذهب نظیر علامه نوری و دیگران نیز دعوی تواتر نموده اند. بنابراین، دیگر جایی برای عدالت تغلیبی و طرفداران آن نمی ماند.

نشانه های پیدایش این حکومت

(سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) [1]

بزودی آیات و نشانه هایی از قدرت خود را در صحنه گیتی و در (کشور) وجودشان بدانها نشان خواهیم داد، تا بر آنها آشکار شود که حق است. ممکن است نشانه های آفاقی همان صیحه آسمانی باشد و منظور از آیات انفسی همان رعب و ترس باشد که در دلها جای می گیرد.

خواننده عزیز!

تا این ساعت چنین علائم و نشانه هایی که برای بشر تمام مجهولات را از بین ببرد و پرده از روی حقایق و ملکوت عالم بردارد به نحوی که حق آشکار و باطل نابود شود، در صحنه گیتی دیده نشده است و با توجه به اینکه خداوند خلف وعده نخواهد فرمود و حتما باید این کار بشود، غیر از قیام آخرین نماینده و سفیر اعظم او حضرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین له الفداء نشانه دیگری نخواهد بود.

(وَلَتَبْلُؤَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) [2]

و هر آینه شما را به وسیله ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه ها می آزماییم، و صبر کنندگان را بشارت ده.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیش از قیام مهدی ما سلام الله علیه مردم به انواع بلاها مبتلا می شوند و موفقیت با صابران است. به طور خلاصه علائم و نشانه های قبل از ظهور در این روایات عبارت است از:

1 - وحشت و اضطرابی که در حال حاضر در میان مردم بعضی از کشورهای اسلامی دیده می شود.

2 - گرسنگی و قحطی که در بعضی کشورهای جهان مشهود است و به طور متوسط روزانه چند صد هزارتن از گرسنگی می میرند (مانند بعضی از قسمتهای افریقا و هندوستان).

3 - فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه که به ویژه در ایران ما مشهود است.

4 - تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق و نقصان زراعت و میوه جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها. اکنون به اصل روایت که از امام صادق عزیز ما که سلام خداوند بر ایشان باد نقل کرده اند، توجه فرمایید:

عن محمد بن مسلم عن ابي عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام انه قال ان قدام قيام القائم علامات بلوى من الله تعالى لعباده المؤمنين قلت و ما هي قال ذلك قول الله عزوجل «و لنبلونكم بشيء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين» قال لنبلونكم (يعنى المؤمنين) بشيء من الخوف من ملوك بنى فلان فى آخر سلطانهم (والجوع) بغلاء اسعارهم (و نقص من الاموال) فساد التجارات و قله الفضل فيها (والانفس) قال موت ذريع (والثمرات) قله ربيع ما يزرع و قله بركه الثمار (و بشر الصابرين) عند ذلك بخروج القائم عليه السلام ثم قال لى يا محمد هذا تأويله ان الله عزوجل يقول «و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون فى العلم» [3]. [4].

محمد بن مسلم از امام صادق عليه السلام نقل کرده است که امام فرمودند: پیش از قيام قائم نشانه هاى است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤمنش. عرض کردم: آن نشانه ها چیست؟ فرمود: آن، گفتار خداوند عزوجل است که فرمود: **(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ)** فرمود: **(لَنَبْلُوَنَّكُمْ)** يعنى هر آينه بيازمايم شما مؤمنان را **(بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ)** به مقدارى و چيزى از ترس از ملوك بنى فلان (بنى عباس) در پايان زمامداريشان و **(الجوع)** و گرسنگى به خاطر بالا بودن قيمتها **(وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ)** و كاستى از مالها (يعنى) فساد تجارتها **(وَالْأَنْفُسِ)** و جان ها (يعنى) مرگ سريع **(وَالثَّمَرَاتِ)** و محصولات (يعنى) كم شدن كشاورزى و كمبود بركت محصولات **(وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ)** (يعنى) بشارت ده صابران را در چنين وقت به خروج قائم عليه السلام . سپس به من فرمود: اى محمد! اين است تأويل قول خداوند عزوجل كه مى فرمايد **(وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ...)** (يعنى) نمى داند تأويل قرآن را جز خداوند و پايداران در دانش.

(إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً.) [5].

به درستی که خداوند (تبارک و تعالی) قادر است که نشانه ای فرو فرستد.

در تفسیر این آیه به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره شده است:

1 - خروج دابه الارض [6].

2 - دجال

3 - نزول عیسی بن مریم علیه السلام

4 - طلوع خورشید از مغرب

و اینک اصل روایت:

فی روایه ابی الجارود: عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله (إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً) و سیریک فی آخر الزمان آیات منها دابه الارض و الدجال و نزول عیسی بن مریم و طلوع الشمس من مغربها. [7].

ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه (**إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ**) فرمودند: زود است که در آخر الزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی:

1 - دابه الارض (که منظور تشریف فرمایی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت و یا حضرت بقیه الله روحی له الفداء است).

2 - دجال.

3 - نزول حضرت عیسی بن مریم از آسمان.

4 - طلوع خورشید از مغرب.

(**قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ**).^[8]

بگو او تواناست که بر شما عذابی از بالای سر و زیر پاهای شما بر انگیزد یا اینکه شما را از گروههای غیر متحد قرار دهد و آسیب برخی را به برخی دیگر بچشاند.

در این آیه به بعضی از علائم ظهور اشاره شده است:

1 - خروج دجال.

2 - صیحه آسمانی.

3 - خسف و فرورفتن در زمین «بیداء». گویا مقصود لشکر سفیانی باشد.

4 - اختلاف مردم در دین و طعن و شتم یکدیگر کردن و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر در حالتی که همه آنها خودشان را مسلمان می دانند.

و اما روایتی که در این باب رسیده است:

عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «قل هو القادر علی الخ» قال هو الدجال و الصیحه «او من تحت ارجلکم» و هو الخسف «او یلبسکم شیعا» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعظکم علی بعض «و یدیق بعضکم باءس بعض» و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی اهل القبله. [9].

از ابی جعفر (امام باقر) علیه السلام در فرموده خداوند متعال: (قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَی...) منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذاب آسمانی و از بالا) و مراد از (أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ) عبارت از خسف و فرورفتگی زمین است و مراد از (أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا) اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از (وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ) کشتن بعضتان است بعضی دیگر را، و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می پیوندد.

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَادَّا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ). [10].

بگو آیا دیدید که اگر عذاب الهی شب هنگام و یا روز بر شما برسد (چه راه گریزی دارید؟) چرا گناهکاران (به جای توبه) عذاب را به تعجیل می طلبند؟ از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: مراد از عذاب در این آیه بلاهایی است که در آخرالزمان بر مردم نازل می شود (البته بر مردم مسلمان).

(وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ). [11].

و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسان هستند پس هیچ فرار و گذشتی نیست و از مکان نزدیکی دستگیر شوند. از حضرت باقر علیه السلام نقل کردند در تفسیر این آیه شریفه که در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء صیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیدار لشکریان سفیانی به زمین فرو خواهند رفت که جمعیت آنها طبق روایات رسیده که بعداً ذکر خواهد شد در حدود سیصد هزار نفر است. و اما اصل روایت:

عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت» قال من الصوت و ذلك صوت من السماء. [12].
ابی جارود از امام باقر علیه السلام در مورد این قول خدای تعالی که می فرماید (وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ) ، روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: این از صدای آسمانی (صیحه) است.

سائل سائل بعذاب واقع. [13].

سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود.

از حضرت باقر علیه السلام در رابطه با این آیه مبارکه سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟ فرمودند:

نار تخرج من المغرب و ملک یسوقها من خلفها حتی یاءتی من جهة دار بنی سعد ابن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لبنی امیه الا احرقتها و اهلها و لا تدع دارا فیها و ترلال محمد الا احرقتها و ذلک المهدی علیه السلام. [14].

عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله ور می شد و پادشاهی آن را رهبری می کند و تمام خانه های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد (سلام الله علیه و عجل الله له الفرج).

علامه مجلسی می فرماید: این جریان یا از علائم ظهور است و یا در وقت ظهور واقع می شود.

پاورقی

[1] فصلت / 53.

[2] بقره / 156.

[3] آل عمران / 7.

[4] غیبت نعمانی، صلی الله علیه و آله و سلم 250.

[5] انعام / 37.

[6] در باب «دابه الارض» بعضی گفته اند منظور، حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه است و بعضی دیگر برآند که منظور، حضرت بقیه الله روحی له الفداء است.

[7] بحار الانوار، ج 52 / ﷺ 181.

[8] انعام / 65.

[9] بحار الانوار، ج 52 / ﷺ 182.

[10] يونس / 51.

[11] سبأ / 50.

[12] بحار الانوار، ج 52 / ﷺ وسلم 185.

[13] معارج / 1.

[14] بحار الانوار، ج 52 / ﷺ 188.

آیا امام عصر علیه السلام زمان ظهورش را می داند؟

بحثی مفصل در روایات اهل بیت سلام الله عليهم اجمعين در کتب معتبره عنوان شده است که آیا حجج الهی و ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعين به تمام حوادث و آنچه که پیش می آید و در گذشته روی داده و یا در آینده انجام می شود عالم هستند یا خیر؟ برای روشن شدن این حقیقت و به ویژه اینکه آیا وجود مقدس امام زمان ارواحنا له الفداء علم به وقت ظهور خود دارند یا نه، از بیانات رسیده از ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعين استفاده می کنیم.

امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء علیهم السلام

ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام از کیفیت علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می پرسد. آن حضرت می فرماید:

سئل علی علیه السلام عن علم النبی صلی الله علیه و آله فقال: علم النبی علم جمیع النبیین و علم ما کان و ما هو کائن الی قیام الساعه ثم قال والذی نفسی بیده انی لاعلم علم النبی صلی الله علیه و آله و علم ما کان و ما هو کائن فیما بینی و بین قیام الساعه. [1]

سؤال شد از علی علیه السلام از علم پیامبر صلی الله علیه و آله ، فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاء (یعنی علم همه انبیاء در خدمت و نزد رسول گرامی اسلام است) و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله عالم به ماکان و مایکون است (آنچه در گذشته بوده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و کارهایی که در آینده انجام می گیرد) تا روز قیامت. قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی علیه السلام) همه دانشهای رسول معظم صلی الله علیه و آله را می دانم و از آنچه که در گذشته در

دنیا رخ داده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستیم.

خواننده عزیز!

این است شأن علمی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ ، و طبق مدارک قطعی این مقام به امر خداوند و رسول مکرّمش امروز (زمان غیبت) اختصاص به حضرت بقیه الله روحی له الفداء دارد. بنابراین، چگونه ممکن است کسی که وارث علوم همه انبیاء و ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین است و علم ماکان مایکون و ماهو کائن را دارد از مهمترین مسأله حیاتی خویش (یعنی روز ظهور و قیامت) آگاهی نداشته باشد؟ حاشا و کلا، بلکه می داند ولی چون از اسرار بزرگ الهی است، نباید گفته شود؛ لذا فرمودند «لانوقت»، یعنی روز و وقت ظهور را تعیین نمی کنیم.

پاورقی

[1] بصائر الدرجات، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، 147.

ائمه معصومین علیهم السلام در پیشگاه خداوند بزرگ

امام صادق علیه السلام موقعیت وجودی ائمه سلام الله علیهم را در این روایت چنین بیان فرموده اند:

نحن ولایه امر الله و خزانه علم الله و عیبه وحی الله. [1].

1 - ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم.

2 - ما خزانه داران علوم الهی هستیم.

3 - ما مرکز اسرار الهی هستیم.

خواننده عزیز!

چگونه ممکن است که امام علیه السلام خازن علم خداوند باشد، مرکز اسرار ذات پاک حق باشد یعنی خداوند اسرار خودش را به دست آنها داده باشد و از طرف او فرمانروای عالم هستی باشد اما از روز قیام و هنگام انتقام از دشمنان خداوند که برای او ذخیره شده است بی اطلاع باشد؟

پاورقی

[1] اصول کافی، ج 1 / علیه السلام 192.

موقعیت علمی امام

امام باقر علیه السلام به راوی می فرمایند:

والله انا لخزان الله في سماءه و ارضه لا على ذهب و لا على فضه الا على علمه. [1].

به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمانها و زمين هستيم و البته نه بر طلا و نقره بلکه بر علم او.

خواننده گرامی!

امروز وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء گنجهای علم خداوند در نزد آن وجود مقدس است، آنوقت چگونه ممکن است که از علم به ظهور خود که در رأس تمام مسائل حیاتی عالم آفرینش قرار دارد، بی اطلاع باشد؟
ابی حمزه می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند متعال نقل می کنند که فرمود: استکمال حجتی علی الاشقیاء من امتک من ترک ولایه علی والاوصیاء من بعدک فان فیهم سنتک و سنه الانبیاء من قبلک و هم خزانی علی علمی من بعدک ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله لقد انباءنی جبرئیل علیه السلام باسمائهم و اسماء آبائهم. [2].

حجت من بر اشقیای امت تو تمام است، یعنی آنهایی که ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و جانشینان بعد از او را نپذیرفتند؛ زیرا در وجود مقدس امیرالمؤمنین و ائمه بعد از او روش شما و همه پیامبران در او و ائمه بعد از او وجود دارد و نیز علی علیه السلام و ائمه بعد از او خزانه دار علم من اند (پس امروز

که حضرت ولی عصر علیه السلام نگهبان و خزانه دار علم خداوند است، چگونه می شود که علم به وقت و روز و ساعت ظهور از آن حضرت پنهان بماند؟). آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل علیه السلام نامهای ائمه و نامهای پدرانشان را به من خبر داده است.

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 1 / صلی الله علیه و آله 192.

[2] همان مأخذ، ج 1 / صلی الله علیه و آله 193.

جهات مختلفه دانش ائمه معصومین علیهم السلام

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند:

مبلغ عملنا علی ثلاثه وجوه ماض و غابر و حادث فاما الماضی فمفسر و اما الغابر فمزبور و اما الحادث فقذف فی القلوب و نقر فی الاسماع و هو افضل علمنا لانی بعد نبینا. [1].

دانش ما ائمه بر سه قسم است:

1 - علم به گذشته که برای ما تفسیر کرده اند (مفسر یا خداوند بزرگ است یا رسول او یا امام پیش از هر امام).

2 - علم به آینده و آنچه در جهان واقع می شود (در لوح محفوظ یا در جامعه یا مصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها نوشته شده که امام معصوم از همه آنها باخبر است).

3 - علم به آنچه در آینده رخ می دهد (از رویدادهایی که در آنها بدا حاصل می شود) آگاهی ما به آنها از طریق الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن فرشته در گوش است، و این برترین دانش ماست، و هرگز پیامبری بعد از پیامبر ما نخواهد بود.

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 1 / صلی الله علیه و آله و سلم 264.

ائمه عليهم السلام و رازداری

امام باقر عليه السلام به عبدالواحد فرزند مختار می گوید:

لوکان لا لسننکم اوکیه لحدث کل امری ء بما له و علیه.^[1]

اگر تملک زبان می داشتید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زیان و نفع شماست.

خواننده گرامی!

علم امام عليه السلام نامحدود است و همه چیز در دایره علمش منعکس می باشد. پس چگونه امام عصر روحی له الفداء از وقت ظهور خود خبر ندارد؟ آری، اگر کسی بگوید که امام عليه السلام نمی داند چه وقت ظهور می کند نسبت جهل و نادانی به امام داده و پیداست که اگر کسی نسبت جهل به امام عليه السلام بدهد مجازاتش چه خواهد بود.

آنچه از روایت مذکور استفاده می شود عدم ظرفیت شیعیان برای گرفتن اسرار از ائمه معصومین سلام الله علیهم است (به ویژه در این زمان تاریک غیبت کبری از وجود مقدس آقا حضرت صاحب الامر روحی له الفداء آن هم در ارتباط با تعیین وقت ظهور).

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 2، / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 17.

امام صادق عليه السلام و كتب جفر و جامعه و مصحف فاطمه عليها السلام

ابى بصير گوید:

دخلت على ابى عبدالله عليه السلام فقلت له جعلت فداك انى اساءلك عن مساءله هيهنا احد يسمع كلامى؟ قال فرفع ابو عبدالله عليه السلام ستره بينه وبين بيت آخر فاطلع فيه ثم قال يا ابا محمد سل عما بدالك قال قلت جعلت فداك ان شيعتك يتحدثون ان رسول الله صلى الله عليه وسلم علم عليا عليه السلام بابا يفتح له منه اءلف باب قال فقال يا ابا محمد علم رسول الله صلى الله عليه وسلم عليا عليه السلام الف باب يفتح من كل باب الف باب قال قلت هذا والله العلم قال فنكت ساعه فى الارض ثم قال انه لعلم و ما هو بذلك قال ثم قال يا ابا محمد و ان عندنا جامعه و ما يدريهم ما جامعه؟ قال قلت جعلت فداك و ما جامعه؟ قال صحيفه طولها سبعون ذراعاً بذراع رسول الله صلى الله عليه وسلم و املائه من فلق فيه و خط على يمينه فيها كل حلال و حرام و كل شىء يحتاج الناس اليه حتى الارش فى الخدش و ضرب بيده الى قال تاءذن لى يا ابا محمد قال قلت جعلت فداك انما انا لك فاصنع ما شئت قال فغمزنى بيده و قال حتى ارش هذا كانه مغضب قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و ليس بذالك ثم سكت ساعه ثم قال و ان عندنا الجفر و ما يدريهم ما الجفر قال قلت و ما الجفر قال وعاء من ادم فيه علم النبيين و الوصيين و علم العلماء الذين مضوا من بنى اسرائيل قال قلت ان هذا هو العلم قال انه لعلم و ليس بذلك ثم سكت ساعه ثم قال و ان عندنا لمصحف فاطمه عليها السلام و ما يدريهم ما مصحف فاطمه عليها السلام؟ قال قلت و ما مصحف فاطمه؟ قال مصحف فيه مثل قرآنكم هذا ثلاث مرات والله ما فيه من قرآنكم حرف واحد قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و ما هو بذاك ثم سكت ساعه ثم قال ان عندنا علم ما كان و علم ما هو كائن الى

ان تقوم الساعة قال قلت جعلت فداك هذا هو والله العلم قال انه لعلم و ليس
بذاك قال قلت له جعلت فداك فاي شيء العلم قال ما يحدث بالليل و النهار
الامر بعد الامر والشيء الى يوم القيامة. [1]

شرفیاب محضر امام صادق عليه السلام شدم، عرض کردم: قربانت کردم، می خواهم
از شما موضوعی بپرسم. آیا در اینجا غیر از ما کسی هست که سخن مرا بشنود؟
می گوید امام پرده وسط اطاق را بالا زد تا ابی بصیر ببیند که کسی نیست. آنگاه
فرمود: ای ابی بصیر! هرچه می خواهی سؤال کن عرض کردم: قربانت کردم،
شیعیان شما می گویند امیرالمؤمنین سلام الله علیه یک باب از علم از پیامبر
بزرگ صلی الله علیه و آله آموخت که از آن هزار باب علم بر روی حضرت علی باز شده
است. حضرت فرمود: ای ابابصیر! رسول اکرم صلی الله علیه و آله هزار باب از علم به علی
عليه السلام یاد داد که از هر باب هزار باب علم به روی آن حضرت باز شد. ابابصیر
می گوید عرض کردم: به خدا سوگند، این است علم. ابی بصیر می گوید:

مولایم ساعتی با انگشتان مبارکش بر زمین زد و فرمود: مسلما این علم
است، اما آن علم کامل و همه جانبه نیست. فرمودند: کتاب جامعه نزد ماست و
مردم نمی دانند جامعه چیست. می گوید عرض کردم: جامعه چیست؟ فرمود:
کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است با ذراع رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آن را به
زبان مبارک بیان فرموده و حضرت علی عليه السلام نوشته است. به تمام احکام الهی
از واجب و حرام و هرچه مردم نیاز به آن دارند در آن هست، حتی دیه و جرم
یک خراش. در این موقع امام صادق عليه السلام دست مبارکش را بر من زده،
فرمودند: اجازه می دهی؟ عرض کردم: مولای من! هرچه میل دارید عمل کنید.
آنگاه حضرت یک نشگون (یا در اصطلاح فارسی ها یک پنجیر) به من گرفت و
فرمود: حتی جزای این عمل کوچک هم در آن بیان شده است. در این موقع

امام عاشق به نظر غضبناک می رسیدند. عرض کردم: قربانت بروم، والله این علم است. فرمودند: آری، این علم است اما دانش نهایی نیست. سپس لختی سکوت کردند و سپس فرمودند: در نزد ما کتاب جفر است، و مردم چه می دانند جفر چیست. عرض کردم: قربانت شوم، جفر کدام است؟ فرمود: ظرفی است که تمام علوم انبیاء و اوصیاء و دانشمندان بنی اسرائیل، همه در آن است. عرض کردم: قربانت گردم، این است معنی علم؟ فرمودند: این علم است اما باز علم کامل نیست. آنگاه مدتی ساکت ماندند و فرمودند: نزد ماست مصحف مادرم فاطمه علیها السلام، و مردم چه می دانند مصحف فاطمه علیها السلام چیست. عرض کردم: مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ فرمودند: سه برابر قرآن شماست، به خدا سوگند، یک کلمه از قرآن شما در آن مصحف نیست. عرض کردم: به خدا علم کامل این است. فرمودند: این کتاب علم است اما علم کامل نیست. و لحظاتی خاموش شدند، آنگاه فرمودند: در نزد ماست علم به آنچه گذشته و هرچه که در آینده واقع می شود تا قیام قیامت. عرض کردم: به خدا سوگند، علم نهایی این است. فرمودند: این علم است اما علم کامل نیست. ابی بصیر می گوید عرض کردم: پس علم کامل و نهایی چیست؟ فرمود: علم کامل آن است که همواره در تزیاید باشد، و بر آنچه در شبانه روز پدید می آید، بر فرمان هایی که صادر می شود و حوادثی که تا روز قیامت رخ می دهد، احاطه داشته باشد.

خواننده عزیز!

این کتابها و علمها در نزد حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء است. آیا باز هم می توان باور کرد با این قدرت بی نهایت علمی، آن حضرت عالم به روز و سال

ظهور و ساعت قیام جهانی اش نباشد؟ ابداء او می داند و باید هم بداند، اما از اسرار بزرگ خداوندی است و کسی به آن آگاهی پیدا نخواهد کرد.

(اللهم عجل فرجه و اجعلنا من اعوانه و انصاره).

پاورقی

[1] همان مأخذ، ج 1 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 239.

رسول اکرم ﷺ و نشانه های ظهور

«عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله علیه و آله سیاتی علی امتی زمان تخبت فیہ سرائرهم و تحسن فیہ علانیتهم ظمعا فی الدنیا لا یریدون به ما عند الله عزوجل یكون امرهم ریا لا یخالطه خوف یعلمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یرستجاب لهم. [1].»

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هر چه دعا کنند حتی غریق مستجاب نخواهد شد. از این روایت علامت برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا الفداء آن هم از زبان آوردنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نقل کرده اند.

1 - دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود.

2 - مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است

3 - هدف از این تظاهرات فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن

است

4 - کارهای آنها اگر چه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می

شود (ریا)

5 - توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند.

6 - به جهت این صفات خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ گرفتار ظلم شدن گرانی سلب برکت و ...

7 - در این موقع هر چه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد [2].

رسول خدا ﷺ در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرمایند:

سیاتی زمان علی امتی لا یبقی من القران الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمہ یسمون به وهم ابعده الناس منه مساجد هم عامره و هی خراب من الهدی فقهاء ذلک الزمان شرقفهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة و الیهم تعود. [3].

بزودی زمانی بر امت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند آنان به نام مسلمانان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گردد

وجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله ﷺ در این حدیث که در حقیقت آئینه ای است که

دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار به چند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است:

- 1 - محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن متروک و فقط اسمی از آن می ماند.
- 2 - از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود.^[4]
- 3 - تقریباً یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملاً از اسلام بیگانه اند.
- 4 - مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها البته به صورتهای مختلف شده است.
- 5 - فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تاملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فساد که در اجتماع کرده اند معنی روایات معلوم می شود.
- 6 - تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «اذا فسد العالم فسد العالم» رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید هرگاه

دانشمندی راه فساد را پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند.

خواننده گرامی! نا گفته نماند که از نظر منطق و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست.

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می فرماید:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (ان) الاسلام بدا غریبا و سيعود غریبا كما

بدا فطوبی للغرباء. [5].

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهاییان و غربا. خواننده ارجمند! اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخر الزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنون نیز اینچنین است و با این همه امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بسر می برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایات بالا تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «فطوبی للغرباء» بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در

ابتدای امر واقعا غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخرالزمان هم این طور خواهد شد.

خواننده محترم! ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم بر خلاف این برنامه هاست.

از امام صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من ابغضنا اهل البيت بعثه الله يهوديا قيل يا رسول الله و ان شهد الشهادتين؟ قال نعم انما احتجب بهاتين الكلمتين عند سفك دمه او يودی الجزیه و هو صاغر ثم قال ابغضنا اهل البيت بعثه الله يهوديا قيل و كيف يا رسول الله؟

قال ان ادرك الدجال آمن به. [6].

هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند (عزوجل) او را یهودی برانگیزد. سؤال شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین بگویند؟ فرمودند: بله. در نتیجه دو کلمه شهادت (شهد ان لا اله الا الله و شهد ان محمد رسول الله) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معاف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی برانگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد.

در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ پس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفدا است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد:

1 - محشور شدن در روز قیامت با یهودیان.

2 - حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود.

3 - از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند.

4 - مخلد بودن در آتش جهنم.

5 - محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین. رسول مکرم ﷺ خبر از قیام مهدی روحی له الفدا می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین

می فرماید: «المهدی منا یختم الدین به کما فتح بنا... (و اخرج الحاکم فی صحیحه) یحل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی لا یجد الرجل ملجا فیبعث الله رجلا من عترتی اهل بیتی یملا الارض

قسطا و عدلا كما ملئت ظلما وجورا و ساكن السماء و ترسل السماء قطرها و
تخرج الارض نباتها.» [7].

همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی علیه السلام خاتمه
می یابد... در آخر الزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا
می شوند که مانند آن را نشنیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود
که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و
ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها
او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین برکاتش را
در اختیار مردم قرار می دهد.

«سیجی ء فی آخر الزمان اقوام تکون وجوههم وجوه الادمیین و قلوبهم
قلوب الشیاطین امثال الذناب الضواری لیس فی قلوبهم شیء من الرحمه سفاکین
للدماء و لا یرعون عن قبیح ان تابعتهم واروک و ان تواریت عنهم اغتابوک و ان
حد ثوک کذبوک و ان ائمتنتهم خانوک صیهم عارم و شایهم شاطر و شیخهم
لایامر بمعروف و لا ینهی عن منکر الاعتزازبهم ذل و طلب ما فی ایدیم فقر
الحلیم فیهم غاو و الامر فیهم بالمعروف متهم المؤمن فیهم مستضعف و الفاسق
فیهم مشرف السنه فیهم بدعه و البدعه فیهم سنه فعند ذلک یسلط الله علیهم
شرارهم و یدعو خیارهم

فلا یستجاب لهم.» [8].

در آخر الزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما
دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (یر از خود خواهی و تکبر و غرور و امثال
اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد،

قتل و خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجوی قرار می دهند، اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بی باک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

پاورقی

[1] بحار النوار ج 52 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 190.

[2] البته در بعضی روایات دعای یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک به نام دعای غریب ذکر شده.

[3] بحار الانوار ج 52 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 190

[4] این آیینہ در مقابل اسلام و کشورهای به اصطلاح مسلمان قرار بده مسلما غیر از اسم و رسم از قرآن و اسلام چیز دیگری نمی بینی.

[5] همان ماخذ ج 52 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 191.

[6] همان مأخذ، ج 52 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 192.

[7] الامام المهدي عند اهل السنه، ج 2، مشارق الانوار، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 29.

[8] نوائب الدهور، ج 1 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 150.

شب معراج و نشانه های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پر نور آورنده اسلام حضرت محمد بن عبد الله ﷺ نقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز می رسد:

«عن ابن عباس عن رسول الله ﷺ: فی حدیث ان الله اوحى اليه ليله اسرى به ان يوصى الى على و اخبره بالائمة من ولده الى ان قال و آخر رجل منهم يصلى عيسى ابن مريم خلفه يملا الارض عدلا كما ملئت جورا و ظلما انجى به من الهلكه و اهدى به من الضلاله و ابرى به الاعمى و اشفى به المريض فقلت الهى و سیدی متى يكون ذاك فاوحى الله عزوجل الى يكون ذلك اذا رفع العلم و ظهر الجهل و كثر القراءه و قل العمل و كثر القتل و قل الفقهاء و الهادون و كثر فقهاء الضلاله و الخونه و كثر الشعراء و اتخذ امتك قبورهم مساجد و حليت المصاحف و زخرفت المساجد و كثر الجور و الفساد و ظهر المنكر و امر امتك به و نهى عن المعروف و اكتفى الرجال بالرجال و النساء و صار الامراء كفره و اوليائهم فجره و اعوانهم ظلمه ذوا الراى منهم فسقه و عند ثلاثه خسوف خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزيره العرب و خراب بصره على يد رجل من ذريتك تتبعه الزوج و خروج رجل من ولد الحسين بن على و ظهور الدجال يخرج من المشرق من سجستان و ظهور السفیانی.»^[1]

ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم ﷺ وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند:

- 1 - عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند.
 - 2 - زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.
 - 3 - بندگان را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهم.
 - 4 - گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم.
 - 5 - نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می دهم.
- عرض کردم خداوندا! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید:
- 6 - هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند.
 - قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود.
 - 7 - قتل و کشتار زیاد شود.
 - 8 - فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربانی).

9 - علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد

شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند).

10 - شعرا زیاد شوند.

11 - امت شما قبرستان ها را مساجد قرار دهند.

12 - قرآنها را زینت کنند.

13 - مساجد را مجلل بسازند.

14 - جور و فساد زیاد شود.

15 - منکرات ظاهر شود.

16 - امت شما امر به منکر کنند.

17 - پیروان شما نهی از معروف کنند.

18 - مردها به مردها اکتفا کنند (لواط).

19 - زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه).

20 - زمامداران کافر شوند.

21 - دوستان حکمرانان گنهکار باشند.

22 - یاوران آنها ستمگران باشند.

23 - صاحبان رأی و نظر از آنان فاسقان باشند.

24 - سه خسف^[2] در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب.

25 - خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند.

26 - قیام مردی از اولاد امام حسین علیه السلام.

27 - ظهور دجال و قیامش از سجستان.

28 - خروج سفیانی.

[1] اثبات الهداه، ج 7 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 390 و 391.

[2] فروفتگی زمین

رسول اکرم ﷺ و موقعیت منتظران حضرت مهدی عجل الله فرجه قبل از

ظهور

امام صادق عليه السلام از وجود مبارک رسول اکرم صلى الله عليه وآله درباره مقام منتظران ظهور و علاقه مندان به ساحت قدس حضرت بقیه الله روحی له الفداء و آباء گرامی اش چنین نقل فرموده اند:

طوبى لمن ادرك قائم اهلبیتی و هو مقتد به قبل قیامه یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمه من قبله اولئک رفقائی و ذووا ودی و مودتی و اکرم امتی علی و اکرم خلق الله علی. [1]

خوشا به حال کسانی که قائم از اهل بیت مرا درک کنند و اقتدای به آن حضرت میکنند (فرمانبرداری) پیش از قیامش، دوستان او را دوست می دارند و با دشمنانش دشمن اند و از آنها تبرا می جویند و ائمه معصومین قبل از آن حضرت را دوست می دارند. اینان رفقای من و دوستان من و بهترین افراد امت من در نزد من بلکه بهترین مخلوقات خداوند برای من هستند (گوارا باد بر صاحبان این نعمت (ولایت)).

حذیفه می گوید: دیدم رسول معظم اسلام صلى الله عليه وآله پرده کعبه را گرفته و گریه می کند. عرض کردم یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟

خداوند چشمهای تو را نگریاند. فرمودند: یا حذیفه قد ذهب الدنيا او کانک بالدنيا لم تکن قلت فداک ابی و امی یا رسول الله فهل من علامه یستدل بها علی

ذلك قال نعم يا حذيفه احفظ بقلبك و انظر بعينك و اعقد بيدك اذا ضيقت امتى الصلواه و اتبعت الشهوات و كثر الخيانات و قلت الامانات و شربوا القهوات و اظلم الهوى و غار الماء و اغبرت الافق و خيفت الطرق و تشاتم الناس و فسدوا و فجرت الباعه و رفضت القناعه و ساءت الظنون و تلاشت السنون و كثرت الاشجار و قلت الثمار و غلت الاسعار و كثرت الرياح و تبينت الاشراف و ظهر اللواط و استحسنا الخلف و ضاقت المكاسب و قلت المطالب و استمروا بالهوى و تفاكها بينهم بشتيمه الاباء و الامهات و اكلوا الربا و فشا الزنا و قل الرضا و استعملوا السفهاء و كثرت الخيانه و قلت الامانه و ذكى كل امرء نفسه و عمله و اشتهر كل جاهل بجهله و زخرت جدران الدور و رفع بناء القصور و صار الباطل حقا و الكذب صدقا و الصحه عجزا و اللؤم عقلا و الضلاله هدى و البيان عمى و الصمت بلاهه و العلم جهاله و كثرت الايات و تتابعت العلامات و تراجموا بالظنون و دارت على الناس رحى المنون و عميت القلوب و غلب المنكر المعروف و ذهب التواصل و كثرت التجارات و استحسنا البطالات و تهادوا انفسهم بالشهوات و تهاونوا بالمعضلات و ركبوا جلود النمر و اكلوا الماء تور و لبسوا الحبور و آثروا الدنيا على الآخرة و ذهب الرحمه من القلوب و عم الفساد و اتخذوا كتاب الله لعبا و مال الله دولا و استحل الخمر بالنبيذ و النجش بالزكوه و الربا بالبيع و تكافاء الرجال بالرجال و النساء بالنساء و صارت المباهات فى المعصيه و الكبر فى القلوب والجور فى السلاطين و السفاهه فى سائر الناس فعند ذلك لا يسلم لذي دين دينه الا من فر بدينه من شاهق الى شاهق و من واد الى واد و ذهب الاسلام حتى لا يبقى الا اسمه و اندرس القران من القلوب حتى لا يبقى الا رسمه يقرؤن القرآن لا يجاوز تراقيهم لا يعلمون بما فيه من وعد ربهم و وعيده و تحذيره و تنذيره و ناسخه و منسوخه فعند ذلك تكون مساجدهم

عامره و قلوبهم خاربه من الايمان علمانهم شر خلق الله على وجه الارض منهم بدت الفتنة و اليهم تعود و يذهب الخير و اهله و يبقى الشر و اهله و يصير الناس بحيث لا يعباء الله بشيء من اعماله قد حجب اليهم الدينار و الدارهم حتى ان الغنى ليحدث نفسه بالفقر.^[2]

ای حذیفه! دنیا از بین رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد! آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: آری ای حذیفه! مطالبی که می گویم به قلبت بسیار و با چشمت بین و با انگشتانت شماره کن:

1 - وقتی که امت من نماز را ضایع کنند.

2 - از شهوات پیروی کنند.

3 - خیانت در میان مردم زیاد شود.

- امانت و امانتداری کم شود.

5 - مشروبات الکلی بنوشند.

6 - فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد).

7 - به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاهها کم می شود کما اینکه الان شده است - .

8 - آسمان و این فضای لایتناهی غبارآلود شود (ممکن است کنایه از ظلم های جهانی باشد مانند جنگهای جهانی از قبیل دو جنگ اول و دوم و جنگهای پراکنده).

9 - امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود (نظیر هواپیما ربایی، آدم دزدی).

10 - و مردم همدیگر را سب و لعن کنند.

11 - خانواده ها در دامن فساد سقوط کنند (مانند بی حجابی، رقاصی، قمار و غیره).

12 - مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدیریت شونند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد.

13 - افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند.

14 - سالهای دنیا پست و خوار شود.

15 - درختکاری زیاد شود و محصولها اندک شود.

16 - قیمتها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم به طور سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند).

17 - بادهای زیاد شود (طوفانها و تندبادها مرتباً در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی به بار آورد).

18 - پرده از روی باطن مردم برداشته شود (و جنایتکاران و دنیاپرستان و جاه طلبان شناخته شوند، یا بدان آشکار شوند یا علائم ظاهر شوند).

19 - عمل شنیع لواط علنی شود (کما اینکه در انگلستان با گذراندن قانونی از تصویب مجلس لواط بلامانع شده است).

20 - خلاف، پسندیده شود.

21 - تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد درخواست کم شود.

22 - تمام برنامه ها را با کمال گستاخی و خودسری بر مبنای هوای نفس (دلم می خواهد) پیاده کنند.

23 - ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند.

24 - آشکارا ربا بخورند و کوچکترین ترسی از خداوند نداشته باشند.

25 - بی عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند (مراکز خودفروشی و زنا در دنیا با ابعاد گسترده ای بالاترین شاهد ماست).

26 - خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود.

27 - افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.

28 - خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود.

29 - امانت را بی اهمیت بدانند و به آن بی اعتنا باشند و افراد امین کم شوند.

30 - افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.

- 31 - نادانها به دليل ناداني خویش مشهورند.
- 32 - مردم خانه های خود را بیارایند و دیوارهای آن را زینت دهند.
- 33 - قصرها و خانه ها بلند ساخته شود (مانند ساختمانهای چندین طبقه ای که آسایش و امنیت را از همسایه ها سلب می کند).
- 34 - باطل را به لباس حق جلوه دهند.
- 35 - زشتی دروغ از بین برود بحدی که لباس راستی بر آن بیوشانند.
- 36 - اگر کسی در کارش صحت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند.
- 37 - پستی و لثامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند
(صاحبش را عاقل بدانند)
- 38 - گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند.
- 39 - بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند این شخص کور است و واقعیت دنیا را نمی بیند).
- 40 - و خموشی را بی خردی بدانند.

41 - دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزند او را جاهل و عملش را نادانی بدانند.

42 - نشانه ها بسیار شود و علامتها یکی پس از دیگری ظاهر گردد.

43 - تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند (مردم را متهم کنند و بدون دلیل آبروی بندگان خدا را بریزند).

44 - آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگهای خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بیگناه را قتل عام کنند، مانند بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی و..).

45 - مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند (مانند جنایاتی که از زمامداران خود می بینند و در عین حال می گویند خوب است).

46 - کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند (مردم طرفدار کارهای بد شوند).

47 - محبت نسبت به یکدیگر و صله رحم از دلهای مردم برداشته شود.

48 - تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند.

49 - جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوتهای زیادی که دارند، بذل کنند.

50 - کارهای بزرگ را آسان شمارند (نظیر جنگ با دولتهای بزرگ).

51 - از پوشیدن پوستهای حیوانات حرام گوشت (یا ذبح شرعی نشده) باکی نداشته باشند.

52 - جامه های نرم و زیبا و نازک بپوشند (و بدن آنها از روی لباس پیدا باشد).

53 - رغبت به دنیا پیدا کنند و آن را بر آخرت مقدم بدارند (اعمال بد مردم گواه این مطلب است).

54 - رحم از دلهای همه مردم برود (اعم از زمامدار، تاجر، کاسب، زن، شوهر و غیر آنها).

55 - فساد جنبه عمومی پیدا کند (خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو).

56 - قرآن را به بازی بگیرند (از نام آن و آیاتش به نفع اهداف شوم خود سوء استفاده کنند).

- 57 - اموال بیت المال (وجوه شرعیه) را مال شخصی خود بدانند یا حقوق شرعیه مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است.
- 58 - مسکرات را با تغییر نام حلال بدانند.
- 59 - در وقت دادن زکات مال خود خیانت کنند (کم بدهند یا جنس نامرغوب عرضه کنند).
- 60 - ربا را به نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از مقروض بگیرند.
- 61 - در فسق و فجور مردها با مردها و زنها با زنها برابری کنند.
- 62 - به نافرمانی از خداوند (گناه کردن) مباهات کنند.
- 63 - دلهای مردم پر از تکبر و نخوت شود و ظلم و جور در پادشاهان و نادانی در مردم (زیر بار ظلم رفتن) ظاهر شود.
- 64 - در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قله و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد.

65 - از اسلام باقی نماند جز اسمی و از قرآن باقی نماند جز رسمی (قرآن در دلها کهنه شود و فقط اسم و رسمی از آن باقی بماند).

66 - قرآن بخوانند در حالی که از گلوگاه و استخوان ترقوه و گردن نگذرد و از وعده های خداوندی و وعیدهای آن عملا در میان مردم خیری نباشد و از خداوند ترسند و به یاد او نباشند و از ناسخ و منسوخ قرآن بی خبر باشند.

67 - در این حالات مساجدشان آباد باشد اما دلهاشان از تقوا و ایمان تهی.

68 - علما و دانشمندان آن زمان بدترین مردم روی زمین باشند و تمام فسادها و فتنه ها از ناحیه آنها برخیزد و بازگشت همه آنها (فتنه ها) به سوی خود ایشان است.

69 - مردم خیر و نیکوکار و مراکز خیر از بین برود اما اهل شر و فساد بمانند.

70 - مردم به خداوند عالم در کارهایشان بی اعتنا باشند و اعمالشان از روی تحقیق نباشد.

71 - تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد (ثروت دنیا از هر راهی که بیاید، حلال یا حرام، مانعی نداشته باشد).

72 - هر قدر ثروتشان زياد شود باز بگويند فقيريم.

خواننده عزيز!

اين هفتاد و دو علامت را به منزله يك آيينه قرار بده و آن را در مقابل جهان امروز بگذار؛ اگر همه اينها را در اين آيينه و در قيافه هاي اين مردم نديديد نويسنده را نفرين كنيد و گرنه به دعای خير از او ياد كنيد. حتما مي بينيد.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

قال حجت مع رسول الله ﷺ حجه الوداع فلما قضى النبى ﷺ ما افترض عليه من الحج اءتى مودع الكعبه فلزم حلقة الباب و نادى برفيع صوته ايها الناس فاجتمع اهل المسجد و اهل السوق فقال اسمعوا انى قائل ما هو بعدى كائن فليبلغ شاهدكم غائبكم ثم بكى رسول الله ﷺ حتى بكى لبكائه الناس اجمعين فلما سكت من بكائه قال اعلموا رحمكم الله ان مثلكم فى هذا اليوم كمثل ورق لا شوک فيه الى اربعين و مائه سنة ثم ياءتى من بعد ذلك شوک و ورق الى مائتى سنة ثم ياءتى من بعد ذلك شوک لا ورق فيه حتى لا يرى فيه الا سلطان جائر او غنى بخیل او عالم مراغب فى المال او فقير كذاب او شيخ فاجر او صبی و قح او امراه رعناء ثم بكى رسول الله ﷺ فقام اليه سلمان الفارسی و قال يا رسول الله اخبرنا متى يكون ذلك فقال ﷺ اذا قلت علمائكم و ذهب قراؤكم و قطعتكم زكاتكم و اظهرتم منكراتكم و علت اصواتكم فى مساجدكم و جعلتم الدنيا فوق رؤسكم و العلم تحت اقدامكم و الكذب حدیثكم و الغيبة فاکهتكم و الحرام غنيمتكم و لا یرحم كبيركم صغيركم و لا یوقر صغيركم كبيركم فعند ذلك تنزل اللعنه عليكم و يجعل باءسكم بينكم و

بقى الدين بينكم لفظا بالسنتكم فاذا او تيتتم هذه الخصال توقعوا الريح الحمراء او مسخا او قذفا بالحجاره و تصديق ذلك فى كتاب الله عزوجل «قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذابا من فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعا و يذيق بعضكم باءس بعض انظر كيف نصرف الايات لعلمهم يفقهون».[3]

فقام اليه جماعه من الصحابه فقالوا يا رسول الله اخبرنا متى يكون ذلك فقال عند تاء خير الصلوه و اتباع الشهوات و شرب القهوات و شتم الالباء و الامهات حتى ترون الحرام مغنما و الزكاه مغرما و اطاع الرجل زوجته و جفا جاره و قطع رحمه و ذهبت رحمه الاكابر و قل حياء الاصاغر و شيدوا البنيان و ظلموا العبيد و الاماء و شهدوا بالهوى و حكموا بالجور و يسب الرجل اباه و يحسد الرجل اخاه و يعامل الشركاء بالخيانة و قل الوفاء و شاع الزنا و تزين الرجال بثياب النساء و سلب عنهن قناع الحياء و دب الكبر فى القلوب كدبيب السم فى الابدان و قل المعروف و ظهرت الجرائم و هونت العظائم و طلبوا المدح بالمال و انفقوا المال للغناء و شغلوا بالدنيا عن الاخره و قل الورع و كثر الطمع و الهرج و المرج و اصبح المؤمن ذليلا و المنافق عزيزا مساجدهم معموره با لاذان و قلوبهم خاليه من الايمان و استخفوا بالقرآن و بلغ المؤمن منهم كل هو ان فعند ذلك ترى وجوههم وجوه الادميين و قلوبهم قلوب الشياطين كلامهم احلى من العسل و قلوبهم امر من الحنظل فهم ذئاب و عليهم ثياب ما من يوم الا يقول الله تبارك و تعالى اءفى تغترون ام على تجترون «افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون» [4] فو عزتى و جلالى لولا من يعبدنى مخلصا ما امهلت من يعصينى طرفه عين و لولا ورع الورعين من عبادى لما انزلت من السماء قطره ولا انبت ورقه خضراء فوا عجباً لقوم آلهتهم اموالهم و طالت آمالهم و قصرت آجالهم

و هم یطمعون فی مجاوره مولا هوم ولا یصلون الی ذلک الا بالعمل ولا یتیم العمل
الا بالعقل. [5]

در حجه الوداع (آخرین حج) در خدمت رسول اکرم ﷺ بودم. وقتی که پیامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند به عنوان وداع به خانه کعبه نزدیک شدند، حلقه در خانه را گرفتند و با صدای بلند که همه اهل مسجد الحرام و بازاریان صدای مبارکشان را شنیدند و اجتماع کردند، فرمودند: ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند برسانید. آنگاه وجود مقدس رسول گرامی ﷺ گریه کردند و از گریه آن بزرگوار همه به گریه افتادند و چون از گریه فارغ شدند، فرمودند: ای مردم! خداوند شما را رحمت کند. مثل شما از امروز تا یکصد و چهل سال دیگر مانند درخت بی خار خواهید بود (ممکن است که کنایه از زندگی آرام باشد) و دویست سال دیگر بر شما خواهد آمد که مانند درختی باشید که هم برگ دارد و هم خاردار است (این نیز ممکن است کنایه از زندگی همراه با نیش و نوش و زحمت و خوشی باشد). دیگر بعد از این مثل شما مانند درختی است که خارهای جانگداز دارد و در این فصل از زندگی نمی بینید مگر پادشاه ستمگر یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمرد زناکار یا بچه گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه رسول اکرم ﷺ گریه کردند. سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! به ما خبر بده کی خواهد شد. حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما کم شوند و قاریان قرآن شما از بین بروند و زکات دادن متروک شود و منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کند و در مساجد صداهای شما بلند شود و کارهای مربوط به دنیا را مقدم بر امور اخروی بلکه روی سر آخرت بگذارید و علم را

زیر پای خود قرار دهید (کنایه از علوم اسلامی و معارف حقه اهل بیت
علیهم‌السلام است) و سخن معمولی و همگانی شما دروغ، میوه و نقل مجالس شما
غیبت و آنچه به دست می آورید حرام باشد. (ای سلمان!) در آن زمان بزرگان
بر کوچکان رحم نمی کنند و کوچکان نیز احترام بزرگان را نگاه نمی دارند (ای
سلمان!) در این حالت، لعنت خداوند بر شما نازل می شود و سختیها دامن شما
را خواهد گرفت و از دین در میان شما جز لفظی باقی نمی ماند و آنگاه که شما
دارای این صفات ناپسند شدید، منتظر وزیدن باد سرخ یا سنگباران شدن یا
مسخ شدن باشید، به درستی که در کتاب خداوند عزوجل آمده است: «خداست
که می تواند به وسیله عذاب های مختلف از بالا و پایین (سنگباران یا بادهای
سخت) شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند و بچشاند برخی از شما را
آسیب برخی دیگر. بنگر چگونه آیه ها را گونه گون می کنیم، شاید آنها فهم
کنند».

در این موقع بعضی از اصحاب برخاسته، عرض کردند: یا رسول الله! به ما
خبر ده این جریانات کی خواهد بود. فرمودند: آنگاه که نماز را در وقت خودش
نخوانند، متابعت از شهوات کنند، شرب خمر کنند (زیرا قهوه خوردن گناه
نیست). به پدران و مادران ناسزا بگویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت
بدانند و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند، مرد از همسر خود اطاعت کند،
درباره همسایه جفا کنند، با ارحام قطع ارتباط کنند، رحم از بزرگان برداشته
شود و حیای کوچکان کم گردد، ساختمانها را محکم بنا کنند، درباره نوکران و
کلفتها ظلم کنند، شهادتشان از روی هوی و هوس باشد، حکم آنها بر اساس
ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت کند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شرکاء در

معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند، وفا کم شود، زنا شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بپاریند، پرده حیا از زنها برداشته شود، تکبر دل‌های مردم را پر کند مانند سم‌های کشنده ای که در بدن‌ها جای می‌گیرد، کارهای خوب کم شود و جرایم و بدیها ظاهر شود، واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند، از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند، مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دل‌های ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع خواریها درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می‌بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلبهای آنان دل‌های شیاطین است (پیر است از مکر و حيله و تکبر و امثال این صفات بد)؛ سخنان آنان از عسل شیرین تر اما دل‌هایشان پر است از زهرهای کشنده. اینان گرگ‌های درنده ای هستند که به لباس آدمیان در آمده اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آنها نفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جرأت پیدا کرده اید؟ «تصور می‌کنید که من شما را بی فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟». به عزت و جلال سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاص نبود یک آن به معصیت کاران مهلت نمی‌دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان باتقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی‌فرستادم و یک برگ سبز از زمین نمی‌رویاندم. عجبا از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده اند و آرزوهای آنها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آنکه به

مقام قرب نمی رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.

در این حدیث نبی معظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حوادث و بلاهایی که بعد از آن بزرگوار متوجه خاندان عزیزش می شود یاد می فرمایند و در ضمن به بعضی از علائم ظهور امام عصر روحی له الفداء اشاره می کنند:

ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذكر بلاء يلقاه اهل بيته حتى يبعث الله رايه من المشرق سواد من نصرها نصره الله و من خذلها خذله الله حتى ياءتوا رجلا اسمه كاءسمى فيولوه امرهم فيويده الله و ينصره. [6].

پرچمهای سیاهی از جانب مشرق (خراسان) به احتزاز در می آید. هر کسی که زیر این پرچمها برود و صاحبش را یاری کند خداوند او را یاری خواهد فرمود و هر فردی که آنها را مخدول کند، یعنی با پرچم و صاحب آن مخالفت کند، خداوند او را مخدول خواهد کرد تا اینکه مردی بیاید که نامش مانند نام من باشد. پس زمام امور را به دست گیرد و خداوند او را از نصرت و تأییدات خودش بهره مند خواهد فرمود.

نعیم بن حماد می گوید:

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تكون فتنه ثم تكون جماعه ثم تكون فتنه تعوج فيها عقول الرجال. [7].

رسول معظم اسلام ﷺ فرمودند: بعد از من فتنه هایی خواهد بود و جماعت هایی رهبری فتنه ها را به عهده خواهند گرفت؛ اما در آخر فتنه ای خواهد بود که بر اثر آن عقل مردم دچار انحراف خواهد شد. ممکن است منظور از فتنه ها حادثه بعد از رسول اکرم ﷺ (غصب خلافت)، زمامداری بنی امیه، خلافت بنی عباس و فتنه های دیگری باشد که واقع شده است.

عبدالله بن مسعود از بنیانگذار اسلام ﷺ روایت می کند که آن حضرت در ارتباط با حوادث بعد از خودشان چنین فرمودند: احذرکم سبع فتن تکون بعدی فتنه تقبل من المدینه و فتنه بمکه و فتنه تقبل من الیمن و فتنه تقبل من المشرق و فتنه من قبل المغرب و فتنه من بطن الشام و هی فتنه السفیانی قال ابن مسعود منکم من یدرک اولها و من هذه الامه من یدرک آخرها. [8]

من شما را از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من در دنیای اسلام به وجود می آید:

1 - فتنه ای که در مدینه برپا می شود (ممکن است اشاره به فتنه طلحه و زبیر باشد یا حادثه سقیفه).

2 - فتنه دوم از مکه است (ممکن است اشاره به جریان عبدالله بن زبیر باشد).

- فتنه ای که از جانب یمن (نجده) باشد.

4 - فتنه ای که از جانب شام برخواهد خاست (ممکن است اشاره به فتنه بنی امیه باشد).

5 - فتنه ای که از جانب مشرق به وجود می آید (ممکن است فتنه بنی عباس باشد).

6 - فتنه ای که از سوی مغرب خواهد بود.

7 - فتنه هفتم از شام برمی خیزد، که همانا قیام سفیانی است.

عبدالله بن مسعود می گوید: بعضی از افراد این امت اول این فتنه ها را درک می کنند و بعضی دیگر آخر این فتنه ها را خواهند دید.

خواننده ارجمند!

باید از خداوند بزرگ به وسیله آقا حضرت بقیه الله روحی له الفداء استدعا کنیم که همه ما را در این فتنه ها و امتحانات حفظ فرماید تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه را با عاقبت درک نماییم آمین یا رب العالمین - .

راوی خبر می گوید: در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودم، جوانانی از بنی هاشم وارد شدند، رنگ مبارک آن حضرت دگرگون. پس آن جوانان عرض کردند: یا رسول الله ما همیشه در رخسار شما حالی را می بینیم که آن را خوش نداریم. حضرت فرمودند:

انا اهل بيت اختار الله لنا الاخره على الدنيا و ان اهل بيتي هو لاء يلقون بعدى
بلاء و تطريدا و تشريدا حتى ياءتى قوم من هيهنا نحو المشرق اصحاب ريات
سود يساءلون الحق فلا يعطونه مرتين او ثلاثا فيقاتلون فينصرون فيعطون ما
ساءلوا فلا يقبلونها حتى يدفعوها الى رجل من اهل بيتي فيملاء الارض عدلا كما
ملئوها ظلما فمن ادرك ذلك منكم فليأثم ولو حبوا على الثلج فانه المهدي. [9].
ما اهل بيتي هستيم كه خداوند به جاي دنيا آخرت را براي ما قرار داده است.
به درستي كه اهل بيت من (اين جمعيت) بعد از من به انواع بلاها مبتلا مي شوند
(شهادت، اسارت، تبعيد، زندان و...) تا اينكه قومي از سمت مشرق بيابند كه
داراي پرچمهاي سياه هستند. آنان مطالبه حق كنند و به آنها داده نشود. پس
جنگ كنند تا دفعه دوم و سوم پيروزي نصيب آنها شود و آنها اين موفقيت را به
مردى از خاندان من تقديم مي كنند و او جهان را پر از عدل و داد مي كند
چنانكه پر شده باشد از ظلم و جور. پس هر كسى از شما آن زمان را درك كرد
خودش را به او برساند ولو اينكه از راه خزیدن و سينه خيز روی برف باشد،
زيرا او مهدي من است.

خواننده گرامی!

در این روایات خبر داده اند از قیام جناب سید حسنی و یاران او و تسلیم
شدنش به امام عصر روحی له الفداء و اینکه در خدمت آن بزرگوار خواهد بود،
و البته مرکز قیام خراسان خواهد بود.

پاورقی

[1] غیبت طوسی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، 275.

[2] نوائب الدهور، ﷺ 291.

[3] انعام / 65.

[4] مؤمنون / 115.

[5] بحار الانوار، ج 52 / ﷺ 262 - 264.

[6] الملاحم و الفتن، ﷺ 54.

[7] نوائب الدهور، ﷺ 106.

[8] الملاحم و الفتن، ﷺ 21.

[9] الملاحم و الفتن، ﷺ 52.

رسول اکرم ﷺ و موارث انبیاء

در این روایت رسول خدا ﷺ از موارث انبیاء سخن گفته اند. آری، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء همین است که باید آنچه انبیای گذشته داشته اند و به وسیله آن دشمنان را به زانو در می آوردند و موقعیت خود را تثبیت می کردند، آن حضرت نیز داشته باشند. لذا در این خبر می گوید پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرمودند:

تخرج الدابه و معها عصا موسى و خاتم سليمان فتجلو وجه المؤمن بالعصار و تختم انف الكافر.^[1]

«دابه»^[2] بیرون می آید در حالتی که عصای موسی و انگشتر سلیمان عليه السلام در دست اوست. پس به وسیله عصا صورتهای اهل ایمان روشن می شود و دماغ کفار و دشمنان حق به وسیله خاتم سلیمان مهر می گردد.

این است معنی ولایت مطلقه الهی و این قدرتی است که با آن تمام صفحه آفرینش را مسخر خود قرار می دهند.

پاورقی

[1] الملاحم والفتن، صلى الله عليه وآله وسلم 100.

[2] یکی از نامهای حضرت مهدی روحی له الفداء.

رسول اکرم ﷺ و خراب شدن مسجد برائا

مسجد برائا واقع در غرب بغداد مسجدی است بسیار با عظمت که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده اند. در این روایت، پیامبر خدا ﷺ پس از ذکر موقیعت این مسجد، خراب شدن آن را یکی از فتنه های پیش از ظهور بیان فرموده اند. خلاصه روایت از این قرار است که مسجدی را در حیات پیامبر ﷺ شبانه خراب کردند. اصحاب ناراحت شدند، آن حضرت فرمودند: لا تنکروا ذلک فان هذا المسجد یعمر ولکن اذا هدم مسجد برائا بطل الحج قیل له و این مسجد برائا هذا قال فی غربی الزوراء من ارض العراق صلی فیہ سبعون نبیا و وصیا و آخر من یصلی فیہ هذا و اشار بیده الی مولانا علی بن ابی طالب ع .^[1] منکر نشوید این را زیرا که این مسجد آباد می شود، اما اگر مسجد برائا خراب شود (کنایه از اهمیت مسجد است) زیانهایی در بر دارد که از جمله آن تعطیل شدن برنامه حج است. عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟ فرمودند: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق. هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند و آخر کسی که در آن نماز می خواند علی بن ابی طالب ع است. رسول گرامی اسلام ﷺ بعد از خودشان برای امت اسلامی از سه عامل می ترسیدند:

- 1 - لغزش عالم و دانشمند که قدرت تخریبی آن از صدها بمب اتمی بیشتر است. زیرا لغزش عالم عقاید و افکار مردم را مسموم می کند و آنها را برای ابد از بین می برد، اما اثر بمبهای اتمی فقط مربوط به جسم است.
- 2 - حکم حاکم ستمگر که بر مبنای خلاف حق صادر می شود.

3 - متابعت از هوی و هوس که همه چیز مردم را به باد فنا می دهد (وضع فعلی مسلمانان در دنیا خود گواه این مطلب است):

قال رسول الله ﷺ: انى اخاف على امتى من بعدى من اعمال ثلاثه قالوا ما هن يا رسول الله قال: زله العالم و حكم الجائر و هوى متبع.^[2]

رسول خدا ﷺ فرمودند: در خصوص امت، پس از خود در سه مورد بیمناک هستم. سؤال شد یا رسول الله آن سه مورد چیست؟ فرمودند: لغزش عالم و حکم ستمگر و هوی و هوسی که متابعت و پیروی شود. ان جبرئیل اتی النبی ﷺ فقال انالله و انالله و انالله راجعون فقال النبی ﷺ وسلم: و انالله و انالله راجعون فمم ذلك؟ فقال ان امتك ستفتن بعدك بقليل زمان من دهرک غير كثير فقلت: فتنه كفر او فتنه ضلال؟ فقال: كل سيكون. فقلت: و من اين و انما فيهم كتاب الله تعالى؟ فقال: بكتاب الله تعالى يفتنون و ذلك من قبل اءمرائهم و قرائهم يمنع الامراء القراء الحقوق فيظلمون حقوقهم و لا يعطونها فيقتتلون و يقتتنون و يتبع القرآن اهواء الامراء فيمدونهم بي الغى ثم لا يقصرون فقلت يا جبرئيل فكيف يسلم من يسلم؟ فقال: بالكف والصبر ان اعطوا الذى لهم اخذوه و ان منعوا تركوه.

[3]

جبرئیل شرفیاب محضر مقدس رسول اکرم ﷺ شد و این آیه شریفه را تلاوت کرد (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). پس پیامبر ﷺ آیه (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ). را تلاوت فرمودند و سپس از جبرئیل پرسیدند: خواندن این آیه برای چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! امت شما بعد از رحلتان مبتلا به یک

امتحان سنگین می شوند، آن هم خیلی زود. فرمودند: امتحان کفر است یا گمراهی و گم کردن راه حق؟ عرض کرد: همه اینها خواهد بود. پیامبر ﷺ فرمودند: این از کجاست، و حال آنکه قرآن در میان امت من است؟ عرض کرد: به وسیله قرآن امتحان می شوند و این برنامه از ناحیه دو دسته پیاده می شود: زمامداران و قراء و دانشمندان آنها. فرمانروایان حقوق قراء را نمی دهند، پس به آنها ظلم می شود و درگیری و جنگ در بین آنها پدید می آید. آنگاه فرمانروایان قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار می دهند (طبق دلخواه خود تفسیر می کنند) و قراء را به گمراهی می کشانند (ممکن است غرض از قراء علما و دانشمندان هر زمانی باشند). پرسیدم از جبرئیل که راه سلامت ماندن از این خطر کدام است؟ گفت: کف نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره گیری از مراکز فتنه.

درباره اوضاع و احوال آخرالزمان از رسول اکرم ﷺ روایت شده است که فرمودند: یاءتی علی امتی زمان تکثر فیہ الاراء و تتبع فیہ الالهواء و یتخذ القرآن مزامیر و یوضع علی الحان الاغانی یقراء بغیر خشی لایاءجرهم الله علی قراءته بل یلعنهم فعند ذلک تهش النفوس الی طیب الالغان فتذهب حلاوه القرآن اولئک لانصیب لهم فی الاخره و یكثر الهراج و المرج و تخلع العرب اعنتها و تکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یتخذون ضرب القصیب فیما بینهم فلا ینکره منکر بل یتراضون به و هو من احدى الكبائر الخفیه فویل لهم من دیان یوم الدین لاتنالهم شفاعتی فمن رضی بذلک منهم ولم ینهمم ندم بذلک یوم القیمه و انا منه بری و عندها تتخذ النساء مجالس و تكون الجموع الکثیره حتی ان المرءه لتتکلم فیها مثل الرجال و یکون جموعهن لهوا و لعبا و فی غیر مرضاه الله و هی

من عجائب ذلك الزمان فاذا راء يتموه فباينوهم و احذروهم في الله فانهم حرب
الله و لرسوله و الله منهم برى. [4]

زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد و از هواها و خواهشهای نفسانی پیروی می کنند و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می خوانند بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند. خداوند بزرگ در سایه خواندن قرآن به آنها اجری نخواهد داد بلکه آنها را لعن میکند (چون به قرآن عمل نمی کنند). پس، در چنین عصری ترانه ها و ساز و آواز آدمیان را به طرب می آورد آنچنانکه نفسهایشان گویی در طرب می آید و لذت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می شود. این دسته از مردم از ثوابهای اخروی بی بهره اند. در این موقعیت بیگناهان را زیاد می کشند، هرج و مرج بالا می گیرد و اجتماع عرب خودسر می شود (هر کاری که خواستند انجام می دهند و در مقابل دستورهای دین بی تفاوت می شوند)، مردها به مردها اکتفا می کنند (از نظر جنسی) و زنها به زنها قناعت می ورزند در فجور. ساز و آواز در میان آنها رواج می یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می کنند و کسی آنها را نهی نمی کند بلکه تشویق می شوند، با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنها پوشیده است، پس ای وای بر آنها از جزا دهنده روز رستاخیز. و شفاعت من به آنها نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال بد آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود (البته پشیمانی دیگری سودی نخواهد داشت) و من بیزارم. در چنین جامعه ای زنها برای خود تشکیل مجلس می دهند (کنفراس تشکیل می دهند) و جمعیتهای زیادی به راه می اندازند، به نحوی که زنها در آن اجتماعات برای سرگرمی است و در مسیر غیر رضای خداوند انجام می شود. پس چون این مردم را با این کیفیت دیدید از آنها

فاصله بگیرید و اگر می توانید آنها را نهی کنید و از ایشان بترسید برای خدا؛ زیرا این جمعیت در حال جنگ با خدا و رسول او هستند و خداوند و رسولش از آنها بیزارند.

خواننده عزیز!

این روایت را به منزله آئینه ای قرار ده و سیمای جهان را در آن ببین و برای تعجیل در امر فرج امام عصر ارواحنا له الفداء دعا کن اللهم عجل فرجه رسول گرامی اسلام ﷺ از سوی خداوند متعال این حدیث را بیان فرموده است: قال الله تبارک و تعالی: اذا هتكوا عبادی حرمتی و استحلوا محارمی و خالفوا امری سلطت علیهم جیشا من المشرق یقال لهم التبرک هم فرسانی انتقم بهم ممن عصانی نزعتم الرحمة من قلوبهم لایرحمون من بکی لایجیبون من شکی یقتلون الابیاء و الامهات و البنین و البنات یهلکون بلاد العجم و یفتحون العراق فیفترق جیش العراق بثلاث فرق فرقه یلحقون باذناب الابل و فرقه یترون عیالهم وراء ظهورهم و فرقه یقاتلون فیقتلون اولئک هم الشهداء و تغبطهم الملائکة فاذا راء یتیم ذلک فاستعدوا لقیامه قالوا یا رسول الله اذا ادركنا ذلک الزمان این تاءمرنا نستکن فقال رسول الله ﷺ علیکم بالغوطة بالشام الی جانب بلد یقال له دمشق خیر بلاد الشام طوبی لمن کان له فیها مسکن ولو مربط شاه فان الله تعالی تکفل بالشام و اهله. [5] خداوند فرموده است: وقتی که بندگان من هتک احترام مرا کردند (دین خداوند را محترم نشمردند) و حرام مرا حلال شمردند و اوامر مرا ترک گفتند، جمعیتی را بر آنها مسلط می کنم که سواران مند و به وسیله اینها از کسانی که نافرمانی من کنند انتقام می گیرم. رحمت را از دلهای آنها کنده ام. لذا به آنهایی که می گویند رحم نمی کنند، التماس ملتسمان را نادیده می گیرند،

پدران و مادران و فرزندان را می کشند، بلاد عجم را ویران می سازند و عراق را فتح می کنند لشکریان عراق سه دسته می شوند: یک دسته به دنبال شتران می روند (ممکن است کنایه از فرار آنها و رو به بیابان نهادن باشد)، دسته دوم خانواده های خود را رها می کنند و می روند، دسته سوم جنگ می کنند، می کشند و کشته می شوند. اینها شهدا هستند و ملائکه آسمان به آنها غبطه می خورند. هرگاه این برنامه ها را در دنیا دیدید آماده قیامت باشید. عرض کردند: یا رسول الله! اگر این زمان را درک کردیم به کجا منزل کنیم؟ فرمودند: بر شما باد که به غوطه در دمشق بروید که بهترین بلاد شام است. خوشا به حال آن کسی که در شام منزل بگیرد ولو به قدر جایگاه یک گوسفند باشد، زیرا خداوند بزرگ تکفل شام و مردم آن را خود قبول فرموده است.

از وصایای رسول اکرم ﷺ در کتاب «مکارم الاخلاق» به ابن مسعود است که در آن آینده دنیا را در آینه کلمات و سخنان حیاتبخش خود مجسم فرمودند و اکنون خلاصه فرمایشات آن سرور را با خوانندگان عزیز در میان می گذاریم. امید است برای همه ما آموزنده باشد.

یا ابن مسعود الاسلام بداء غریبا کما بداء فطویبی للغرباء فمن ادرك ذلک الزمان ممن ینظر من اعقابکم فلا یسلم علیهم فی نادیهم و لایشیع جائزهم و لایعد مرضا هم فانهم یستسنون بسنتکم و یظهرون بدعواکم و یخالفون افعالکم فیموتون علی غیر ملتکم اولئک لیسوا منی ولست منهم الی ان یقول یا ابن مسعود یاءتی علی الناس زمان الصابر فیه علی دینه مثل القابض بکفه الجمره فان کان فی ذلک الزمان ذنبا والا اکلته الذئاب. یا ابن مسعود علماؤهم و فقهاؤهم خونه فجره الا انهم اشرار خلق الله و کذلک اتباعهم و من یاءتیهم و یاءخذ منهم و یحبهم و یجالسهم و یشاورهم اشرار خلق الله یدخلهم نار جهنم صم بکم عمی

فهم لا يرجعون و نحشرهم يوم القيمة على وجوههم عميا و بكما وصما ماء ويهم
جهنم كلما خبت زدهم سعيرا كلما نضجت جلودهم بدلنا هم جلودا غيرها
ليذوقوا العذاب اذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا و هى تفور تكاد تميز من الغيظ كلما
ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا فيها و قيل لهم ذوقوا عذاب الحريق لهم
فيها زفير و هم فيها لا يسمعون. يا ابن مسعود يدعون انهم على دينى و سنتى و
منهاجى و شرايعى انهم منى براء و انا منهم برى. يا ابن مسعود لاتجالسوهم فى
الماء و لا تبايعوهم فى الاءسواق و لا تهدوهم الى الطريق و لا تسقوهم الماء
قال الله تعالى «من كان يريد الحيوة الدنيا و زينتها نوف اليهم اعمالهم فيها و هم
فيها لا يبخسون»^[6] يقول الله تبارك و تعالى «و من كان يريد حرث الدنيا نؤته
منها و ماله فى الاخره من نصيب.»^[7]...

يا ابن مسعود من تعلم العلم يريد به الدنيا و آثر عليه حب الدنيا و زينتها
استوجب سخط الله عليه و كان فى الدرك الاسفل من النار مع اليهود و النصارى

الذين نبذوا كتاب الله تعالى قال الله تعالى فلما جائهم ما عرفوا كفروا به فلعنه
الله على الكافرين. يا ابن مسعود من تعلم القرآن للدنيا و زينتها حرم الله عليه الجنة
يا ابن مسعود من تعلم العلم و لم يعمل بما فيه حشره الله يوم القيمة اعمى و من
تعلم العلم رياء و سمعه يريد به الدنيا نزع الله بركته و ضيق عليه معيشته و وكله
الله الى نفسه و من و كله الى نفسه فقد هلك قال الله «فمن كان يرجوا لقاء ربه
فليعمل عملا صالحا و لا يشرك بعباده ربه احدا.»^[8].

یا ابن مسعود فلیکن جلساوک الابرار و اخوانک الاتقیاء و الزهاد لانه تعالی
قال فی کتابه «الا خلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین».^[9]

یا ابن مسعود اعلم انهم یرون المعروف منکرا والمنکر معروفا ففی ذلک یطبع
الله علی قلوبهم فلا یكون فیهم الشاهد بالحق و لا القوامون بالقسط قال الله تعالی
«کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الو الدین»^[10].

یا ابن مسعود یتفاضلون بآء حسابهم و اموالهم یقول الله تعالی: «و ما لاحد
عنده من نعمه تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی ولسوف یرضی»^{[11]. [12]}.

ای پسر مسعود! اسلام در روز اول غریب به این دنیا آمد و بزودی به غربت
اول باز می گردد (اشاره به غربت دین مقدس اسلام در ابتدای کار و نیز غربت
مجدد در آخرالزمان). ای پسر مسعود! هر کسی از شما که این زمان را درک
کرد از اعقاب شما. پس به آنها سلام نکند، در تشییع جنازه آنها شرکت نجوید و
از بیماران عیادت نکند. زیرا اینان به ظاهر خود را در همان راهی جلوه می
دهند که شما می روید و تظاهر به ادعاهای شما می کنند، اما عملاً با شما
مخالف هستند. پس وقتی که مرگ اینها فرا رسد به دین و ملت شما از دنیا نمی
روند. آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم (سنخیتی با هم نداریم) تا اینکه
می فرماید: ای پسر مسعود! زمانی بر مردم بیاید که آن کس که بخواهد در
دینداری ثابت بماند و ایمانش را حفظ کند همچون کسی است که می خواهد
آتش را در کف دست خود قرار دهد. پس اگر در این زمان (چون) گرگ باشد
می تواند زندگی کند، والا گرگهای درنده او را می خورند.

ای پسر مسعود! علما و فقهای آنها خیانتکار و فاجرند. آگاه باشید که اینها بدترین مردم روی زمین هستند و نیز آنهایی که از آنها متابعت می کنند و با آنها رفت و آمد دارند و از آنها علم یاد می گیرند و یا آنان را دوست می دارند و با آنها مجالست و مشورت می کنند، جایگاهشان در جهنم است. اینان کور و کر و لال خواهند بود و در روز قیامت نیز نابینا و کر و لال محشور خواهند شد...^[13]

ای پسر مسعود! اینها مدعی دینداری و پیروی از من و ادامه دهنده راه من هستند. اما چنین نیست. اینها در حقیقت از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم. ای پسر مسعود! در مجالس با آنها ننشینید، در بازارها با آنها داد و ستد نکنید، آنها را به سوی راه رهنمون نشوید، به آنها آب ندهید، که خداوند متعال درباره آنها فرموده است: «هر کس طالب دنیا و زینت دنیا باشد، پاداش اعمالشان را در دنیا به طور کامل عطا می کنیم، و چیزی از آن در دنیا فروگذاری نمی شود». و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «هر کس خواهان کشت دنیا باشد از آن برایش می دهیم و در آخرت بهره ای برای او نیست». ای پسر مسعود! کسی که تحصیل علم کند اما برای دنیا و رسیدن به نعمتهای دنیوی، مستحق عذاب خداوند خواهد بود و با یهود و نصاری در پست ترین مقامات جهنم محشور خواهد شد. یهود و نصاری کتاب خداوند را پشت سر انداختند و با اینکه نسبت به اسلام و آورنده آن شناخت پیدا کردند، در عین حال، کفر ورزیدند و در نتیجه از رحمت خداوند محروم ماندند. آری، لعنت خدا بر کافران باد. ای پسر مسعود!

هر کس قرآن را برای دنیا و زینت های آن فرا گیرد، خداوند بهشت را به او حرام گرداند. ای پسر مسعود! هر کس علم را بیاموزد و به آنچه در آن است عمل نکند، خداوند او را روز قیامت نابینا محشور سازد. و کسی که به خاطر مردم (ریا) تحصیل علم کند و هدفش این باشد که دنیا را برای خود مرتب کند

برکت از زندگی اش برداشته می شود و به تنگی معیشت گرفتار می آید و خداوند او را به خودش وامی گذارد که سرانجامش البته هلاکت است. خداوند در قرآن می فرماید: «کسی که به لقای او (قرب جوار) امیدوار است باید نیکوکار باشد و در پرستش خدا هرگز احدی را با او شریک نگرداند».

ای پسر مسعود! سعی کن همنشینان تو از نیکان باشند و اگر برای خودت برادری انتخاب می کنی از زهاد برگزین (زاهد آن کسی است که گناه نکند و دنیا را بر آخرت مقدم ندارد و نسبت به دنیا بی رغبت باشد)؛ چرا که خداوند در کتابش فرموده است: «در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمن اند مگر پرهیزکاران».

ای پسر مسعود! بدان که این اشخاص معروف را منکر می بینند (واجبات الهی به نظر آنها حرام است) و محرمات را معروف (ارتکاب حرام در نظر آنها مانعی ندارد). پس در این حال، خداوند بر دلهای آنان مهر می زند. آنوقت در میان آنها کسی شهادت به حق نمی دهد و نیز قیام به عدل نمی کند با اینکه خداوند امر فرموده است «نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید ولو اینکه به ضرر خودتان و یا پدران و مادران و بستگان نزدیک شما باشد».

ای پسر مسعود! اینها افتخارشان را به مال می دانند با اینکه خداوند فرموده «برای هیچ کس در نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، مگر در پی خشنودی پروردگار برترش، و بزودی خشنود گردد».

پاورقی

[1] نوائب الدهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 131. طبق روایات زیادی مراد از «دابه الارض» حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است (ناشر).

[2] نوائب الدهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 146.

[3] نوائب الدهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 166.

[4] نوائب الدهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 170.

[5] نوائب الدهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 168.

[6] هود / 15.

[7] شوری / 20.

[8] كهف / 110.

[9] زخرف / 67.

[10] نساء / 135.

[11] لیل / 20.

[12] الزام الناصب، ج 2، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 150 - 152.

[13] آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمودند از سوره «تبارک». طالبان به شرح آیات مراجعه نمایند.

رسول اکرم ﷺ و روز خلاصی دنیا

از رسول گرامی خدا ﷺ نقل شده است که فرمود:

إذا كانت الصيحة في رمضان فانها تكون معمه في شوال و تمير القبائل و تتحارب في ذى القعدة و يسلب الحاج و تسفك الدماء في ذى الحجة و المحرم و ما المحرم؟ هيهات هيهات يقتل الناس هرجا هرجا ثم ينادى مناد من السماء الا ان فلانا ابن فلان هو المهدي قائم آل محمد فاسمعوا له و اطيعوا و ذلك الصوت صوت جبرائيل حين يدعوا للبيعة في صيحه يوم الخلاص.^[1]

زمانی که صیحه در ماه رمضان شنیده شد پس همهمه و آواز جنگ در شوال بلند می شود و قبایل طعام گردآوری و ذخیره می کنند و ذی القعدة با هم نبرد می کنند و در ماه ذی الحجة حجاج بیت الله الحرام قتل و غارت می شوند و خونها ریخته می شود. و محرم، چه محرمی؟ هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز! مردم، دسته دسته در این فتنه و آن فتنه کشته می شوند (در هرج و مرج)؛ آنگاه منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلانی، مهدی و قائم آل محمد ﷺ است، به فرمان او گوش فرا دهید و اطاعت کنید. آن صدا صدای جبرئیل است که در بامداد روز رهایی، مردم را به بیعت فرا می خواند.

از حضرت رسول ﷺ منقول است که می فرمایند:

لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم منا و ذلك حين ياءذن الله عزوجل له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك الله عبادالله فاءنوه ولو حبوا على الثلج فاءنه خليفه الله عزوجل و خليفتي.^[2]

روز رستاخیز برپا نمی شود تا اینکه قائم ما قیام کند و این قیام در وقتی است که خداوند فرمان ظهورش را امضاء فرماید. هر کس که آن روز از قائم ما متابعت کند نجات می یابد و کسی که سرپیچی نماید دچار هلاکت دو جهان خواهد شد. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم ما بشتابید اگرچه مجبور باشید روی برفها به نحو سینه خیز خود را بکشید، زیرا او جانشین خداوند و خلیفه من است (در روی زمین).

رسول اکرم ﷺ به فرزند عزیزش حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: ثم يظهر امير الامره و قاتل الكفره السلطان الماءمول الذي تتحير في غيبته العقول و هو التاسع من ولدك يا حسين يظهر بين الركنين يظهر على التقلين و لا يترك في الارض الا دين طوبى للمؤمنين الذين ادركوا زمانه و لحقوا اوانه و شهدوا ايامه و لا قوا اقوامه.^[3]

(ای حسین!) امیر همه امیران عالم، کشنده کافران و ستمگران جهان و شهریار منتظری که در غیبتش عقلها مات و حیران شده اند، نهمین فرزند از فرزندان شماست. ای حسین! او بین رکن و مقام ظاهر می شود و بنیان و اساس گمراهی و پستی را از ریشه می کند و چه سعادت مند افرادی که عصر پرشکوه حکومت او را درک و در دولت حقه اش زندگی می کنند و آن روزگار میمون و مبارک را می بینند و اصحاب باوفای آن سرور را ملاقات می کنند.

واقعاً خوشا به حال مردم آن زمان. از خداوند بخواهیم لیاقت درک آن زمان
را به همه ما عنایت بفرماید.

رسول اکرم ﷺ درباره نشانه های قیام

حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء می فرماید:

يستخرج الزبور من بحيره طبريه فيها مما ترك آل موسى و هارون تحمله
الملائكه و فيها الا لواح و عصا موسى ﷺ ... يستخرج الكنوز يفتح مدائن
الشرك. [4].

(حضرت مهدی ﷺ) زبور را از دریاچه طبریه (که گویا در شمال فلسطین است) بیرون می آورد که از خاندان موسی و هارون چیزهایی به عنوان ماترک این دو خاندان با آن هست و ملائکه آن را به دوش می گیرند (یا به هر وسیله ای آنها را می برند) و نیز الواحی که بر حضرت موسی نازل شده و عصای آن حضرت در این اشیاء هست... گنجها را از دل زمین بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند.

درباره لشکر سفیانی که به عزم نبرد با حضرت مهدی ﷺ به طرف مکه معظمه حرکت می کند از رسول اکرم ﷺ چنین نقل می کنند:

يبعث الله جبرائيل فيقون يا جبرائيل اذهب فاءبدهم فيضربها برجله ضربه
يخسف الله بهم عندها و لايفلت منهم الا رجلا من جهينه. [5].

خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو نابودشان کن. پس، با پای خود به زمین می کوبد و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جهینه کسی از آنها زنده نمی ماند. مفضل بن عمر از امام صادق ﷺ در ضمن حدیث طویلی چنین نقل می کند:

ثم يقبل على القائم رجل وجهه الى قفاه الى صدره و يقف بين يديه و يقول يا سيدى انا بشير امرنى ملك من الملائكة ان الحق بك فابشرک بهلاك جيش السفیانی بالبيداء فيقول القائم بين قصتك و قصه اخيك فيقول الرجل كنت و اخى فى جيش السفیانی و خربنا الدنيا من دمشق الى الزوراء و تركناها جماء و خربنا الكوفه و خربنا المدينه و كسرنا المنبر فى حضره الرسول و رانت بغالنا فى مسجده و خرجنا منها و عددنا ثلاثمائه الف رجل نريد اخراب البيت و قتل اهله فلما صرنا فى البيداء عرسنا فيها فصاح بنا صائح يا بيداء ايدي القوم الظالمين فانفجرت الارض و ابتلعت كل الجيش فوالله ما بقى على وجه الارض عقل ناقه فما سواه غيرى و غير اخى فاذا نحن بملك قد ضرب وجوهنا فصارت الى ورائنا كما ترى فقال لآخى و يلك يا نذير امض الى الملعون السفیانی بدمشق فانذره بظهور المهدي من آل محمد و عرفه ان الله قد اهلك جيشه بالبيداء و قال لى يا بشير الحق بالمهدي بمكه و بشره بهلاك الظالمين و تب على يده فانه يقبل تو بتك فيمر القائم يده على وجهه فيرده سويا كما كان و يبایعه و يكون معه.^[6]

آنگاه در اين موقع که حضرت قائم ارواحنا له الفداء در مسجدالحرام و در کنار كعبه تشریف فرما هستند، مردی که صورتش به عقب برگشته است وارد می شود و در حضور حضرتش می ایستد و عرض می کند: من بشیر هستم و یکی از ملائکه به من امر فرموده است که خدمت شما شرفیاب شوم و به هلاکت لشکریان سفیانی شما را بشارت بدهم. آری، همه آنها در سرزمین بیداء در زمین فرو رفتند. امام قائم عليه السلام فرمودند: جریان خودت و برادرت را بیان کن. عرض کرد: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) ویران کردیم و نیز شهر کوفه را. آنگاه به مدینه آمدیم و این شهر را نیز در هم کوبیدیم و منبر مسجد نبوی را خرد کردیم و مرکبهای سواری خود را در روضه

نبوی بستیم و مرکبهای سواری ما آنجا را آلوده کردند. سپس از مدینه با سپاهی مجهز که بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بود به قصد خراب کردن خانه خدا یعنی کعبه حرکت کردیم و نیز کشتار مردم مکه در برنامه کار ما بود. چون به سرزمین بیداء رسیدیم لختی در آنجا توقف کردیم. ناگاه صدایی بلند شد که گفت: «ای سرزمین بیداء! ستمگران را در کام خویش فرو بر و آنها را هلاک کن.» در این حال، زمین شکافته شد و تمام جمعیت را در کام خویش فرو برد. به خدا سوگند جز من و برادرم کس دیگری نماند. نه تنها همه افراد بشر نابود شدند بلکه افسار مرکبی هم نماند. در این موقع فرشته ای نمایان شد و به صورت من و برادرم آنچنان کوبید که صورت ما این گونه که ملاحظه می فرمایید به عقب برگشت و به برادرم دستور داد و فرمود: ای نذیر! برو و خبر هلاکت و نیز ظهور مهدی آل محمد صلوات الله علیهم را به سفیانی که در دمشق است، برسان و به او بگو خداوند در سرزمین بیداء تمام سپاهیان را نابود کرد و آنان در دل زمین فرو رفتند. و نیز به من فرمود: ای بشیر! برو به مکه معظمه و خودت را به حضور مهدی عجل الله فرجه برسان و عرض کن بشارت باد شما را که خداوند لشکر سفیانی را از بین برد (در سرزمین بیداء به زمین فرو رفتند) و در خدمت آن حضرت توبه کن که او توبه ات را می پذیرد. آنگاه حضرت قائم عجل الله فرجه دست مبارکش را به صورت او می کشد و به حالت اول برمی گردد. وی با آن حضرت بیعت می کند و همراه ایشان خواهد بود.

پاورقی

[1] روزگار رهایی، صلی الله علیه و آله و سلم، 450.

[2] همان مأخذ، صلی الله علیه و آله و سلم، 451.

[3] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 452.

[4] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 453 و 454.

[5] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 467.

[6] بحار، ج 53، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 10.

رسول اکرم ﷺ و گنجهای طالقان

رسول گرامی اسلام ﷺ در تعریف از یاران مخصوص حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء در منطقه طالقان چنین می فرمایند:

و له بالطالقان كنوز لاذهب و لافضه الا خيول مطهمه و رجال مسومه يجتمع الله عزوجل له من اقاصى البلاد على عدد اهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا. [1]. برای او (مهدی من) در طالقان گنجهایی است که از طلا و نقره نیست بلکه عبارت است از اسبهای زیبا و تکاوران و مردانی باتجربه و کاردان که خداوند از این نوع مردان سیصد و سیزده تن به تعداد اهل بدر از اطراف و اکناف جهان به دور او جمع می کند. وجود مقدس رسول اکرم ﷺ در این روایت به برنامه های حضرت عیسیٰ علیہ السلام در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء اشاره فرموده اند:

يكون عيسى بن مريم في امتي حكما مقسطا يرفع الشحناء و التباعض و يفيض المال حتى لا يقبله احد و تنزع حمه كل دابه و تكون الارض كفاتور الفضة. [2].

1 - حکم می کند بین مردم بر اساس عدل و داد.

2 - کینه و عداوت را از میان جامعه برمی دارد.

3 - چندان بذل مال و ثروت می کند که دیگر کسی به سراغ مال نمی آید
(همه بی نیاز می شوند).

4 - دشمنی و ستیزه جویی از تمام موجودات گرفته می شود.

5 - امنیت و آسایش بقدری زیاد می شود که صفحه گیتی مانند یک صفحه
ساخته شده از نقره نرم می شود.

رسول اکرم ﷺ درباره قیام فرزندش و کیفیت آن چنین می فرمایند:

یخرج المهدي و علي رءسه غمامه فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفه الله
فاتبعوه. [3]

مهدی ﷺ ظاهر می شود در حالی که قطعه ابری بر سر آن حضرت قرار
گرفته است. در آن حال، منادی فریاد می زند: ای جهانیان! این است مهدی آل
محمد و جانشین خداوند در روی زمین. از او متابعت کنید.

جابر بن عبدالله انصاری از حضرت خاتم الانبیاء ﷺ در ارتباط با حوادث
و مصائب آخرالزمان و قبل از ظهور چنین بیان می کند: رسول گرامی اسلام
فرمود: ﷺ

منا مهدی هذه الامه اذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغاز بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيرا ولا صغير يوقر كبيرا فيبعث الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين يفتح حصون الضلاله و قلوبا غفلا يقوم في الدين في آخر الزمان كما قمت به في اول الزمان و يملاء الارض عدلا كما ملئت جورا. [4].

مهدی این امت از ما خاندان رسالت است (گویی حضرت رسول ﷺ به وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنا له الفداء که از فرزندان آن حضرت است افتخار می کند). وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راهها گرفته شد و بعضی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان قوم به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهنسالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند پسر امام حسین علیه السلام است مأمور می کند دژهای گمراهی را درهم بکوبد و قلبهای غافل (وامانده از خیر و آکنده از شر) را تسخیر کند و دین مقدس اسلام را در آخرالزمان برپا دارد، چنانکه من در اول زمان آن را برپا داشتم. بعلاوه، فرزندم مهدی جهان را پر از عدل و داد می کند آنگاه که پر از جور شده باشد.

در حدیث لوح حضرت زهراى مرضیه علیها السلام پس از بیان ویژگیهای ائمه معصومین علیهم السلام نوبت به حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء می رسد. خداوند می فرماید:

ثم اكمل ذلك بالبنه رحمه للعالمين عليه كمال موسى و بهاء عيسى و صبر
ايوب سيدل اوليائى فى زمانه و تنهادى رؤ و سهم كما تنهادى رؤ و س الترك
والديلم فيقتلون و يحرقون و يكونون خائفين مرعو بين و جلين تصبغ الارض
بدمائهم و يفسو الويل و الرنه فى نسائهم هو لاء اوليائى حقا بهم ادفع كل بليه و
فتنه عمياء و بهم اكشف الزلازل و ادفع الاصار و الاغلال اولئك عليهم صلوات
من ربهم و رحمه و اولئك هم المتهدون.^[5]

بعد از امام حسن عسکری عليه السلام دین خود را به وسیله فرزندش که رحمت
واسعه برای جهانیان است کامل می گردانم. خصوصیات او به این شرح است:

کمالات حضرت موسی بن عمران در اوست، بهای حضرت عیسی دارد و
صبر و بردباری حضرت ایوب در وجود مقدسش جمع شده است.^[6] (دیگر از
نشانه های غیبت حضرتش این است:) اولیاء و بندگان صالح من به خاطر فشار
ستمگران در زمان غیبت او در ذلت بسر می برند و سرهای بریده آنها را به
عنوان تحفه برای یکدیگر می فرستند، چنانچه سرهای ترک و دیلم را پیشکش
یکدیگر می کردند. بندگان و اولیای مرا می کشند و می سوزانند و مرعوب
دشمنان باشند و زمین از خون آنها رنگین شود و ناله و شیون زنهای آنها بلند
باشد (در مصیبت عزیزانشان). اینها در حقیقت دوستان منند و به وسیله آنها
انواع بلاها و فتنه های کور و تاریک را از مردم دفع می کنم و زلزله ها را به
برکت وجود آنها بر می دارم. بر اینها باد درودها و رحمت پروردگارشان و آنها
هستند هدایت یافتگان.

[1] روزگار رهایی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 429.

[2] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 554.

[3] الامام المهدي (عج) من المهد الى الظهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 365.

[4] بحار الانوار، ج 52 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 266.

[5] اختصاص مفيد، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 207.

[6] با این تفاوت که جناب ایوب تقریباً هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد، اما حضرت مهدی ارواحنا له الفداء بیش از یکهزار و صد و چهل و چند سال در مقابل همه مصائب و سختیها و هجوم دشمنان و تبلیغات مسموم منافقان و معاندان صبر کرده اند تا زمانی که خداوند فرمان ظهورشان را امضاء فرماید.

در جواب صعصعه بن صوحان

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب صعصعه بن صوحان که از یاران آن حضرت بود در باب دجال و خروجش، به نشانه هایی از ظهور آقا حضرت بقیه الله فی الارضین ارواحنا له الفداء بیاناتی فرمودند که اجمالاً به عرض خوانندگان عزیز می رسد. ابتدا امام علیه السلام اشاره فرمودند که همه علوم از آن خداوند بزرگ است (والله ما المسؤل عنه با علم من السائل)، والا یکی از مسلمات مذهب شیعه این است که دانش امام معصوم و برگزیده از طرف خداوند عالم، نامحدود است؛ یعنی از گذشته و آینده و حال اطلاع دارد، آن هم با قرینه «سلونی قبل ان تفقدونی» (پرسید از من پیش از آنکه دیگر مرا نیابید)، والا لازمه اش یا تناقض یا تهافت در کلام امام است. از یک سو می فرماید هرچه می خواهید تا من میان شما هستم از من پرسید و از سوی دیگر می فرماید در ندانستن، من هم مثل شما هستم. ممکن است نظر آقا امیرالمؤمنین این باشد که مردم در پیشگاه خداوند همه مساوی هستند. بنابراین علم ما هم از جانب خداوند است که اگر نمی داد من هم مثل شما بودم. اجمالاً به اصل مطلب توجه فرمایید.

عن النزال بن سبره: قال خطبنا علی بن ابیطالب علیه السلام: فحمدالله و اثنی علیه ثم قال سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی - ثلاثاً - فقام الیه صعصعه بن

صوحان فقال: يا امير المؤمنين متى يخرج الدجال؟ فقال له عليه السلام: اقعده فقد سمع الله كلامك و علم ما اردت و الله ما المسؤل عنه باعلم من السائل ولكن لذلك علامات و هيئات يتبع بعضها بعضا كحذو النعل بالنعل و ان شئت انباتك بها قال: نعم يا امير المؤمنين فقال عليه السلام: احفظ فان علامه ذلك اذا اءمات الناس الصلاه، و اضاعوا الامانه، و استحلوا الكذب، و اكلوا الربا، و اخذوا الرشاش، و شيدوا البنيان، و باعوا الدين بالدنيا، و استعملوا السفهاء، و شاووروا النساء، و قطعوا الارحام، و اتبعوا الاهواء و استخفوا بالدماء، و كان الحلم ضعفا و الظلم فخرا، و كانت الامراء فجره، و الوزراء ظلمه، و العرفاء خونه، و القراء فسقه، و ظهرت شهادات الزور، و استعلن الفجور، و قول البهتان، و الاثم و الطغيان، و حليت المصاحف، و زخرفت المساجد، و طولت المنار، و اءكرم الاشرار، و ازدحمت الصفوف، و اختلفت الاهواء، و نقضت العهود و اقترب الموعد، و شارك النساء ازواجهن فى التجاره حرصا على الدنيا، و علت اصوات الفساق و استمع منهم، و كان زعيم القوم اردلهم، و اتقى الفاجر مخافه شره، و صدق الكاذب، و اوتمن الخائن، و اتخذت القيان و المعارف، و لعن آخر هذه الامه اولها، و ركب ذوات الفروج السروج، و تشبه النساء بالرجال و الرجال بالنساء، و شهد شاهد من غير ان يستشهد و شهد الاخر، قضاء لذمام بغير حق عرفه و تفقه لغير الدين و آثروا عمل الدنيا على الاخره و لبسوا جلود الضان على قلوب الذئاب و قلوبهم انتن من الجيف.^[1]

نزال بن سبره نقل مى كند كه (حضرت امير المؤمنين) على بن ابى طالب عليه السلام خطبه مى خواندند. پس از حمد و ثناى الهى سه بار فرمودند: «سلونى قبل ان تفقدونى». پس، صعصعه بن صوحان برخاست و عرض كرد: يا امير المؤمنين!

دجال کی خروج می کند؟ فرمودند: خداوند سخت را شنید و از آنچه اراده کرده ای آگاه است. و قسم به خدا که سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست (مگر آنچه را که خداوند تفضل فرموده است). برای خروج دجال علائم و نشانه هایی است که یکی از بعد دیگری واقع می شود، البته پی در پی و مطابق النعل بالنعل و اگر بخواهی برای تو بیان می کنم. صعصعه عرض کرد: بفرمایید، یا امیرالمؤمنین!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مطالبی که می گویم به خاطر بسپار و بدان که علائم خروج دجال به شرح زیر است:

1 - مردم نماز را ترک می کنند و در میان مردم می میرد (کنایه از اعراض مردم و بی تفاوت بودن در مقابل این دستور حیاتی است).

2 - امانتها را ضایع می کنند (دیدیم که چطور قرآن و خاندان رسالت را که امانت بزرگ الهی بودند به دست فراموشی سپردند و جامعه اسلامی را به تباهی کشاندند).

3- 0 دروغ گفتن را حلال می شمارند (تحت عنوان سیاست اجتماعی و غیره).

4 - ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه می شود.

- 5 - رشوه خواری در میان مردم رواج پیدا می کند.
- 6 - ساختمانها را محکم می سازند (از بتون و آهن و سنگ ساخته می شود).
- 7 - دین را به دنیا می فروشند (یعنی برای دست یافتن به دنیا و نعمتهای زودگذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باک ندارند).
- 8 - نابخردان و مردم کم عقل را بر کارها می گمارند.
- 9 - زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار می دهند.
- 10 - قطع صلہ ارحام می کنند و از خویشاوندان فاصله می گیرند (مخصوصا خانواده های فقیر و بی بضاعت).
- 11 - در کارهای زندگی از هوی و هوس پیروی می کنند (با منطق «دلم می خواهد» خود را قانع می کنند).
- 12 - در کشتار و خونریزی بی باک هستند (که امروزه شاهد آن هستیم).
- 13 - بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی می گذارند.

14 - ظلم و بیدادگری را مایه مباهات و فخر قرار می دهند.

15 - زمامداران در آن زمان از فاسقان و فاجران (گناهکاران) اند (و مردم با وجود دیدن فسق آنها ساکت هستند بلکه یاریشان می کنند).

16 - وزیران دولتها ستمگران جامعه هستند (که با تکیه به مقام وزارت از هر ظلمی باک نخواهند داشت).

17 - عارفان و مدعیان مقام تهذیب نفس و تقوا خیانت کارانند (به عقاید و افکار مردم خیانت می کنند).

18 - قاریان قرآن از افراد فاسق اند.

19 - شهادت دادن بر اساس زور به وجود می آید (یعنی از قدرتهای فردی و اجتماعی سوء استفاده می شود و مردم را وادار می کنند که به نفع آنها شهادت های دروغین بدهند).

20 - گناهان علنی شده، حیا و شرم از میان برداشته می شود (مانند تشکیل مجالس علنی از زن و مرد و پهن کردن بساط میگساری و اعمال زشت جنسی، رقصهای دسته جمعی از زن و مرد و برپا داشتن مجالس قمار و...).

21 - بهتان و برخلاف واقع گویی نسبت به مردم رایج می شود.

22 - سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی می شود.

23 - قرآنها را با چاپهای زرین و جلدهای زرکوب در اختیار مردم قرار می دهند (در صورتی که از عمل کردن به احکام و قوانین قرآن در میان آن مردم خبری نیست بلکه درست بر خلاف آنچه می فرماید عمل می کنند).

24 - مساجد را از لحاظ ساختمان مزین می سازند (در صورتی که از محتوای آن یعنی تقوا خبری نیست).

25 - مناره های مساجد را بسیار مرتفع می سازند (که از راه دور توجه بینندگان را جلب می کند) اما از دورن یعنی تقوا خالی است.

26 - اشرار و مردم دور از خدا و معنویت در جامعه محترم هستند.

27 - مردم در راه باطل و تقویت و پشتیبانی از اشرار صفوف فشرده خواهند داشت.

28 - در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته یک راه برای خودش انتخاب می کند.

29 - پیمان شکنی رایج می شود و وعده الهی نزدیک می گردد.

30 - زنان با مردانشان به جهت حرص به دنیا در کار تجارت شرکت می کنند.

31 - صدای فساق برخیزد و به آنها گوش فرا داده شود (مورد توجه و مقبول دیگران باشند).

32 - زعیم و حاکم بر آن مردم رذل ترین افراد جامعه است (فاقد تمام صفتهای خوب).

33 - مردم از بدکاران و فاسقان می ترسند (از شر آنها در امان نیستند).

34 - دروغگویان از طرف مردم به عنوان راستگو تأیید می شوند (مانند دروغهای سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تأیید مردم قرار می گیرد).

35 - خیانتکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی می شوند (نظیر انتخاباتی که در سرتاسر جهان صورت می گیرد، مانند انتخاب ریئس جمهورها، نخست وزیرها، یا نمایندگان مجلس که به عنوان امین اجتماع انتخاب می شوند، در صورتی که از اول اکثراً کار این دسته خیانت به امانتهای مردم بوده است).

36 - هنر پیشه های آوازه خوان تربیت می شوند.

37 - مردم گذشتگان را لعنت می کنند.

38 - زنها سوار بر زینها می شوند (اسب سواری، رانندگی و امثال اینها).

39 - مردان از نظر لباس و قیافه شباهت به زنها پیدا می کنند و نیز زنان شبیه به مردها می شوند (بطوریکه انسان گاه دچار تردید می شود که این زن است یا مرد - بکرات اتفاق افتاده است -).

40 - بی آنکه از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد معرفی می کنند.

41 - احکام و علوم دین را برای دنیا می آموزند و اعمال دنیوی را بر کارهای مربوط به آخرت ترجیح می دهند. بر دلهای گریگ صفتشان جامه میش می پوشند، قلبهای آنها آکنده از کثافت است بطوریکه از هر مرداری گندیده تر است. عمر بن الخطاب از حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه سؤال می کند:
اخبرنی عن المهدی ما اسمه فقال اما اسمه فان حبیبی عهد الی ان لا احدث باسمه حتی یبعثه الله. قال اخبرنی عن صفته فقال هو شاب مربع حسن الوجه حسن الشعر یسبل شعره علی منکیبه و نور وجهه یعلو سواد لحیته و راءسه، بایب ابن خیره الاماء. [2].

نام حضرت مهدی چیست؟ امام فرمودند: اما اسمش را نمی گویم، زیرا حبیبم رسول خدا از من عهد گرفته است که تا ظهورش نامش را نگویم. عرض کرد: اوصافش را برای من بیان کن. آقا فرمودند: او جوانی است متوسط قامه، خوشرو و خوش موی که موهایش بر شانه اش ریخته است و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سر مبارک آن حضرت احاطه نموده است. پدرم به قربان فرزند با شخصیت ترین کنیزان باد. [3]

اصبغ بن نباته می گوید: از حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند: ان بين يدي القائم سنين خداعه يكذب فيها الصادق و يصدق فيها الكاذب و يقرب فيها الماحل و ينطق فيها الروبيضة قلت

و ما الروبيضة و ما الماحل؟ قال: او ما تقرؤون القرآن قوله «و هو شديد المحال» قال: يريد المكر فقلت و ما الماحل؟ قال: يريد المكار. [4]

قبل از قیام قائم سالهای پر از خدعه ای است. در این سالها (پیش از قیام) راستگویان به نام دروغگو معرفی می شوند و دروغگویان به عنوان راستگو. در این سالها «ماحل» تقرب پیدا می کند و «روبیضه» سخن می گوید. اصبغ می گوید: عرض کردم «ماحل» و «روبیضه» چیست؟ فرمودند: مگر قرآن را نخوانده ای که می فرماید: «و هو شديد المحال»؟ قال يريد المكر فرمودند: منظور از «ماحل» آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می کند و اما معنی «روبیضه». اگر چه در این حدیث پاسخ معنای آن افتاده ولی در جای دیگر از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که «الروبيضة الرجل

التنافه ينطق في امر العامه» یعنی مرد حقیر و بی شخصیتی که در امر عامه مردم دخالت می کند و سخن می گوید.

عبید بن کرب می گوید:

سمعت عليا يقول ان لنا اهل البيت رايه من تقدمها مرق تاء اخر عنها محق و من تبعها لحق. [5].

از امام امیرالمؤمنین عليه السلام شنیدم که فرمودند: از برای ما اهل بیت پرچمی هست. هر کسی که جلو بیفتد و یا عقب بماند نابود است، اما هر کسی که همراه این پرچم گام بردارد و از آن متابعت کند، نجات می یابد و با ما خواهد بود.

خواننده عزیز!

جلو افتادن یا عقب ماندن از این پرچم معنایش این است که ایمان به ولایت ما نداشته باشد و معنی متابعت این است که دستورها و اوامر ما را اطاعت کند درباره ندای آسمانی در روزهای اول ظهور در این حدیث از حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

اذا نادی مناد من السماء ان الحق في آل محمد صلى الله عليه وآله فعند ذلك يظهر المهدي على افواه الناس و يسرون فلا يكون لهم ذكر غيره. [6].

هرگاه منادی از آسمان فریاد زند که حق با آل محمد صلى الله عليه وآله است در این موقع مهدی ما ظاهر می شود و مردم او را می بینند و می شناسند و خوشحال و مسرورند و دیگر نام غیر از حضرت بقیه الله را نمی برند.

ابی مروان از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حوادث پیش از قیام حضرت مهدی روحی له الفداء روایت می کند که فرمودند: اذا راء ایتم الریات السود فالزموا الارض و لا تحركوا ایدیكم و لا ارجلكم ثم يظهر قوم صغار لایوبه لهم قلوبهم کزیر الحدید اصحاب الدوله لایفون بعهد و لا میثاق یدعوا الی الحق ولیسوا من اهله اسمائهم الکنی و نسبهم الغری شعورهم مرقاه ک شعور النساء حتی یختلفوا فیما بینهم ثم یؤتی الله الحق من یشاء. [7].

1 - پرچمهایی پیدا می شوند و رنگ آنها سیاه است. در این موقع در خانه های خود بنشینید و هیچ حرکت نکنید.

2 - سپس مردمی کوچک (یا از نظر سن یعنی جوان یا از لحاظ شخصیت تهیدست) پدید می آیند که به آنها اعتنا نمی شود. آنان دارای قلبهایی همچون پاره های آهن اند. این افراد دولت مردانی هستند با چنین ویژگیهایی:

الف: به عهد و میثاق خود وفا نمی کنند (پای بند وفای به عهد نیستند).

ب: مردم را به سوی حق می خوانند اما خود از حق پیروی نمی کنند و از لحاظ واقع اهل حق نیستند.

آنها به جای اسم از کنیه خود استفاده می کنند و نسبشان پوشیده و نامعلوم و موهای آنها دراز و افتاده مانند موی زنان است. سپس در میانشان ایجاد اختلاف می شود. آنوقت خداوند به هر کسی که بخواهد حق را واگذار می کند.

خواننده عزیز!

در آیات زیادی از قرآن مجید خداوند وعده فرموده است که باید به وسیله قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء حق را به آل محمد برساند و حکومت حقه آنان سراسر جهان را فرا بگیرد.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ای معروف به «خطبه البیان» آنگاه که خود را معرفی می فرماید، می رسد به این قسمت که «اءنا اءبو الاءئمه اءلاطهار اءنا ابوالمهدی علیه السلام القائم فی آخرالزمان» یعنی: منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی علیه السلام که در آخرالزمان قیام می کند.

در این حال مالک اشتر که پایین منبر مولا بود به پا خاسته، از حضرت می پرسد که این قیام کننده از فرزندان شما کی قیام می فرماید؟ حضرت چنین فرمود: [8].

اذا زهق الزاهق «1» و خفت الحقایق «2» و لحق اللاحق «3» و ثقلت الظهور «4» و تقاربت الامور «5» و حجب النشور «6» و اءرغم المالك «7» و سلک السالك «8» و دهش العدد «9» و هاجت الوسوس «10» و غیطل العساعس (الفسارس) «11» و ماجت الامواج «12» و ضعف الحاج «13» و اشتد الغرام «14» و ازدلف الحضام «15» و اختلفت العرب «16» و اشتد الطلب «17» و نکص الهرب «18» و طلبت الديون

«19» و ذرفت العيون «20» و اءغبن المغبون «21» و شاط النشاط «22» و حاط الهباط «23» و عجز المطاع «24» و اءظلم الشعاع «25» و صمت الاسماع «26» و ذهب العفاف «27» و سجسج الانصاف «28» و استحوذ

الشیطان «29» و عظم العصیان «30» و حکمت النسوان «31» و فدحت الحوادث «32» و نفثت النوافث «33» و اختلفت الالهواء «34» و عظمت البلوی «35» و اشتدت الشکوی «36» و استمرت الدعوی «37» و قرض القارض «38» و لمض اللامض «39» و تلاحم الشداد «40» و نقل الملحاد «41» و عجت الفلاه «42» و خجعج الولاه «43» و نضل البارخ «44» و عمل الناسخ «45» و زلزلت الارض «46» و عطل الفرض «47» و کبتت الامانه «48» و بدت الخيانه «49» و خشيت الصيانه «50» و اشتد الغيظ «51» و اءراع الفيض «52» و قاموا الادعياء «53» و قعدوا الاولياء «54» و خبثت الاغنياء «55» و نالوا الاشقياء «56» و مالت الجبال «57» و اءشکل الاشکال «58» و شيع الکربال «59» و منع الکرمال «60»

... فيکدحون الجرائر - و يملکون الجزائر - و يحدثون کيسان - و يخربون خراسان - و يصرفون الحلسان - و يهدمون الحصون - و يظهرن المصون - و يقتطفون الغصون - و يفتحون العراق - و يحجمون الشقاق بدم يراق - فعند ذلک ترقبوا خروج صاحب الزمان عليه السلام . [9]

1 - هنگامی که نابود شوند نابود شود.

2 - و حقایق مخفی شود (حقایقی که سیاستمداران و زمامداران آن را با زبان دیپلماسی و غیره کتمان می کنند)، یا حقایق سبک شمرده شود (در صورتی که جمله مزبور از «خف» باشد نه از «خفی»).

3 - و ملحق شونده ملحق شود (وقتی که حکومت به سمتی رفت مردمان نیز به آن ملحق شوند، چون «الناس علی دین ملوکهم»).

4 - و پشتها سنگین شود (از مشکلات، از گناهان و...)

5 - و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند (مکانها نزدیک به هم شوند و دنیا یک خانواده شود یا اینکه همه جا مثل هم است و نیرنگ و دروغ همگانی است).

6 - و از انتشار جلوگیری به عمل آید (از انتشار حق جلوگیری شود، یا از انتشار در زمین منع گردد و محدوده های قانونی و مرزها مطرح شود).

7 - و دماغ مالک به خاک مالیده شود (دنگ و فنگهایی که برای مالک مثل گرفتن زمین و مالیات و... مطرح می شود).

8 - و بیماید پیمایند.

9 - و به شگفتی وادارد عدد از کثرت و زیادتی (یا مبهوت و شگفت زده شود عدد).

10 - و وسوسه ها به هیجان در آید (مثل شکوک اعتقادی و غیره مثل اینکه این کار چون به مصلحت من است، پس چرا انجام ندهم؟).

11 - و گرگها به صدا (زوزه) در آیند (مراد، مردمان گرگ صفت است).

12 - و امواج به خروش در آیند (شاید اشاره به امواج گناه و مادی گرایی باشد که به خروش آمده و هر گروهی را به سمتی کشانده و افراد زیادی را روانه دیار نیستی و هلاکت می کند. لذا باید در این میان سوار کشتی حق شد که سبب نجات انسان است و در اخبار آمده که پیامبر ﷺ فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند نابود شده است).

13 - و حج گزارنده ضعیف شود (رفتن به حج ممنوع شود یا مشکلات زیادی سر راهش قرار گیرد و یا نفقه و مخارج حج بالا رود که حاجی در مقابلش ناتوان گردد).

14 - و مطالبه شدید شود (یا اشاره به مالیات دولتی است که به زور ستانده شود، یا به خاطر ضعف افراد، افراد بدهکار نتوانند بدهی خود را بدهند و در شدت و تنگنا واقع شوند یا به معنای هلاکتها و عذابها است که عذابه‌ای شدید بر سر مردمان بیاید).

15 - و نزاع و خصومت و جدال پیشرفت کند (فراگیر باشد و به هر جایی برسد یا دعواها و درگیریها پشت سرهم واقع شوند).

- 16 - و عربها با هم اختلاف کنند.
- 17 - و خواهشها و خواسته ها شدید شود (هر کس پا را فرا گذارد و درخواست بالاتر و سخت تری بکند).
- 18 - و درخواست فرار شود (هر کس می کوشد به جایی فرار کند و خود را برهاند).
- 19 - و وامها درخواست شود (اکثر مردم مدیون باشند، لذا مورد مطالبه واقع شوند).
- 20 - و اشکها روان شود (گرفتاریها زیاد شود و مادر نمی داند که فرزندش زنده است یا نه و یا فرزندان و خانواده اش را در پیش چشمش می کشند و...).
- 21 - و فریفته شود فریفته شده (نیرنگها زیاد شود).
- 22 - تحرکها و فعالیتها زیاد شود (برای به دست آوردن مختصر چیزی بایستی سخت کار کند و به اصطلاح جان بکند).
- 23 - افراد بر حق محاصره و پایین نگهداشته شوند (خاموششان نگه دارند).

24 - و زمامدار مطاع ناتوان شود (چه رسد به زمامدار غیر مطاع با توجه به شدت مشکلات).

25 - و تاریک شود شعاع (آفتاب) (شعاع حق تاریک شود و کسی به آن توجه نکند).

26 - و گوشها کر شود (صدای حق را نشنوند).

27 - و پاکدامنی رخت بر بندد.

28 - و انصاف از بین برود.

29 - و شیطان چیره گردد.

30 - و نافرمانی بزرگ شود (مردم گناهان بزرگ انجام دهند).

31 - و زنان زمامداری کنند و حکم برانند.

32 - و رویدادها بزرگ به وقوع پیوندد (قحطیها، زلزله ها و نابودی انسانها بر اثر سلاحهای مخرب و نابود کننده مثل سلاحهای اتمی و شیمیایی).

33 - و دمنده ها بدمند (با سمپاشیها افکار را مسموم کنند).

- 34 - و خواهشها مختلف و گوناگون شود (هر کس سازی می زند و به سازی می رقصد).
- 35 - و بلاها و سختیها بزرگ شود.
- 36 - و شکوائیه ها و گلایه ها سخت شود.
- 37 - و دعوا پیوسته باشد.
- 38 - و متجاوز تجاوز کند.
- 39 - و به خشم آینده به خشم آید (در نتیجه، مردم شورش کنند).
- 40 - و سخت گیرندگان خونریزی و جنگ کنند.
- 41 - و ملحد و طعنه زندگان در دین سخن گویند.
- 42 - و بیابان به زوزه و فریاد در آید (یا بیابانها خشک شوند و طراوت خود را بر اثر جنگ و خونریزی از دست بدهند).
- 43 - و فریاد برآوردند زمامداران.

44 - و به هدف زنده چیره شد.

45 - و عمل کرد زایل کننده.

46 - و زمین لرزید.

47 - و واجب الهی تعطیل شد.

48 - و امانت گرفته شد و پرداخت نشد.

49 - و خیانت آشکار شد.

50 - و از محافظت و مراقبت ترسیده شد (افرادی که خود را از گناه باز می دارند و خود را در برابر گناه و امور مشتبه کنار می کشند کارشان مورد قبول نباشد).

51 - کمبود شدت گیرد (کمبود باران و نعمتها).

52 - و فزونی و بسیاری به هراس اندازد (بسیاری قحطی و گرسنگی).

53 - و حرام زادگان به پا خاستند.

54 - و نیکان و اولیاء نشستند و ایستادند (دست کشیدند یا اینکه نتوانستند کاری انجام دهند).

55 - و ثروتمندان پلید شوند.

56 - و شقاوت مندان به آرزوهای خود دست یافتند.

57 - و کوهها انحراف پیدا کردند (یا اشاره به علما است که همانند کوه اند و دچار انحراف می شوند و یا اینکه عبارت «مالت الاجیال» است و جمع «جیل» یا «یاء» یعنی گروهها و طوایف و دسته ها منحرف شدند).

58 - و امور شبیه به هم، هم شکل شوند (و تشخیصشان مشکل شود).

59 - و سوزانده و نابود شوند غربال (ملاک تشخیص حق از باطل از بین برود).

60 - و از کمال منع شود (کسی که می خواهد به کمال برسد برایش مانع تراشی می شود).

... پس، در زمانی که این علائم واقع شد مردمانی خروج می کنند که گناه و جنایاتی را مرتکب می شوند (و اگر عبارت «الحرائر» با «حاء» مهمله باشد

یعنی تجاوز به زنان و دوشیزگان می کنند) و مالک می شوند «جزائر» را (جزیره ها را) و نیرنگها به کار می برند و خراسان را خراب می کنند و دگرگون می سازند حلسان را (یا اسم جایی است یا جمع «حلس» به معنای اینکه باز می گردانند خانه نشینان را از خانه نشینی) و دژها و مواضع دفاعی مستحکم را ویران می کنند و آشکار می سازند آنچه را که مصون و محفوظ مانده بود و می چینند (و قطع می کنند) شاخه ها را و فتح می کنند عراق را و باز می دارند از شکاف و دو دستگی با (ایجاد ترس و) خونریزی (یعنی هر صدای مخالف را به سرعت در نطفه خفه می کنند یا مراد این است که می مکند و سوء استفاده می کنند از شکاف و ایجاد اختلاف بین گروهها با خونی که ریخته می شود).^[10] پس، در آن هنگام انتظار بکشید ظاهر شدن صاحب الزمان را؛ یعنی مراقب باشید و چشم و حواستان را متوجه امام زمان کنید که بزودی ظهور خواهد فرمود.

اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و ارفع موانع الظهور یا من الیه تصیر الامور
بحق محمد و آله علیهم السلام.

پاورقی

[1] بحار الانوار، ج 52 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 193.

[2] اثباه الهداه، ج 7 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 414.

[3] اشاره به شخصیت مادر مکرمه حضرت بقیه الله، حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها، فرموده اند.

[4] غیبت نعمانی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 278.

[5] کمال الدین، ج 2، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 654.

[6] الملاحم و الفتن، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 59.

[7] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 35.

[8] قابل توجه اینکه خطبه مزبور با تفاوت‌هایی نقل شده است، از جمله در خود الزم الناصب (ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 213 و سپس در صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 232). ضمنا در مورد ترجمه، آنچه که به ذهن نزدیکتر می‌آمد ذکر شد و ممکن است معانی دیگری هم از آن بتوان استفاده کرد، که حتما نیز چنین است و ما به خاطر عدم اطاله کلام آنها را ذکر نکرده، این کار را به خود خوانندگان پژوهشگر واگذار نمودیم. همچنین، باید متذکر این نکته شد که خطبه مورد بحث دارای مضامین بسیار عالی است و گویا اصلا طوری القاء شده که احتمالات مختلف در آن مطرح و ملحوظ گردد، و به اصطلاح، استعمال لفظ در اکثر از معنی که نزد محققان صحیح است در اینها انجام شده، یعنی هر فقره چندین معنی دارد.

[9] الزم الناصب، ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 181.

[10] شاید هم کلمه مزبور «شقاق» به ضم «شین» باشد به معنای مرضی که در پای چارپا پیدا می‌شود و او را از رفتن و دویدن باز می‌دارد، که کنایه از این است که اگر در جایی به مانعی برخورد کردند، با خونریزی هم که شده است خود را از آن مانع عبور می‌دهند و هیچ ابایی از هیچ کاری ندارند.

امير مؤمنان عليه السلام و خطبه ذي قار و علائم آخر الزمان

فبعث الله عزوجل محمدا صلى الله عليه وسلم بذلك ثم انه سياءنى عليكم من بعدى زمان ليس فى ذلك الزمان شىي اخفى من الحق و لا اظهر من الباطل و لا اكثر من الكذب على الله تعالى و رسوله صلى الله عليه وسلم و ليس عند اهل ذلك الزمان سلعه ابور من الكتاب اذا تلى حق تلاوته و لا سلعه انفق بيعا و لا اغلى ثنا من الكتاب اذا حرف عن مواضعه و ليس فى العباد و لا فى البلاد شىي هو انكر من المعروف و لا اعرف من المنكر و ليس فيها فاحشه انكر و لا عقوبه انكى من الهدى عند الضلال فى ذلك الزمان فقد نبذ الكتاب حملته و تناساه حفظته حتى تمالت بهم الاهواء و توارثوا ذلك من الاباء و عملوا بتحريف الكتاب كذبا و تكذيبا فباعوه بالبخس و كانوا فيه من الزاهدين فالكتاب و اهل الكتاب فى ذلك الزمان طريدان منفيان و صاحبان مصطحبان فى طريق واحد لا ياء ويهما مور و فحبذا ذانك الصاحبان و اها لهما و لما يعملان له فالكتاب و اهل الكتاب فى ذلك الزمان فى الناس و ليسوا فيهم و معهم و ليسوا معهم و ذلك لان الضلاله لا توافق الهدى و ان اجتمعا وقد اجتمع القوم

على الفرقه و اقترقوا قواعن الجماعه قد ولوا امرهم دينهم من يعمل فيهم بالمكر و المنكر و الرشا و القتل كانهم ائمه الكتاب و ليس الكتاب امامهم لم يبق عندهم من الحق الا اسمه و لم يعرفوا من الكتاب الا خطه و زبره يدخل الداخل لما يسمع من حكم القرآن فلا يطمئن جالسا حتى يخرج من الدين ينتقل من دين ملك الى دين ملك و من ولايه ملك الى ولايه ملك و من طاعه ملك الى طاعه ملك و من عهدود ملك الى عهدود ملك فاستدرجهم الله تعالى من حيث

لا يعلمون و ان كیده متین بالامل و الرجاء حتى توالدوا فى المعصيه ودانوا بالجور و الكتاب لم يضرب عن شىء منه صفحا ضلالا تائبين قد دانوا بغير دين الله عزوجل وادنوا لغير الله مساجدهم فى ذلك الزمان عامره من الضلاله خربه من الهدى (قد بدل فيها من الهدى) فقراؤها و عمارها اخائب خلق الله و خليقته من عندهم جرت الضلاله و اليهم تعود فحضور مساجدهم و المشى اليها كفر بالله العظيم الا من مشى اليها و هو عارف بضلالهم فصارت مساجدهم من فعالهم على ذلك النحو خربه من الهدى عامره من الضلاله قد بدلت سنه الله و تعديت حدوده و لا يدعون الى الهدى و لا يقسون الفى و لا يوفون بدمه يدعون القتل منهم على ذلك شهيدا قد اتوا الله بالافتراء و الجحود و استغنوا بالجهل عن العلم و من قبل ما مثلوا بالصالحين كل مثله و سموا صدقهم على الله فريه و جعلوا فى الحسنه العقوبه السيئه و قد بعث الله عزوجل اليكم رسولا من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم ﷺ و انزل عليه كتابا عزيزا لاياءتبه الباطل من بين يديه و لا من خلفه تنزيل من حكيم حميد قرآنا عربيا غير ذى عوج لينذر من كان حيا و يحق القول على الكافرين فلا يلهينكم الامل و لا يطولن عليكم الاجل فانما اهلك من كان قبلكم امداء ملهم و تغطيه الاجال عنهم حتى نزل بهم الموعود. [1]

خداوند برای هدایت و ارشاد شما پیامبرش را مبعوث به رسالت فرمود و بدانید که بعد از من دورانی خواهید داشت که در آن چیزی پنهان تر از حق نیست و نیز در آن زمان روشن تر از باطل چیز دیگری نخواهد بود. در این عصر، دروغ بستن بر خدا و پیامبرش از هر چیزی بیشتر است. در این زمان متاعی کم ارزش تر از قرآن خدا در نزد این مردم نیست، در صورتی که قرآن را بحق بخوانند و به آن عمل کنند، هیچ متاعی از نظر ارزش به پای کتاب خدا

نمی رسد، اگر تحریف شود و برخلاف حق تفسیر گردد، به تحقیق، سودجویان از آن استفاده می کنند. در این زمان و در میان مردم شهرها هیچ چیزی از معروف (کارهای خوب و خداپسند) زشت تر و منکرتر، و هیچ کاری و عملی از منکر (گناه) زیباتر نیست. در نظر مردم گمراه این زمان هیچ راهی بدتر از رفتن به راه حق نیست (بیمودن راه بندگی به معنی واقعی). در این عصر است که دانیان به قرآن آن را پس پشت می اندازند و نگهبانان قرآن آن را به دست فراموشی می سپرند (البته در عمل نه به زبان) و هوای نفس آنها را به این سو و آن سو می کشد و این انحرافی است که آن را از پدران خود به ارث برده اند. آنان به دروغ قرآن را تحریف و تفسیر می کنند و حقایق آن را خلاف واقع دانسته، آن را به بهای کمی می فروشند و نسبت به آن بی رغبت اند. پس، قرآن و اهل قرآن در این عصر رانده شده از اجتماع هستند و در عین اینکه (بسیار کم اند) در میان مردم از لحاظ ظاهری حضور دارند در معنا بیرون و بیگانه از این جامعه اند، و در حقیقت، به تبعید شدگان شباهت دارند و کسی به آنها (قرآن و اهل آن) مکان نمی دهد (آنان را تحویل نمی گیرد). آفرین بر این دو یار موافق (یعنی قرآن و پیروان واقعی آن). در این زمان قرآن و اقلیت عامل به آن ظاهرا در میان جامعه هستند، اما در واقع بیرون از این مردم زندگی می کنند؛ زیرا راه سعادت و راه شقاوت و گمراهی یکسان نیستند اگر چه با هم در یک جا جمع شوند. مردم این زمان گرفتار جدایی و نفاق و از هماهنگی با حق بر حذرند و امور دینی و دنیوی خود را با افرادی برگزار می کنند که کارشان نیرنگ و زشتکاری و رشوه خواری و کشتار انسانهاست گویی خود را پیشوای قرآن می داند و عملا از رهبری قرآن محروم اند. از حق در میان آنها جز نامی و از قرآن جز جلد و کاغذ و نوشته های آن نمانده است. در این جامعه صدای قرآن و

احکام آن بر می خیزد و بعضی به آن علاقه مند می شوند و در مجلس می نشینند، ولی آرام نگرفته از مجلس بیرون می شوند در حالی که از دین اسلام بیرون رفته اند (دیدن خلافتها و شنیدن آن) از دین پادشاهی به مذهب حکمران دیگر می روند، همین طور از سوی این حاکم به سوی آن فرمانروا و از سوی آن حکومت به سوی حکومت دیگر و از فرمانبری حکمرانی دیگر در رفت و آمدند (آری، چون پناهگاه اصلی «دین» را از دست داده اند). خداوند آنها را گرفتار استدراج خود می کند، یعنی به بدبختی و عقوبت خود می کشاند، اگر چه به ظاهر سرگرم دنیای خود هستند و به اصطلاح با خوشی زندگی می کنند و به راستی که آرزوها و امیدهای بیجا زندگی آنها را فرا می گیرد تا آنجا که فرزندان در معصیت به وجود می آورند (نسل آینده را پدید می آورند). در مقابل ناحق سر تسلیم خم می کنند و در عین حال خود را دیندار می دانند (آری، دین دلخواه اهل دنیا، نه آن دینی که خداوند فرستاده است).

مساجد این مردم در این زمان از نظر ساختمان (کاشی کاری، فرشهای قیمتی، بخاری، کولر و امثال اینها) آباد، اما از هدایت مردم به دین واقعی ویران است (تبلیغات درست برخلاف آنچه در واقع هست پیاده می شود). خوانندگان قرآن و آباد کنندگان مساجد زیان کارترین و ناکام ترین خلق خدایند. اینان سرچشمه گمراهی ها هستند و بازگشت ضلالت و گمراهی نیز به سوی خود آنها خواهد بود. شرکت در مساجد اینها کفر به خداوند بزرگ است مگر برای آن افرادی که نسبت به

گمراهی آنها شناخت داشته باشند. بر اساس اعمال نادرست متصدیان امور دینی، مساجد، این پایگاه دینی، از نظر تقوا خراب و انباشته از گمراهی می شود

و سنتهای خداوندی را مبدل می سازند و حدود الهی را تغییر می دهند و مردم را به راه راست نمی خوانند و در آمد کشور اسلامی و اموال بیت المال را به صاحبان واقعی اش، یعنی مستحقان نمی دهند بلکه آن را در راه نامشروع و جنگ و خونریزی به مصرف می رسانند و در ارتباط با پناهندگان اسلام پیمان شکنی می کنند و کسانی را که در این مسیر ناحق از آنها کشته می شوند شهید می نامند و به خداوند افترا می بندند و او را انکار می کنند و از دانش به خاطر نادانی خود روی بر می گردانند. در گذشته هم کسانی همچون اینان بودند که بندگان خوب خداوند را شکنجه می دادند و آنها را مثله می کردند (یعنی گوش و بینی آنها را می بریدند) و گفتار آسمانی و بر اساس مصلحت آن افراد را که از طرف خداوند می گفتند دروغ و ناحق می انگاشتند و در برابر کار خوب و شایسته کیفرهای ناصواب مقرر می کردند و حال آنکه خداوند پیامبری را از میان شما مبعوث کرد که نمی تواند رنج شما را ببیند (یعنی خوشی و رفاه شما را طالب است و همه مسلمانان را دوست می دارد) و بر این پیامبر کتابی نازل شده است که نظیر ندارد (چون که جوابگوی تمام خواسته ها و نیازمندیهای علمی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، تجاری، دامپروری، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و سایر نیازهای دیگر شماست). خداوند وعده فرموده است که باطل به هیچ نحو نمی تواند به قرآن حمله ور شود و تحریف در آن راه نمی یابد (از پیش رو و پشت سر، خداوند نگهبان قرآن است) و با اینکه از تمام گذشته ها خبر داده کوچکترین خلافتی در آن دیده نشده است و تاریخ دنیا نیز بر آن گواهی می دهد...

از خداوند بزرگ تقاضا دارم که همه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان آن
حضرت را موفق به انجام و عمل کردن به دستورات دنیا و نیز دوری از کجرویها
بفرماید. آمین یا رب العالمین.

پاورقی

[1] روضه کافی، ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 359 - 362.

علی علیه السلام و فتنه های پیش از ظهور

یظهر فی شبهه لیستیین فیعلو ذکره و یظهر امره و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یكثر ذلک علی افواه المحققین و المبطلین و الموافقین و المخالفین لتلزمهم الحججه بمعرفتهم به علی انه قد قصصنا و دللنا علیه و نسبناه و سمینا و کنیناه و قلنا سمی جدہ رسول الله و کنیه لثلاثا یقول الناس ما عرفنا له اسما و لا کنیه و لا نسبا و الله لیتحقق الايضاح به و باسمه و کنیته علی السنتهم حتی لیسیمیه بعضهم لبعض کل ذلک للزوم الحججه علیهم ثم یظهره الله کما وعد به جدہ صلی الله علیه و آله فی قوله عزوجل «و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون».[1]

آنگاه که فتنه ها و شبهات جامعه را فراگیرد امام عصر (روحی له الفداء) ظاهر می شود. (همه جا از قیام او سخن گفته می شود و مانند خورشید فروزان می درخشد). در میان آسمان و زمین او را به نام کنیه و نسب یاد می کنند و نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم باایمان و بی ایمان نقل می گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان او را اعلام کرده ایم (در کتابها و در سخنان) و گفته ایم که او همانم جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه او را نمی دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان مردم جاری می شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. اجرای این برنامه ها یکسره برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند امر به ظهورش می فرماید، چنانکه در آیه شریفه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی

الدين كله ولو كره المشركون»^[2] به جدش خاتم الانبياء ﷺ وعده فرموده است که باید دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه و پیروزی داشته باشد اگر چه دشمنان خداوند نخواهند.

عن امیرالمؤمنین ﷺ: ان لنا اهل البيت رایه من تقدمها سرق و من تاءخر عنها زهق و من تبعها لحق یكون مكتوبا فی راءيته «البيعه لله».^[3]

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ می فرماید: برای ما اهل بیت پیامبر ﷺ پرچی هست که هر کسی بر آن سبقت بگیرد دزدیده می شود (استعمارگران و استثمارگران او را می برند و عقایدش را می دزدند کما اینکه تمام سرمایه های معنوی دنیای اسلام را دزدیدند) و هر کسی که عقب بماند از این پرچم، نابود و هلاک خواهد شد و هر کسی که متابعت از این پرچم نمود، سعادت مند و موفق خواهد شد. روی آن پرچم نوشته است «بیعت از آن خداوند است» اللهم فاجعل بيته خروجا من الغمه واجمع به شمل الامه.^[4]

خداوندا! بیعت با حضرت بقیه الله (ﷺ) و عجل الله له الفرج را برای مردم بیرون رفتن از تمام غم و اندوه ها قرار بده و پراکندگی و سرگردانی امت را به اتحاد و اتفاق مبدل فرما.

پاورقی

[1] روزگاری، ﷺ، 459.

[2] توبه / 33.

[3] روزگاری، ﷺ، 461.

[4] همان مأخذ و صفحه.

امیرالمؤمنین علیه السلام و علائم قیام قائم

سلمان فارسی می گوید: آدمم خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم قائم از فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی کشیده، فرمودند: لا یظهر القائم حتی یکون امور الصبیان و یضیع حقوق الرحمن و یتغنی بالقرآن فاذا قتلت ملوک بنی العباس اولی العمی و الالنباس اصحاب الرمی عن الاقواس بوجوه کالتراس و خربت البصره هناك یقوم القائم من ولد الحسین علیه السلام . [1]

قائم ظاهر نمی شود تا اینکه چند نشانه به وجود آید:

1 - کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد.

2 - حقوق خداوند رحمان (احکام دین خدا) ضایع گردد.

3 - قرآن را با تغنی (به غنا) بخوانند.

4 - پادشاهان بنی عباس که از دیدن حق محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کماندارانی کشته شوند، که صورتهایشان همانند سپر می باشد (منظور مغولها هستند که در نهج البلاغه - خطبه 128 - از آنها «المجان المطرقة» یعنی: سپرهای چکش خورده، تعبیر شده است).

5 - بصره خراب گردد.

در این موقع قائم ما از فرزندان امام حسین علیه السلام قیام می کند.

از امام امیرالمؤمنین و نیز از حضرت صادق و حضرت باقر علیهما السلام نقل شده است که فرموده اند:

و یحی للطلالقان فان لله فیها کنوزا لیست من ذهب ولا فضه ولكن بها رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدی فی آخر الزمان.^[2]
خوشا به حال مردم طالقان که در اجتماع و منطقه آنان برای خداوند متعال گنجهایی است که از طلا و نقره نیست، اما مردانی هستند که به درستی خداوند را شناخته اند و اینان از یاوران حضرت مهدی روحی له الفداء در آخر الزمان هستند (به راستی خوشا به حال آنها).

حضرت امام امیر المومنین و وسایل نقلیه زمان حکومت حضرت

مهدی علیه السلام

امام امیر المومنین علیه السلام درباره وسایل نقلیه دوران جهانگیری حضرت بقیه الله روحی له فدا چنین می فرماید:

«ثم یامر المهدي بالنشاء مراکب یبني اربعمائه سفینه فی ساحل عکا و یوافی المهدي طرطوس فیفتحها و یتقدم الی انطاکیه فیفتحها و یهاجم القسطنطنیه فیفتحها و یتوجه الی بلاد الروم فیفتح رومیه مع اصحابه.»^[3]

آنگاه حضرت مهدی علیه السلام امر می فرمایند مرکبهای سواری بسازند و در کرانه عکا چهار صد کشتی ساخته می شود و به طرف طرطوس^[4] به حرکت در می آیند و آنجا را فتح می کند و از طرطوس به سمت انطاکیه می رود، آنجا را هم فتح می کند و از انطاکیه به طرف قسطنطنیه^[5] هجوم می آورد، آن سرزمین را هم فتح می کند و به جانب بلاد روم (کشورهای غربی) حرکت می کند و همه آن کشورها را مسخر می نماید (اللهم عجل فرجه).

پاورقی

[1] بحار الانوار، ج 52 /

[2] روزگار رهایی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، 429.

[3] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، 471.

[4] طرطوس از شهرهای بندری سوریه است.

[5] استانبول فعلی.

امیرالمؤمنین علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام

امام امیرالمؤمنین علیه السلام به تشریف فرمایی حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و علیه السلام در روزهای اول ظهور اشاره می فرمایند، آن هم در بیت المقدس روز جمعه:

ثم ان المهدي يرجع الى بيت المقدس فيصلي بالناس اياما فاذا كان يوم الجمعة وقد اقيمت الصلوه ينزل عيسى بن مريم في تلك الساعه من السماء و عليه ثوبان احمر ان كانما يقطر من رءسه الدهن و هو رجل صبيح المنظر والوجه اشبه الخلق بابراهيم فياءتى المهدي و يصفحه و يبشره بالنصر فعند ذلك يقول له المهدي تقدم يا روح الله وصل بالناس فيقول عيسى بل الصلوه لك يا ابن رسول الله فعند ذلك يؤذن عيسى و يصلى خلف المهدي. [1].

مهدی ما به جانب بیت المقدس برمی گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می خواند تا روز جمعه می رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی بن مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می آید، در حالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می ریزد. مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه ترین مردم به حضرت خلیل الرحمن علیه السلام است پیش می آید و با حضرت بقیه الله مصاحفه می کند و بشارت به فتح و پیروزی می دهد. در این موقع حضرت مهدی علیه السلام تعارف می فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی می فرماید: ای فرزند

رسول خدا! «بل الصلوه لك». کنایه از اینکه پیشوایی دیگری مخصوص به شماست. در این موقع حضرت عیسی اذان می گوید و حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء جلو می ایستد و جناب عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می کند (اللهم عجل فرجه).

امام امیرالمؤمنین علیه السلام و نشانه های پیش از قیام

امام صادق علیه السلام از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کنند که آن سرور فرمودند:

«قال امیر المؤمنین علیه السلام لیاتین علی الناس زمان یظرف فیہ الفاجر و یقرب فیہ الماجن و یضعف فیہ المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیر المؤمنین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما و الزکاه مغرما و العباده استطاله و الصله منا قال فقیل له متی ذلک یا امیر المؤمنین فقال (ع) اذا تسلطن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان. [2].»

مسلم زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیر المؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صلّه کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیر المؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.

خواننده عزیز!

اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

پاورقی

[1] روزگارهایی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 554.

[2] بحار الانوار، ج 52 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 265.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام و نشانه های پیش از قیام

امام صادق علیه السلام از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کنند که آن سرور فرمودند:

قال امیرالمؤمنین علیه السلام لیباء تین علی الناس زمان یظرف فیہ الفاجر و یقرب فیہ الماجن و یضعف فیہ المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیرالمؤمنین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما والزکاه مغرما و العباده استظاله والصله منا قال فقیل له متی ذلک یا امیرالمؤمنین فقال (علیه السلام)) اذا تسلطن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان. [7].

مسلم زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صلہ کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند.

خواننده عزیز!

اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

پاورقی

[1] بحار الانوار، ج 52 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 265.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام و نشانه های ظهور

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می کند:

قلت لابی جعفر علیه السلام خروج السفیانی من المحتوم؟ قال نعم و النداء من المحتوم و طلوع الشمس من مغربها من المحتوم و اختلاف بنی العباس فی الدوله من المحتوم و قتل النفس الزکیه محتوم و خروج القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله محتوم، قلت: و کیف یكون النداء؟ قال ینادی من السماء اول النهار الا ان الحق مع علی و شیعتہ ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار من الارض الا ان الحق مع عثمان و شیعتہ فعند ذلك یرتاب المبطلون. [1].

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، صیحه آسمانی نیز از علائم حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد حتمی است. عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمودند: اول صبح منادی از آسمان ندا می کند که حق با علی علیه السلام و شیعیان اوست. آخر وقت همان روز منادی فریاد می زند که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دوم اهل باطل در شک می افتد (آری، آزمایش است).

ابوالجارود، یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام ، می گوید آن حضرت با آگاهی کامل از آینده قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

اذا قام القائم عليه السلام سار الى الكوفه فيخرج منها بضعه عشر الف نفس يدعون البتريه عليهم السلاح فيقولون له ارجع من حيث جئت فلا حاجه لنا فى بنى فاطمه فيضع فيهم السيف حتى ياءتى على آخرهم ثم يدخل الكوفه فيقتل بها كل منافق مرتاب و يهدم قصورها و يقتل مقاتليها حتى يرضى الله عزوجل.^[2]

زمانی که حضرت قائم عليه السلام قیام کند، به کوفه تشریف فرما می شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می آیند که آنها را «بتریه» می گویند. پس، به آن حضرت عرض می کنند: برگرد به همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه عليها السلام نداریم. پس، شمشیر را می کشد و همه آنها را می کشد. سپس وارد کوفه می شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می کشد تا خداوند متعال راضی گردد.

جابر از امام باقر عليه السلام در ارتباط با برنامه های دولت کریمه حضرت مهدی عليه السلام چنین می فرماید:

اذا قام القائم عليه السلام ضرب فساطيط و يعلم الناس القرآن على ما انزل الله عزوجل فاصعب ما يكون على من حفظه اليوم لانه يخالف فيه التاء ليف.^[3]

هنگامی که قائم آل محمد قیام می کند، خیمه های خودش را برپا می سازد (گویا در کوفه باشد) و قرآن را به مردم یاد می دهد، چنانکه خداوند بر رسول گرامی نازل فرمود (از نظر ترتیب فرود آمدن در روزهای اول) و مردم را با قرآن این طور آشنا می کند. آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلا حفظ کرده اند بسیار مشکل است (از نظر ترتیب سوره ها و نازل شدن در گذشته).

به امام باقر علیه السلام عرض شد:

ان اصحابنا بالكوفه جماعه كثيره فلو امرتهم لاطاعوك و اتبعوك فقال يجي احدهم الى كيس اخيه فياخذ منه حاجته؟ فقال لا فقال فهم بدمائهم ابخل... ثم قال ان الناس في هدنه نناكحهم و نوارثهم و نقيم عليهم الحدود و نؤدى اماناتهم حتى اذا قام القائم جاءت المزييله و ياءت الرجل الى كيس اخيه فياءخذ حاجته لايمنعه. [4].

اصحاب و شيعيان ما در كوفه زياد هستند اگر دستورى صادر بفرماييد از شما اطاعت مى كنند. امام در جوابش فرمودند: آيا شيعيان ما دست در جيب يكديگر مى كنند و نيازمنديهاى خودشان را برطرف مى سازند؟ عرض شد: خير. فرمودند: كسى كه از انفاق ماديّات در راه خداوند مضايقه مى كند چگونه جانش را به فرمان ما در راه حق بذل مى نماييد؟ مردم در معرض امتحان هستند. ما با آنها ازدواج مى كنيم، از آنها ارث مى بريم، حدود الهى را بر آنها اقامه مى كنيم و امانات آنها را به ايشان بر مى گردانيم تا اينكه حضرت قائم علیه السلام قيام كند. برادري آنچه گسترش مى يابد كه مردم بدون اجازه دست در جيب يكديگر مى كنند و هرچه لازم داشته باشند بر مى دارند (اين است برنامه عملى حكومت حضرت ولي عصر ارواحنا له الفداء).

محمد بن مسلم ثقفى مى گويد از امام باقر علیه السلام شنيدم كه فرمودند:
القائم منصور بالرعب مؤيد بالنصر تطوى له الارض و تظهر له الكنوز و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله تعالى به دينه ولو كره المشركون فلا يبقى فى الارض خراب الا عمر و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلى خلفه فقلت له

یا ابن رسول الله متى يخرج قائمكم قال اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و ركب ذوات الفروج السروج و قبلت شهاده الزور و ردت شهاده العدل و استخف الناس بالدماء و ارتكاب الزنا و الكل الربا و اتقى الاسرار مخافه السننهم و خرج السفیانی من الشام و الیمانی من الیمن و خسف بالبیداء و قتل غلام من آل محمد ﷺ بین الرکن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزکیه و جاءت صیحه من السماء بان الحق فیہ و فی شیعتہ فعند ذلك خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الی الکعبه و اجتمع الیه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا و اول ما ینطق به هذه الایه: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین».^[5] ثم یقول انا بقیه الله و حجتہ و خلیفته علیکم فلا یسلم علیہ مسلم الا قال السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه فاذا اجتمع له العقد و هو عشره آلاف رجل خرج فلا یبقی فی الارض معبود دؤن الله عزوجل من صنم او غیره الا وقعت فیہ نارفا حترق و ذلك بعد غیبه طویلہ لیعلم الله من یطیعه بالغیب و یؤمن به.^[6]

قائم ما به وسیله نیروهای مختلفی یاری می شود:

1 - ترس و رعبی که در دلهای مردم جایگزین می شود.

2 - نصرت و یاری خداوند بزرگ.

3 - زمین در اختیار و زیر پای مبارکش و یاران عزیزش در نور دیده و جمع

می شود.

4 - گنجهای زمین خودشان را در اختیار آن حضرت قرار می دهند.

5 - سلطنتش مشرق و مغرب زمین را فرا می گیرد.

6 - دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه می یابد ولو اینکه دشمنان خدا راضی نباشند، و در زمین جایی غیر آباد دیده نخواهد شد.

7 - حضرت عیسی بن مریم از آسمان نازل می شود و پشت سر آن حضرت نماز می خواند.

می گوید عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قیام کی خواهد بود و چه زمانی قائم شما قیام می کند؟ فرمودند:

1 - هرگاه مردان شبیه به زنان و زنان مانند مردان شوند.

2 - مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان (اشاره به لواط و مساحقه).

3 - زنان سوار بر زینها شوند (سوار شدن بر اسب، اتومبیل و وسایط نقلیه دیگر).

4 - شهادت دروغ و برخلاف واقع را بپذیرند.

- 5 - گواهی مردان عادل و صاحبان تقوا را رد کنند.
- 6 - قتل و خونریزی در میان مردم کوچک شمرده شود.
- 7 - مردم مرتکب زنا شوند.
- 8 - رباخواری در میان مردم رواج یابد.
- 9 - مردم از زبان اشرار بترسند.
- 10 - سفیانی از شام بیرون آید.
- 11 - یمانی از یمن حرکت کند.
- 12 - خسف و فرورفتگی در بیداء پدید آید.
- 13 - جوانی از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان رکن مقام کشته شود که نام عزیزش محمد بن حسن معروف به نفس زکیه است.
- 14 - صیحه ای از آسمان بلند شود که حق با او و پیروان اوست.

در این هنگام قائم ما قیام می کند. پس، آنگاه که بیرون آمد به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده تن از یاران مخصوص آن حضرت اطرافش را می گیرند و اول سخنی که می فرمایند این آیه شریفه است: «باقیمانده خدا بهتر است برای شما اگر به خدا ایمان دارید». سپس می فرماید من بقیه الله و حجت و جانشین خداوند در روی زمین هستم. پس، همه مسلمانان آن حضرت را با این عبارت سلام می کنند: «سلام بر تو ای بقیه الله در روی زمین». پس، وقتی که آن عدد معین که ده هزار نفر باشد در خدمت آن حضرت اجتماع کردند از مکه بیرون می آیند و در کره زمین معبودی جز خداوند یکتا عبادت نخواهد شد، اساس بت پرستی و غیره از بین خواهد رفت و همه آنها در آتش غضب آن سرور خواهند سوخت. ای محمد بن مسلم! البته این قیام با این محتوی بعد از غیبت طولانی خواهد بود. برای اینکه خداوند عالم، بندگان مطیع و فرمانبردار خودش را به جهانیان معرفی کند و بشناساند.

علی بن مهزیار از حضرت ابوجعفر علیه السلام حدیث می کند که آن جناب فرمودند:

کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائما بین الرکن و المقام بین یدیہ جبرئیل ینادی البیعه لله فیملها عدلا کما ملئت ظلما وجورا.^[7]

گویا می بینم قائم (آل محمد) را در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده در حالی که جبرئیل علیه السلام در کنار ایشان است و فریاد می زند بیعت برای خداست (مردم دنیا! بیعت با حضرت مهدی روحی له الفداء، در حقیقت،

بیعت با خداوند است). آنگاه دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

یعقوب سراج از جابر روایت می کند که آن حضرت فرمودند:
یا جابر لایظهر القائم حتی یشمل (الناس ب)الشام فتنه یطلبون المخرج منها
فلا یجدونه و یکون قتل بین الکوفه و الحیره قتلا هم علی سواء و ینادی مناد من
السماء.^[8]

ای جابر! قائم ظاهر نمی شود مگر اینکه فتنه ای (مردم را) در شام فرا گیرد.
مردم راه فرار از این فتنه را پیدا نمی کنند. بین کوفه و حیره کشتاری می شود
که هر دو طرف از نظر دادن کشته مساوی هستند (یا از لحاظ کمیت یا کیفیت) و
منادی از آسمان ندا می دهد.

محمد بن مسلم از حضرت باقر العلوم علیه السلام حدیث می کند که آن حضرت
فرمودند:

توقعوا الصوت یاء تیکم بغته من قبل دمشق فیه لکم فرج عظیم.^[9]

منتظر صدا که ناگهان از ناحیه دمشق می رسد، باشید. البته در این (صوت)
برای شما فرجی عظیمی است.

خواننده عزیز!

آیا منظور از کلمه «صوت» صیحه آسمانی است؟ به ظاهر یا همین است یا قیام سفیانی. امید است صدای حیاتبخش جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد. از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در باب نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء حدیث مفصلی نقل شده است که ما به بیان مختصری از آن بسنده می کنیم.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمایند:

فینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء «یا بیداء ابیدی القوم» فیخسف بهم فلا یفلت منهم الا ثلاثه نفر یحول الله وجوههم الی افیتهم و هم من کلب و فیهم نزلت هذه الایه «یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها». قال و القائم یومئذ بمکه قد اسند ظهره الی البیت الحرام مستجیرا به فینادی یا ایها الناس انا نستنصر الله فمن اجابنا من الناس فانا اهل بیت نبیکم محمد و نحن اولی الناس بالله و بمحمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فمن حاجنی فی آدم فانا اولی الناس بآدم و من حاجنی فی نوح فانا اولی الناس بنوح و من حاجنی فی ابراهیم فانا اولی الناس بابراهیم و من حاجنی فی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فانا اولی الناس بمحمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و من حاجنی فی النبیین فانا اولی الناس بالنبیین الیس الله یقول فی محکم کتابه «ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریه بعضها من بعض والله سمیع علیم».

فانا بقیه من آدم و ذخیره من نوح و مصطفی من ابراهیم و صفوه من محمد صلی الله علیهم اجمعین الا فمن حاجنی فی کتاب الله فانا اولی الناس بکتاب الله

کننده تورات و انجیل شماسست پیش از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط بطلان کشیم یا گونه ها را واژگون کنیم.»^[11]

امام باقر علیه السلام می فرماید: قائم علیه السلام آن روز در مکه است و پشت به خانه کعبه داده در حالی که پناه به کعبه برده است. پس ندا می دهد: ای مردم! ما از خداوند طلب یاری می کنیم. پس، هر کسی از مردم که دعوت ما را اجابت کرد باید بداند که ما از اهل بیت پیامبر شماها هستیم و من از همه مردم سزاوارتر هستم نسبت به خداوند بزرگ و پیامبر او. ای مردم! هر کسی که با من محاجه کند در مورد آدم علیه السلام، باید بداند که من نسبت به آدم از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با نوح با من محاجه کند، باید بداند که من نسبت به نوح از همه مقدم ترم و هر کسی که با من محاجه کند نسبت به ابراهیم، باید بداند که من اولی از همه هستم و آن کسی که نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با انبیاء با من محاجه کند، من اولی هستم از همه نسبت به انبیاء. آیا نمی بینی که خداوند در قرآن محکمش می فرماید: «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و دودمان عمران را بر عالمیان برگزیده است»؟^[12]

پس، من باقیمانده از آدم و ذخیره از نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه ای هستم از وجود مقدس محمد صلی الله علیه و آله و سلم. آگاه باشید، هر کسی که با کتاب خدا با من به مجادله بپردازد، من اولی از همه هستم نسبت به قرآن خداوند، و هر کسی در ارتباط با سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با من محاجه نماید، من از همه سزاوارترم نسبت به آن بزرگوار. شما را به خدا سوگند می دهم آن افرادی که امروز سخنان مرا شنیدند آن را به غایبان برسانند. از شما سؤال می کنم به حق خداوند و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به حق من بر شما که به جهت نزدیک بودن با رسول خدا بر شما دارم (فرزند او هستم) ما را یاری کنید نسبت به آن افرادی که به ما ظلم

کردند. به درستی که ستمگران ما را از وطنمان دور ساختند و حق ما را غصب کردند و ما و فرزندانمان را آواره نمودند و درباره ما ستم روا داشتند و نگذاشتند که ما از حق خودمان استفاده کنیم و اهل باطل بر ما افترا بستند. بترسید از خدا، بترسید از خدا و ما را رها نسازید بلکه یاریمان کنید تا اینکه خداوند شما را یاری فرماید.

امام باقر علیه السلام فرمودند: در این موقع خداوند سیصد و سیزده تن اصحاب خاص آن حضرت را مانند ابرهای پراکنده در فصل سوم از فصول چهارگانه که آن را «خریف» (یابیز) می نامند در خدمت آن حضرت حاضر می کند و این جریان (حضور اصحاب) - ای جابر! مصداق این آیه شریفه است: «هر کجا باشید خداوند همه شما را به میعادگاه خواهد آورد، به درستی که خداوند بر هر چیز تواناست».^[13] پس آن سیصد و سیزده تن بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند (با مهدی آل محمد علیه السلام و با او عهدی است از رسول الله صلی الله علیه و آله که توسط پدران بزرگوارش به دست او رسیده است. ای جابر! قائم مردی است از فرزندان امام حسین علیه السلام که خداوند امر قیامش را در یک شب اصلاح می کند. ای جابر! چگونه برای این مردم مشکل است باور کنند که او (قائم) فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و مقام وراثت از آباء و اجدادش به او رسیده و او وراثت علم همه آنهاست؟ ای جابر!

اگر پذیرفتن اینها بر مردم مشکل باشد اما صیحه آسمانی را نمی توانند نپذیرند که او (قائم آل محمد روحی له الفداء) را به اسم خودش و نام پدرش و اسم مادرش معرفی می کند (محمد فرزند حسن مادرش نرجس، دیگر نمی توانند او را رد و انکار کنند).

جابر بن یزید از حضرت باقر علیه السلام حدیث می کند درباره اصحاب حضرت مهدی علیه السلام که امام باقر علیه السلام فرمودند:

کانی باصحاب القائم علیه السلام و قد احاطوا بما بین الخافقین فلیس من شیء الا

و هو مطیع لهم حتی سباع الارض و سباع الطیر یطلب رضاهم فی کل شیء حتی تفجر الارض علی الارض و تقول مربی الیوم رجل من اصحاب القائم علیه السلام. [14].

گویی می بینم که یاران امام عصر علیه السلام جهان را محاصره کرده اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند حتی درندگان صحرا و درندگان پرنده. موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می خواهند. حتی بعضی از نقاط زمین مباحات می کند بر بعضی دیگر و می گوید امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر روی من عبور کرد. درباره قیام جناب سید حسنی از خراسان و تشریف ایشان به خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء، امام باقر علیه السلام چنین فرموده است:

تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة فاذا ظهر المهدي بمكة بعثت اليه بالبيعة. [15].

پرچمهایی که از خراسان حرکت کرده اند در سرزمین کوفه به اهتزاز در می آیند (پرچمدار و رهبر این قیام جناب سید حسنی است). وقتی حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظاهر شدند افرادی را خدمت آن حضرت می فرستد و آمادگی خودش را برای بیعت با آن حضرت اعلام می دارد.

راوی می گوید از حضرت ابوجعفر علیه السلام در مورد حضرت قائم علیه السلام پرسیدم فرمودند:

انه لا یكون حتى ینادی مناد من السماء یسمع اهل المشرق و المغرب حتى تسمع الفتاه فی خدرها. [16]

امر قیام آن حضرت محقق نخواهد شد مگر اینکه منادی از آسمان صدا بلند کند که تمام مردم مشرق و مغرب حتی دختران پرده نشین نیز بشنوند. ناجیه قطان از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

ان المنادی ینادی ان المهدی من آل محمد فلان ابن فلان باسمه و اسم اییه (یعنی محمد بن الحسن العسکری علیه السلام) فینادی الشیطان ان فلانا و شیعتہ علی الحق یعنی رجلا من بنی امیه. [17]

منادی از آسمان ندا سر می دهد که مهدی آل محمد (فلان پسر فلان است) که نام مبارک اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می زند و نام یکی از بنی امیه را می برد که فلانی و پیروان او بر حق هستند.

خواننده عزیز!

امتحانی است برای مردم. خوشا به حال آن کسانی که صدای اول را می شنوند و متابعت می کنند و صدای دوم را رد می کنند. امام باقر علیه السلام در رابطه با فتنه ها (پیش از قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء) چنین می فرمایند:

تكون قبل المهدي فتنة تحصر الناس حصرا فلا تسبوا اهل الشام بل ظلمتهم فان الابدال منهم و سير سل الله سببا من السماء فيفرقهم حتى لوقاتهم الثعالب غلبتهم ثم يبعث الله المهدي في اثني عشر الفا ان قتلوا و خمسه عشر الفا ان كثروا و علامتهم انهم اذا هجموا صرخوا امت امت ثم يظهر فيرد الى المسلمين اءلفتهم و نعمتهم. [18].

مردم پیش از قیام مهدی ما به فتنه ای بسیار مهم و کوبنده مبتلا می شوند. به همه مردم شام ناسزا نگوید بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید؛ زیرا از میان آنها ابدال و صلحائی بر می خیزند. خداوند از آسمان چیزی بر آنها فرو می فرستد که آنچنان وحدت آنها را درهم می کوبد که اگر با ضعیف ترین حیوانات مانند روباه جنگ کنند شکست می خورند. آنگاه خداوند مهدی ما را با لشکری بین دوازده تا پانزده هزار نفر می فرستد که در وقت حمله رمزشان «امت، امت» (بمیران، بمیران) است. سپس پیروز می شوند و الفت و یگانگی و نعمتهای مسلمین را به آنها برمی گردانند (چه فتنه ای بالاتر از هجوم اسرائیل به سرزمینهای اسلام و کشتار بیرحمانه مردم؟).

امام باقر علیه السلام درباره عصای حضرت موسی علیه السلام که سرانجام فرعون و لشکریانش را در رود نیل غرق کرد و از بین برد چنین می فرماید:
كانت عصاء موسى لادم فصارت الى شعيب ثم صارت الى موسى بن عمران عليه السلام و انها لعندنا و ان عهدي بها انفا و هي خضراء كهيئتها حين انتزعت من شجرتها و انها لتنطق اذا استنطقت اعدت لقائنا يصنع بهما ما كان يصنع موسى و انها لتروع و تلقف ما يافكون و تصنع ما تؤمر به، انها حيث اقبلت تلقف ما

یافکون، یفتح لها شعبتان احدهما فی الارض و الاخری فی السقف و بینهما اربعون ذراعا، تلقف ما یافکون بلسانها. [19]

این عصا (عصای موسی) روز اول به دست حضرت آدم بود، سپس به شعیب داده شد، بعد از شعیب به حضرت موسی بن عمران علیه السلام اعطا شد و اکنون نزد ماست و اخیرا که آن را دیدم، درست مانند روزی که از درخت جدا شده باشد رنگش سبز و خرم بود. اگر فرمان سخن گفتن به او بدهیم حرف می زند. و این عصا برای قائم ما ذخیره شده است تا مثل موسی بن عمران در راه نشان دادن عظمت حق و نابودی دشمنان خدا از آن استفاده کند. از خصوصیات این عصا این است که دشمنان را می لرزاند و هرچه را جلوی آن بیندازند یا ببیند می بلعد و آنچه فرمانروای عالم هستی (به اذن خدا) بگوید اطاعت می کند و چون لب بگشاید فاصله بین آن از زمین تا سقف را که چهل ذراع است، می بلعد (هرچه بیندازند همه را می بلعد).

امام باقر علیه السلام درباره تجهیزات لشکریان امام عصر روحی له الفداء و ساعت حرکت از مکه معظمه به طرف کوفه چنین فرموده اند:

إذا خرج القائم علیه السلام من مکه ینادی منادیه الا لایحملن احد طعاما ولا شرابا و یحمل مه حجر موسی بن عمران علیه السلام و هو وقر بعیر فلا ینزل منزلا الا انفجرت منه عیون فممن کان جائعا شبع و ممن کان ظامئا روی و رویت دوابهم فهو زادهم حتی ینزلوا النجف من ظهر الکوفه. [20]

ساعت اول حرکت، منادی از طرف آن سرور فریاد می زند که هیچ کس حق بار کردن مواد غذایی و آب آشامیدنی را ندارد و سنگ معروفی که حضرت موسی بن عمران علیه السلام داشتند آن حضرت همراه خویش بر می دارند که حجم و قطر آن سنگ به اندازه بار یک شتر است. به هر منزلی که می رسند و سربازان و مرکبهای سواری آنها تشنه یا گرسنه می شوند چشمه هایی از آن سنگ خارج می شود. آنهایی که گرسنه اند از آن چشمه ها می خورند و سیر می شوند و افرادی که تشنه اند از آنها سیراب می شوند تا اینکه وارد نجف اشرف که در پشت کوفه واقع است، می شوند.

این است معنای ولایت تکوینی و تشریحی و این است آن حکومتی که تمام رژیمها را در هم می کوبد.

حضرت باقر علیه السلام در ارتباط با نشانه های قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء می فرمایند:

آیتان بین یدی هذا الامر خسوف القمر لخمس و کسوف الشمس لخمس عشره ولم یکن ذلک منذ هبط آدم علیه السلام الی الارض و عند ذلک یسقط حساب المنجمین. [21].

در پیشاپیش ظهور مهدی ما دو نشانه بزرگ دیده می شود:

1 - خسوف ماه در پنجم آن.

2 - کسوف خورشید در پانزدهم ماه.

از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه ای رخ نداده است. بنابراین، دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهد ماند.

محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

السفیانی و القائم فی سنه واحده. [22]

سفیانی و قائم ما علیه السلام در یک سال قیام می کنند.

مسلم سفیانی در همان سال پیش از حضرت ولی عصر علیه السلام خروج می کند. امام پنجم علیه السلام بعد از اشاره به ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء (نزدیک مکه معظمه) چنین امر می فرمایند:

فاسعوا الیه ولو حبوا والله کانی انظر الیه بین الرکن و المقام بیایع الناس. [23].
به سوی حضرت بقیه الله بشتابید ولو از طریق خزیدن بر روی سینه باشد. به خدا سوگند، گویی می بینم بین رکن و مقام ایستاده و با مردم بیعت می کنند.

از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل می کنند که فرمودند:

إذا رآه يتم نارا من المشرق شبه الهردى العظيم تطلع ثلاثه ايام او سبعة فتوقعوا فرج آل محمد ﷺ ان شاء الله عزوجل ان الله عزيز حكيم. ثم قال ﷺ الصيحه لا يكون الا فى شهر رمضان لان شهر رمضان شهر الله و هى صيحه جبرئيل الى هذا الخلق. ثم قال ينادى مناد من السماء باسم القائم ﷺ فيسمع من المشرق و من المغرب لا يبقى راقد الا استيقظ ولا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام على رجليه فزعا من ذلك الصوت فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب فان الصوت صوت جبرئيل الروح الامين.

و قال ﷺ الصوت فى شهر رمضان فى ليله جمعه ليله ثلاث و عشرين فلا تشكوا فى ذلك و اسمعوا و اطيعوا و فى آخر النهار صوت ابليس اللعين ينادى الا ان فلانا قتل مظلوما ليشكك الناس و يفتنهم فكم ذلك اليوم من شاك متحير قد هوى فى النار فاذا سمعتم الصوت فى شهر رمضان فلا تشكوا فيه انه صوت جبرئيل ﷺ و علامه ذلك انه ينادى باسم القائم و اسم ابيه ﷺ حتى تسمعه العذراء فى خدرها فتحرض اباه و اخاها على الخروج.

قال ﷺ لا بد من هذين الصوتين قبل خروج القائم صوت من السماء و هو صوت جبرئيل باسم صاحب هذا الامر و اسم ابيه و الصوت الثانى الذى من الارض و هو صوت ابليس اللعين ينادى باسم فلان انه قتل مظلوما يريد بذلك الفتنة فاتبعوا الصوت الاول و اياكم والاخير ان تفتنوا به. [24]

هرگاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه پیدا کرد، منتظر فرج آل محمد باشید (ظهور امام عصر روحی له الفداء)، البته اگر خداوند حکیم و مقتدر بخواهد. صیحه آسمانی حتما در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداوند است

و این صیحه هم صدای جبرئیل علیه السلام است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می شود. منادی از آسمان حضرت قائم علیه السلام را به اسم صدا می کند (محمد بن الحسن العسکری). پس هر کسی که در مشرق و مغرب زمین است این صدا را می شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا، آن که در خواب است بیدار می شود و هر که ایستاده است می نشیند و آن کسی که نشسته است برمی خیزد و سرپا می ایستد. خداوند رحمت کند کسی که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملا این صدا را جواب بگوید (اطاعت کند از حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء). برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل روح الامین است (پیام او از سوی خداوند برای جهانیان است).

امام علیه السلام می فرماید: صدای آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است. برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند. چه بسا اشخاصی که در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد. پس، وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن، صدای جبرئیل علیه السلام است و علامت حقانیت آن صدا این است که حضرت قائم علیه السلام را به نام پدرش ذکر

می کند (یعنی ان شاء الله می گوید محمد بن الحسن العسکری علیه السلام آمد). این صدا چنان فراگیر است که حتی دختران پرده نشین نیز آن را می شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می کنند که از منزل بیرون بروید (و امام عصر را یاری کنید).

امام پنجم علیه السلام می فرماید: دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می کند (محمد بن الحسن العسکری علیه السلام)؛ صدای دوم صدای شیطان است که به نام فلانی است و می گوید او را مظلوم کشتند و می خواهد مردم را گمراه کند. پس، از صدای اول متابعت کنید؛ اما بترسید از اینکه صدای دوم (صدای شیطان) شما را به گمراهی کشاند.

زراره می گوید از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: آیا ندای آسمانی حق است؟
فرمودند:

ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم.^[25]

آری، به خدا قسم، حق است و به صورتی است که تمام مردم به زبان خودشان این ندا را می شنوند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

فذكر آيتين قبل القائم لم يكونا منذ هبط آدم عليه السلام ابدا و ذلك ان الشمس تنكسف في النصف من شهر رمضان و القمر في آخره فقال رجل يا ابن رسول الله لابل الشمس في آخر الشهر و القمر في النصف فقال له ابو جعفر عليه السلام اني لاعلم بما تقول ولكنهما آيتان لم تكونا منذ هبط آدم. [26].

در محضر امام باقر عليه السلام بودیم. آن سرور دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده، فرمودند: از وقتی که حضرت آدم عليه السلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول خسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان. مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی خسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می آید. امام باقر عليه السلام فرمودند: می دانم شما چه می گوئید (از لحاظ برنامه های جاری همین است)، اما من می خواهم بگویم از اول تا قبل از قیام مهدی ما این کار نشده است و اختصاص به پیش از ظهور دارد.

ابی الجارود از حضرت باقر عليه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

لاترون الذی تنتظرون حتی تکنونوا کالمعزی المواه التی لایبالی الخابس این یضع یده منها لیس لکم شرف ترقونه ولا سناد تسندون الیه امرکم. [27].

آن چیزی را که منتظرش هستید (ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء) نمی بینید مگر وضع شما به جایی برسد که مانند گوسفندانی شوید که گرفتار گرگهای درنده شده باشند، در حالی که چوپانی هم نداشته باشید و گرگها از هر جای بدن شما که بخواهند شروع به خوردن می کنند. از سوی دیگر، شرف و

موقعیتی هم نداشته باشید که به آن تکیه کنید و نیز اسناد و مدارکی هم در اختیار شما نباشد که استناد به آنها کنید و سرانجام از خودتان دفاع نمایید. جابر از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده است که آن حضرت فرمودند:
تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة فاذا ظهر المهدي بعث اليه بالبيعة. [28].

پرچمهای سیاه از خراسان به جانب کوفه می آید (کنایه است از قیام جناب حسنی). پس، وقتی که مهدی ما علیه السلام ظهور کرد امر به بیعت می کند.

بعضی از علائم مانند سفیانی و خروج او از حتمیات است؛ یعنی حتما باید پیش از ظهور تحقق پیدا کند. لذا در روایت زیر از زراه بن اعین آمده است:

كنت عند ابي جعفر عليه السلام فجری ذكر القائم عليه السلام فقلت ارجوا ان يكون عاجلا و لا يكون سفیانی فقا لا والله انه لمن لمحتوم الذی لا بدمنه. [29].

در خدمت حضرت باقر علیه السلام بودیم، سخن از حضرت قائم علیه السلام به میان آمد. عرض کردم: امیدوارم ظهور قائم بسیار نزدیک باشد بدون اینکه نیازی به سفیانی داشته باشد. فرمودند: به خدا نه اینچنین است؛ خروج سفیانی حتما باید پیش از ظهور باشد.

پاورقی

[1] ارشاد مفید، ج 3، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 347.

- [2] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 358.
- [3] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 360.
- [4] تاريخ ما بعد الظهر، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 762.
- [5] هود / 86.
- [6] اثبات الهداه، ج 7 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 392.
- [7] غيب طوسي، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 274.
- [8] غيب نعماني، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 279.
- [9] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 279.
- [10] غيب نعماني، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 280.
- [11] نساء / 47.
- [12] آل عمران / 34.
- [13] بقره / 148.
- [14] الامامه و التبصره، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 131.
- [15] الملاحم و الفتن، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 56.

- [16] غيبت نعماني، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 257.
- [17] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 264.
- [18] روزگارهایی، ج 1 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 453.
- [19] اصول کافی، ج 1، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 231.
- [20] روزگارهایی، ج 1 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 458.
- [21] الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 390.
- [22] اثباه الهداه، ج 7 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 426.
- [23] مكيال المكارم، ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 184.
- [24] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 186.
- [25] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 187.
- [26] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 189.
- [27] مكيال المكارم، ج 2 / ص
- .189
- [28] بحار الانوار، ج 52 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 217.

[29] بحار الانوار، ج 52 / 52 / 249. ﷺ

حضرت امام صادق علیه السلام و نشانه های ظهور

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

لا یرج القائم علیه السلام الا فی وتر من السنین سنه احدى او ثلاث او خمس او سبع او تسع.^[1]

قائم ما قیام نمی کند مگر در سالهای طاق: یک یا سه یا هفت یا نه.

محمد بن مسلم می گوید:

سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول ان قدام القائم علیه السلام بلوی من الله قلت و ما هو جعلت فداک فقراء «ولنبلونکم بشیی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابین».^[2]

شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمودند: پیش از قیام قائم مردم دست به گریبان یک امتحان بزرگ خواهند بود. عرض کردم آن امتحان چیست؟ حضرت آیه بالا را تلاوت فرمودند: «هر آئینه امتحان می کنیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن مال و ثروت و از بین رفتن جانها و میوه ها، و مژده بده به صبر کنندگان (به اینکه مهدی ما قیام می کند)».^[3]

ابی بصیر نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمودند:

ینادی باسم القائم علیه السلام فی ليله ثلاث و عشرين و يقوم فی يوم عاشوراء و هو اليوم الذى قتل فيه الحسين بن على علیه السلام لکانی فی يوم السبت العاشر من المحرم قائما بين الركن و المقام جبرئیل علیه السلام عن یمنه ینادی «البيعه لله» فتصیر الیه شیعتہ من اطراف الارض تطوی لهم طیا حتی یبایعوه فیملا الله به الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما. [4]

در شب بیست و سوم منادی به اسم قائم علیه السلام ندا می کند. و قیام آن حضرت در روز عاشورا است که حضرت امام حسین علیه السلام و یارانش را کشتند. گویا می بینم (قائم را) که در روز شنبه دهم محرم (عاشورا) بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السلام در طرف راست اوست و ندا می کند که «بیعت برای خدا». شیعیان امام عصر روح له الفداء (شیعیان خاص) از اطراف و اکناف عالم می آیند و زمین زیر پای آنها به سرعت در نور دیده می شود. آنگاه امام زمان دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

در ارتباط با نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء ابی بصیر از امام صادق علیه السلام به چند علامت اشاره می فرماید:

1 - ندای آسمانی در شب بیست و سوم است (ظاهرا بیست و سوم ماه مبارک رمضان).

2 - قیام در روز عاشورا است.

3 - جبرئیل در طرف راست آن حضرت می ایستد و فریاد می زند: «بیعت برای خدا»؛ یعنی بیعت با امام عصر بیعت کردن با خداست.

4 - شیعیان (افراد خاص) با طی الارض خدمتشان می رسند.

5 - زمین پراز عدل و داد می شود.

ابی بصیر، یکی از یاران برجسته امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل می کند که فرمودند:

إذا قام القائم علیه السلام هدم المسجد الحرام حتی یرده الی اساسه و حول المقام الی الموضع الذی کان فیه و قطع ایدی بنی شیبه و علفها علی باب الکعبه و کتب علیها «هو لاء سراق الکعبه». ^[5]

یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر

عبارت است از:

- 1 - مسجدالحرام را ویران می کنند و آن را به صورت اولیه بر می گردانند.
- 2 - مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را نیز به جای اولش برمی گردانند (جنب خانه کعبه).
- 3 - دست طایفه بنی شیبه را قطع می کنند و آن را بر درب کعبه می آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته می شود: «صاحبان این دستها که از بنی شیبه هستند به کعبه معظمه خیانت نمودند» (دزدهای کعبه هستند).

ارشاد مفید می گوید:

إذا قام القائم علیه السلام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها ورد کل حق الی اهله ولم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان اما سمعت الله سبحانه یقول: «وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون».

وقتی قائم آل محمد علیه السلام قیام می کند برنامه هایش در چند اصل خلاصه می شود:

1 - حکومت آن حضرت بر اساس عدل واقعی و همه جانبه است.

2 - ظلم و ستم از سرتاسر گیتی برداشته می شود.

3 - امنیت سرتاسر راهها و جاده ها را فرا می گیرد.

4 - زمین برکات خودش را در اختیار مردم می گذارد.

5 - حقوق همه مردم به آنها پس داده می شود (از غاصبان گرفته می شود).

6 - اسلام دین همه جهانیان می شود و همه مردم به ایمان اعتراف می کنند.

آیا شنیده ای که خداوند می فرماید: «آنچه در آسمانها و کرات بی شمار و در زمین است (از وجود مقدس امام عصر علیه السلام) چه بخواهند و چه نخواهند باید اطاعت کنند»؟^[6]

ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

إذا قام علیه السلام جاء بامر جدید کما دعی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بدو الاسلام الی امر جدید.^[7]

هر زمان که قائم ما علیه السلام قیام کند امر تازه ای (قانون جدیدی) می آورند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند).

خواننده عزیز!

معلوم می شود پیش از ظهور، احکام خداوند تغییر می کند؛ یعنی حلال، حرام و حرام، حلال می شود کما اینکه الان در دنیای اسلام شده است. فضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: یخرج مع القائم علیه السلام من ظهر الکوفه سبعة و عشرون رجلا خمسة عشر من قوم موسی علیه السلام الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون و سبعة من اهل الکهف و یوشع بن نون، و سلمان، و ابودجانه الانصاری، و المقداد و مالک الاشر فیکنونون بین یدیه انصارا و حکاما. [8]

در پشت کوفه (سهله) قائم ما بیرون می آید در حالی که بیست و هفت نفر مرد در خدمت او هستند: پانزده نفر از اقوام موسی که به حق گرویدند و بحق عدالت ورزیدند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس این بیست و هفت تن در خدمت امام زمان علیه السلام هستند و از یاران و فرمانروایان دولت آن بزرگوارند.

عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند: اذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم حکم بین الناس بحکم داود علیه السلام لایحتاج الی بینه یلهمه الله تعالی فیحکم

بعلمه و یخبر کل قوم بما استبطنوه و یعرف ولیه من عدوه بالتوسم. قال الله سبحانه و تعالی: «ان فی ذلك لآیات للمتوسمین و انها لبسیل مقیم».^[9]

قائم ما وقتی قیام می کند، بین مردم همانند حضرت داوود علیه السلام حکم کند. احتیاج به شاهد و دلیل ندارد، خداوند احکام واقعی را به او الهام می کند. پس، به علم واقعی حکم می کند و از هرچه که مردم در دلهای خود پنهان کرده اند، آن حضرت خبر می دهد، دوستانش را از دشمنانش جدا می کند و می شناسد با فراست و هوشمندی که خداوند در دیدگان مقدسش قرار داده است. خداوند می فرماید: «به راستی در این، نشانه هایی است برای هوشمندان، آنان که در راه راست پایدارند.»^[10]

از امام صادق علیه السلام ده صفت و نشانه برای امام بیان شده است:

العصمه و النصوص و ان یکون اعلم الناس و اتقاهم الله و اعلمهم بکتاب الله و ان یکون صاحب الوصیه الظاهره و یکون له المعجزه و الدلیل و تمام عینه و لاینام قلبه و لایکون له فی ء ویری من خلفه کما یری من بین یدیه.^[11]

1 - عصمت از گناه و خلاف اخلاق و دور از حق.

2 - نص بر امامت او از طرف خداوند و پیامبر و امام قبل از او.

3 - باید از همه مردم داناتر باشد.

4 - از نظر تقوا و پرهیزکاری باید بر همه برتری داشته باشد.

5 - به قرآن خداوند و احکام او از همه اعلم باشد (علوم و معارف بیکران قرآن در نزد او باشد).

6 - از طرف امام قبل از او به عنوان وصی از لحاظ ظاهر هم معرفی شده باشد.

7 - دارای معجزه باشد (کارهای خارج از عادت انجام دهد و در مقابل دشمن متکی به دلیل باشد).

8 - چشمش به خواب برود اما قلبش بیدار باشد.

9 - بدن مقدسش هیچگاه سایه ندارد.

10 - همان گونه که از پیش رو همه چیز را می بیند از پشت سر نیز ببیند (هیچ عاملی نمی تواند بین او و عالم هستی و موجوداتش مانع گردد).

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که:

ینادی مناد باسم القائم عليه السلام قلت خاص او عالم قال عام يسمع كل قوم
بلسانهم قلت فمن يخالف القائم عليه السلام و قد نودی باسمه قال لا يدعهم ابليس
حتى ینادی فی آخر الليل فيشكك الناس. [12].

منادی آن حضرت را به نام اصلی از آسمان صدا می کند. زراره می گوید
عرض کردم: آیا همه مردم این صدا را می شنوند یا یک دسته خاص؟ فرمودند:
همه مردم به زبان خودشان می شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با توجه به
اینکه به اسم حضرتش ندا داده شده است با ایشان مخالفت می کند؟ فرمود:
شیطان هم ندایی سر می دهد که مردم پس از شنیدن آن تردید و تزلزل پیدا می
کنند و از شر شیطان در امان نیستند و این موجب شک و تردید مردم می شود.
(آری، مکتب آزمایش است. خداوند همه ما را در این آزمایش پیروز فرماید،
آمین.)

ابن مغیره از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمودند:

الصيحه التي في شهر رمضان تكون ليله الجمعة لثلاث و عشرين مضين من
شهر رمضان. [13].

صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می شود حتما در شب جمعه، بیست و
سوم آن ماه خواهد بود.

از میمون بان نقل شده است که در خیمه اختصاصی حضرت صادق
عليه السلام در خدمت آن سرور بودیم. دامن خیمه را بالا زد و فرمود:

ان امرنا لو قد كان لكان ايمن من هذه الشمس ثم قال ينادى مناد من السماء
ان فلان بن فلان هو الامام باسمه و ينادى ابليس من الارض كما نادى برسول
الله ليله العقبه. [14] ع

امر ما (ولایت و امامت) از این آفتاب روشن تر است و منادی از آسمان قائم
ما را به نام خودش و پدرش معرفی می کند و شیطان در همان روز فریاد خود
را بلند می کند، مانند شب عقبه که صدا بلند کرد (در آن شبی که رسول الله از
جنگ تبوک مراجعت می فرمودند و از گردنه گذشتند، شیطان فریادش بلند
شد). در روز قیام جهانی حضرت صاحب الامر عليه السلام شیطان برای گمراه کردن
مردم فریادش بلند می شود.

خواننده عزیز!

از خداوند بخواهیم که همه ما را در آن روز پرخطر از پیروان صدای اول
قرار بدهد (پیروان حضرت مهدی نه ارتباع شیطان).

از امام صادق روایت شده است که فرمود:

ليس بين قيام القائم عليه السلام و بين قتل النفس الزكية الا خمس عشرة ليلة. [15]

بين قيام حضرت قائم عليه السلام و شهادت نفس زكيه [16] بیش از پانزده شب
نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا تمضی الايام و اللیالی حتی ینادی من السماء یا اهل الحق اعتزلوا یا اهل الباطل اعتزلوا فیعزل هو لاء من هؤلاء قال قلت اصلحك الله یخالط هو لاء و هو لاء بعد ذلك النداء قال کلا انه یقول فی الکتاب «ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب».^[17]

روزها و شبها تمام نمی شود تا اینکه ندا کننده ای از آسمان فریاد بزند: ای اهل حق! (صاحبان تقوا) کنار بروید، ای پیروان باطل! شما نیز از اهل حق جدا شوید. پس، این دو دسته از یکدیگر جدا می شوند. راوی می گوید عرض کردم: خداوند امر شما را اصلاح فرماید، بعد از این ندا آیا این دو دسته (حق و باطل) با یکدیگر مخلوط خواهند شد؟ فرمودند: هرگز مخلوط نشوند. مگر نه اینکه خداوند در قرآنش می فرماید: «خداوند اهل ایمان را با مشرکان و بندگان دنیا مخلوط نخواهد گذاشت. آری، پاکان حتما باید از ناپاک ها جدا بشوند»^[18]؟

حمران که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام است از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: و ذکر هو لاء عنده و سوء حال الشیعه عندهم فقال انی سرت مع ابی جعفر (المنصور) و هو فی موبه و هو علی فرس و بین یدیہ خیل و من خلفه خیل و انا علی حمار الی جانبه فقال لی یا با عبدالله قد کان ینبغی لک ان تفرح بما اعطانا الله من القوه و فتح لنا من العزه و لاتخبر الناس انک احق بهذا الامر منا و اهل بیتک فتغرینا بک و بهم قال فقلت و من رفع هذا الیک عنی فقد کذب فقال اتحلف علی ما تقول قال فقلت ان الناس سحره یعنی یجبون ان یفسدوا قلبک علی فلا تمکنهم من سمعک فانا الیک احوج منک الینا فقال لی تذکر یوم ساء لتک «هل لنا ملک» فقلت «نعم طویل عریض شدید فلا تزالون فی

مهله من امركم و فسحه من دنياكم حتى تصيبوا منا دما حراما فى شهر حرام فى بلد حرام؟» فعرفت انه حفظ الحديث فقلت لعل الله عزوجل ان يكفيك فانى لم اخصك بهذا انما هو حديث روئته ثم لعل غيرك من اهل بيتك ان يتولى ذلك فسكت عنى فلما رجعت الى منزلى اتانى بعض موالينا فقال جعلت فداك و الله لقد راءيتك فى موكب ابى جعفر و انت على حمار و هو على فرس و قد اشرف عليك يكلمك كأنك تحته فقلت بينى و بين نفسى هذا حجه الله على الخلق و صاحب هذا الامر الذى يقتدى به و هذا الاخر يعمل بالجور و يقتل اولاد الانبياء و يسفك الدماء فى الارض بما لا يحب الله و هو فى موكبه و انت على حمار فدخلنى من ذلك شك حتى خفت على دينى و نفسى قال فقلت لوراءيت من كان حولى و بين يدى و من خلفى و عن يمينى و عن شمالى من الملائكة لاحتقرته و احتقرت ما هو فيه فقال الان سكن قلبى ثم قال الى متى هو لاء يملكون؟ اومتى الراحه منهم؟ فقلت اليس تعلم ان لكل شىء مده قال بلى فقلت هل ينفعك علمك ان هذا الامر اذا جاء كان اسرع من طرفه العين انك لو تعلم ما لهم عندالله عزوجل و كيف هى كنت لهم اشد بعضا ولو جهدت و جهد اهل الارض ان يدخلهم فى اشد ما هم فيه من الاثم لم يقدروا فلا يستفزتك الشيطان فان العزه لله و لرسوله و للمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون الا تعلم ان من انتظر اءمرنا و صبر على ما يرى من الاذى و الخوف هو غدا فى زمرتنا فاذا راءيت الحق قد مات و ذهب اهله و راءيت الجور قد شمل البلاد و راءيت القرآن قد خلق و احدث فيه ما ليس فيه و وجه على الاهواء و راءيت الدين قد انكفاء كما ينكفى الاناء و راءيت اهل الباطل قد استعلوا على اهل الحق و راءيت الشر ظاهرا لاينهى عنه و يعذر اصحابه و راءيت الفسق قد ظهر و اكنفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و راءيت المؤمن صامتا لايقبل قوله و راءيت الفاسق

يكذب و لا يرد عليه كذبه و فريته و راءيت الصغير يستحق بالكبير و راءيت الارحام قد و راءيت من يمتدح بالفسق يضحك منه و لا يرد عليه قوله و راءيت الغلام يعطى ما تعطى المرئه و راءيت النساء يتزوجن النساء و راءيت الثناء قد كثر و راءيت الرجل ينفق المال فى غير طاعه الله فلا ينهى و لا يؤخذ على يديه و راءيت الناظر يتعوذ بالله مما يرى المؤمن فيه من الاجتهاد و راءيت الجار يؤذى جاره و ليس له مانع و راءيت الكافر فرحا لما يرى فى المؤمن من مرحا لما يرى فى الارض من الفساد و راءيت الخمر تشرب علانيه و يجتمع عليها من لا يخاف الله عزوجل و راءيت الامر با المعروف ذليلا و راءيت الفاسق فيما لا يحب الله قويا محمودا و راءيت اصحاب الايات يحقرون و يحتقر من يحبهم و راءيت سبيل الخير منقطعا و سبيل الشر مسلوكا و راءيت بيت الله قد عطل و يؤمر بتركه و راءيت الرجل يقول ما لا يفعله و راءيت الرجال يتسمنون للرجال و النساء للنساء و راءيت الرجل معيسته من دبره و معيشه المرأه من فرجها و راءيت النساء يتخذون المجالس كما يتخذها الرجال و راءيت التاءنيث فى ولد العباس قد ظهر و اظهروا الخضاب و امتشطوا كما تمتشط المرأه لزوجها و اعطوا الرجال الاموال على فروجههم و تنوفس فى الرجل و تغاير عليه الرجال و كان صاحب المال اعز من المؤمن و كان الربا ظاهرا لا يعير و كان الزنا تمتدح به النساء و راءيت المرأه تصانع زوجها على نكاح الرجال و راءيت اكثر الناس و خير بيت من يساعد النساء على فسقهن و راءيت المؤمن محزوننا ذليلا محتقرا و راءيت البدع و الزنا قد ظهر و راءيت الناس يعتدون بشاهد الزور و راءيت الحرام يحلل و راءيت الحلال يحرم و راءيت الدين بالراءى و عطل الكتاب و احكامه و راءيت الليل لا يستخفى به من الجراءه على الله و راءيت المؤمن لا يتطيع ان ينكر الا بقلبه و راءيت العظيم من المال ينفق فى سخط الله عزوجل و راءيت الولاه

يقربون اهل الكفر و يباعدون اهل الخير و راءيت الولاه يرتشون فى الحكم و راءيت الولايه قباله لمن زاد و راءيت ذوات الارحام ينكحن و يكتفى بهن و راءيت الرجل يقتل على (التهمه و على) الظنه و يتغاير على الرجل الذكر فيبذل له نفسه و ماله و راءيت الرجل يعير على اتيان النساء و راءيت المراءه تقهر زوجها و تعمل ما لا يشتهى و تنفق على زوجها و راءيت الرجل يكرى امراته و جاريتيه و يرضى بالذنى من الطعام و الشرب و راءيت الايمان بالله عزوجل كثيره على الزور و راءيت القمار قد ظهر و راءيت الشرب تباع ظاهرا ليس عليه مانع و راءيت النساء يبذلن انفسهن لاهل الكفر و راءيت الملاهى قد ظهرت يمر بها لايمنعها احد و لايجترى احد على منعها و راءيت الشريف يستذله الذى يخاف سلطانه و راءيت اقرب الناس من الولاه من يمتدح بشتما اهل البيت و راءيت من يحبنا يزور و لايقبل شهادته و راءيت الزور من القول ينافس فيه راءيت القرآن قد ثقل على الناس استماعه و خف على الناس استماع الباطل و راءيت الجار يكرم الجار خوفا من لسانه و راءيت الحدود قد عطلت و عمل فيها بالاهواء و راءيت المساجد قد زخرفت و راءيت اصدق الناس عند الناس المفترى الكذب و راءيت الشر قد ظهر والسى بالنميمه و راءيت البغى قد فشا و راءيت الغيبه تستملح و يبشر بها الناس بعضهم بعضا و راءيت طلب الحج و الجهاد لغير الله و راءيت السلطان يذل للكافر المؤمن و راءيت الخراب قد اديل من العمران و راءيت الرجل معيشته من بخس المكيال و الميزان و راءيت سفك الدماء يستخف بها و راءيت الرجل يطلب الرئاسه لعرض الدنيا و يشهر نفسه بخبث اللسان ليتقى و تسند اليه الامور و راءيت الصلوه قد استخف بها و راءيت الرجل عنده المال الكثير لم يزكه منذ ملكه و راءيت الميت ينشر من قبره و يؤذى و تباع اكفانه و راءيت الهرج قد كثر و راءيت الرجل يمسى نشوان و يصبح

سكران لا يهتم بما يقول الناس فيه و راءيت البهائم تنكح و راءيت البهائم تفرس بعضها بعضا و راءيت الرجل يخرج الى مصلاه و يرجع و ليس عليه شىء من ثيابه و راءيت قلوب الناس قد قست و جمدت اعينهم و ثقل الذكر عليهم و راءيت السحت قد ظهر ينافس فيه و راءيت المصلى انما يصلى ليراه الناس و راءيت الفقيه يتفقه لغير الدين يطلب الدنيا و الرئاسه و راءيت الناس مع من غلب و راءيت طالب الحلال يذم و يعير و طالب الحرام يمدح و يعظم و راءيت الحرميين من يعمل فيهما بما لا يحب الله لا يمنعهم مانع و لا يحول بينهم و بين العمل القبيح احد و راءيت المعازف ظاهره فى الحرميين و راءيت الرجل يتكلم بشىء من الحق و يامر بالمعروف و ينهى عن المنكر فيقوم اليه من ينصحه فى نفسه فيقول هذا عنك موضوع و راءيت الناس ينظر بعضهم الى بعض و يقتدون باهل الشرور و راءيت مسلك الخير و طريقه خاليا لا يسلكه احد و راءيت الميت يهزبه فلا يقزع له احد و راءيت كل عام يحدث فيه من البدعه و الشر اكثر مما كان و راءيت الخلق و المجالس لا يتابعون الا الاغنياء و راءيت المحتاج يعطى على الضحك به و يرحم لغير وجه الله و راءيت الايات فى السماء لا يفزع لها احد و راءيت الناس يتسافدون كم تسافد البهائم لا ينكر احد منكرا تخوفا من الناس راءيت الرجل ينفق الكثير فى غير طاعه الله و يمنع اليسير فى طاعه الله و راءيت العقوق قد ظهر و استخف بالوالدين و كانا من اسوء الناس حالا عند الولد و يفرح بان يفتري عليهما و راءيت النساء قد غلبن على الملك و غلبن كل امر لايؤتى الا ما لهن فيه هوى و راءيت ابن الرجل يفتري على ابيه و يدعو على والديه و يفرح بموتهما و راءيت الرجل اذا مر به يوم ولم يكسب فيه الذنب العظيم من فجور او بخس مكيال او ميزان او غشيان حرام او شرب مسكر كئيبا حزينا يحسب ان ذلك اليوم عليه وضعه من عمره و راءيت السلطان يحتكر الطعام و

راءيت اموال ذوى القربى تقسم فى الزور و يتقامر بها و يشرب بها الخمر و
راءيت الخمر يتدواى بها و توصف للمريض و يستشفى بها و راءيت الناس قد
استووا فى ترك الامر بالمعروف و النهى عن المنكر و ترك التدين به و راءيت
رياح المنافقين و اهل النفاق دائمه و رياح اهل الحق لا تحرك و راءيت الاذان
بالاجر و الصلاه بالاجر و راءيت المساجد محتشيه ممن لا يخاف الله مجتمعون
فيها للغريبه و اكل لحوم اهل الحق و يتواصفون فيها شراب المسكر و راءيت
السكران يصلى بالناس فهو لا يعقل و لا يشان بالسكر و اذا سكر اكرم و اتقى و
خيف و ترك لا يعاقب و يعذر بسكره و راءيت من اكل اموال اليتامى يحدث
بصلاحه و راءيت القضاء يقضون بخلاف ما امر الله و راءيت الولاه ياءتمنون
الخونه للطمع و راءيت الميراث قد وضعته الولاه لاهل الفسوق و الجراءه على الله
ياءخذون منهم و يخلونهم و ما يشتهون و راءيت المنابر يؤمر عليها بالتقوى و
لا يعمل القائل بما يامر و راءيت الصلاه قد استخف باوقاتها و راءيت الصدقه
بالشفاعه لا يرداها وجه الله و تعطى لطلب الناس و راءيت الناس همهم بطونهم و
فروجهم لا يبالون بما اكلوا و بما نكحوا و راءيت الدنيا مقبله عليهم و راءيت
اعلام الحق قد درست فكن على حذر و اطلبت من الله عزوجل النجاه و اعلم
الناس فى سخط الله عزوجل (و انما يمهلهم لامر يرداهم فكن مترقبا و اجتهد
ليراك الله عزوجل) فى خلاف ما هم عليه فان نزل بهم العذاب و كنت فيهم
عجلت الى رحمه الله و ان اخرت ابتلوا و كنت قد خرجت مما هم فيه عجلت الى
رحمه الله و ان اخرت ابتلوا و كنت قد خرجت مما هم فيه من الجراءه على الله
عزوجل و اعلم ان الله لا يضيع اجر المحسنين و ان رحمه الله قريب ما
المحسنين. [19]

در خدمت آن بزرگوار سخن از موفقیت بنی عباس (در امر دنیا) و گرفتاری شیعیان به میان آمد، آن حضرت فرمودند: روزی همراه منصور (خلیفه عباسی) بودم در حالی که او سوار بر اسب بود و از طرفین راست و چپ او لشکریان فراوانی در حرکت بودند و من کنار وی سوار بر الاغی حرکت می کردم. منصور در عین حالی که به شوکت خود مغرور بود به من گفت: یا ابا عبدالله! سزاوار است که شما از قدرت و عزتی که خداوند به ما داده است خوشحال باشید و به مردم نگوئید که شما اهل بیت احق و اولی هستید از ما در مورد خلافت، تا ما نسبت به شما و دوستانتان بدبین بشویم. من به منصور گفتم: آن کسی که این سخن از زبان من به شما گفته است دروغ می گوید. منصور به من گفت: آیا سوگند می خوری که این حرف را نزده ای؟ به او گفتم: مردم دوست می دارند که فساد کنند و قلب شما را از ما پر از کینه سازند؛ به آنها گوش مسپارید. نیاز ما به شما بیش از احتیاج شما به ما است.^[20] پس منصور به من گفت: به خاطر دارید یک روز از شما سؤال کردم که آیا ما (بنی عباس) به حکومت می رسیم؟ شما گفتید آری، حکومتی بس طولانی و پیوسته؛ شما همواره در وسعت از نظر دنیا و حکومت بر آن هستید تا اینکه دست شما به ریختن خون ما آن هم در ماه حرام آلوده بشود؛ در آن هنگام خداوند خشم می گیرد و سلطنت شما را نابود می کند. متوجه شدم حدیثی را که قبلا به او گفته بودم حفظ کرده است؛ لذا به او گفتم: شاید خداوند تو را از این بلا حفظ کند و من نگفتم که تو خون ما را می ریزی؛ شاید کسی از خویشانت این کار را بکند. پس ساکت شد. وقتی به منزل برگشتم یکی از دوستان ما به دیدن من آمد و گفت: قربانت گردم، دیدم همراه منصور سوار بر الاغی هستید و او سوار بر اسب است و طوری با شما صحبت می کرد که گویی برتر از شماست. پیش خودم گفتم این آقا حجت

خداوند است و صاحب این امر و این دستگاہ و حال آنکه منصور دشمن خداوند است و فرزندان انبیاء را می کشد و خون آنها را می ریزد و برخلاف رضای خداوند عمل می کند و سوار بر مرکب قدرت است و حال آنکه شما سوار بر الاغی هستید. شکی در دلم پیدا شد که چرا باید این طور باشد و ترسیدم که دینم از دستم برود. به آن دوست گفتم: اگر تو می دیدی که در طرف راست و چپ و جلوی رو و پشت سر من افواجی از ملائکه در حرکت هستند هر آینه سطوت و شوکت منصور در نظرت ناچیز می آمد.

آن مردی شیعی به من امام صادق علیه السلام گفت: اکنون دلم آرام گرفت. آنگاه گفت: یا ابن رسول الله! این حکومت باطل تا کی در دنیا خواهد بود و کی ما از دست این جباران راحت می شویم؟ به او گفتم: آیا نمی دانی که برای هر دولتی مدتی خواهد بود؟ گفت: چرا، می دانم. گفتم: آیا می دانی که این امر (حکومت ما) وقتی بخواهد بیاید زودتر از یک چشم به هم زدن خواهد آمد؟ به آن دوست گفتم: تو اگر آنچه را که خداوند بزرگ برای آنان مهیا کرده است می دانستی (کنایه از عذاب هایی که خداوند برای آنها مقرر فرموده است) تعجب نمی کردی. تو و همه مردم اگر بکوشید و تمام قدرتها را روی هم انباشته کنید نمی توانید مانند آن عذابی که خداوند برای آنها خلق فرموده است آماده کنید. مراقب باش شیطان تو را فریب ندهد، زیرا عزت مخصوص خداوند و پیامبران و ایمان آورندگان است (مقصود از مؤمنان در این عبارت، ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هستند) که البته منافقان این حقیقت را درک نمی کنند. آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما باشد (حکومت ما) و در مقابل اذیتها و ترسها صبر کند، فردا در عالم آخرت با ما نخواهد بود؟

(در اینجا امام علیه السلام نشانه های ظهور را بیان می فرماید):

هرگاه دیدی که حق و طرفداران آن از بین رفتند و دیدی که جهان پر از جور و ستم شد و دیدی که چیزهایی که در قرآن نیست به آن نسبت می دهند و چیزهایی به نام قرآن بیان می کنند که در آن نیست و بر طبق هوی و هوس خود توجیه می کنند و دیدی که دین موقعیت خود را از دست داده و دچار انقلاب شده است و دیدی که طرفداران باطل بر پیروان حق برتری یافته اند و دیدی که شر ظاهر شده است و کسی را از آن نهی نمی کنند و مجریان شر را معذور می دارند و دیدی که فسق (فساد اخلاقی) در اجتماعات رواج یافته است و دیدی که مردها به مردها اکتفا می کنند (اشاره به عمل شنیع لواط) و زنها به زنها (اشاره به مساحقه) و دیدی که افراد با ایمان خاموش نشسته اند و اگر حرف بزنند سخن آنها را رد می کنند و دیدی که دروغگو با شناختی که از او دارند در عین حال دروغش را رد نمی کنند و دیدی که افراد کوچک به بزرگترها احترام نمی گذارند و دیدی که مردم قطع رحم می کنند و با افرادی که به گناهان مباهات می ورزند با خنده برخورد می شود و حرف بد آنان را به ایشان بر نمی گردانند و دیدی که پسر بچه ها مانند زنان خود فروشی می کنند و دیدی که عده ای از زنها با زنان ازدواج می کنند و دیدی که تعریف بیجا زیاد می شود و دیدی که مرد اموال خودش را در راه غیر مشروع به مصرف می رساند (قمار، شراب، ربا و...) و کسی او را نهی نمی کند و دیدی که مردم از مشاهده کارهای اهل ایمان به خدا پناه می برند و دیدی همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و احدی او را باز نمی دارد (نگارنده سالهای این ابتلاء را داشتم) و دیدی که کفار از رنجی که اهل ایمان به خاطر شیوع فساد در زمین می برند خوشحال هستند و دیدی که علنا شرب خمر می شود و افرادی که از

خداوند نمی ترسند مجلس شراب را گرم می کنند و دیدی کسی که امر به معروف می کند (امر به کارهای خوب و مفید) در بین مردم ذلیل و طرفداران فساد اخلاق در جامعه برومند و محترم هستند و دیدی که صاحب آیات (یعنی طرفداران و خوانندگان آیات قرآن و هر کسی که آنها را دوست بدارد) کوچک شمرده می شوند و دیدی که راه خیر منقطع و مسدود و راه بدیها و شرها باز و محل رفت و آمد مردم است و دیدی که زیارت خانه کعبه معطل و متروک مانده است (به خاطر مشکلاتی که در این راه به وجود آمده است) و دیدی که افراد به آنچه می گویند عمل نمی کنند و دیدی که مردها و زنها و دواها و اغذیه ای استعمال می کنند تا برای اعمال قبیحه فربه شوند و دیدی که مردها از راه خود فروشی (لواط) و زنها از راه زنا زندگی خود را تأمین می کنند^[21] و دیدی که زنان برای خود مجلس و کنفرانس تشکیل می دهند چنانکه مردها دارای مجالس و محافل سیاسی هستند و در سیاست اجتماعی دخالت می کنند و دیدی که از فرزندان عباس افرادی خود را مانند زنان می آرایند و اموال خود را در این راه صرف می کنند برای پیاده کردن برنامه های جنسی اعم از مرد یا زن، در این دوره از زمان صاحب مال در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است و آشکارا رباخواری می شود و کسی سرزنش نمی کند و دیدی که زنان به عمل بد زنا ستوده می شوند و دیدی که زنان به شوهران خود رشوه می دهند تا بتوانند با مردان دیگر رابطه داشته باشند و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانه ها آن خانه ای است که زنان را در فسق و گناهانشان کمک کنند و دیدی که مؤمن در اجتماع خوار و ذلیل زندگی می کند و دیدی که بدعت و زنا شیوع یافته است و دیدی که مردم به وسیله شهادت ناحق به یکدیگر تعدی می کنند و دیدی که مردم فعل حرام را حلال و حلال را حرام می شمارند (تغییر احکام) و دیدی که

مردم دین را با رأی خودشان تطبیق می دهند و قرآن و احکام آن معطل مانده است و دیدی که برای انجام کارهای بد مردم انتظار شب را نمی کشند بلکه در روز انجام می دهند و دیدی که اهل ایمان در مقابل منکرات جز با قلبشان، توان انکار ندارند و دیدی که بخش عظیمی از مال صرف در غضب خدا می شود (مانند پولهای کلانی که خرج خرید اسلحه می شود و افراد مسلمان و غیر مسلمان را آتش می زنند و نابود می کنند) و دیدی که فرمانروایان به دشمنان خدا و کفار تقرب می یابند (مانند فرستادن هیأت‌های به اصطلاح حسن نیت، بستن قراردادهای مختلف، دیدارهای سیاسی از کشورهای غیر مسلمان) و دیدی که زمامداران از اهل خیر دوری می جویند و دیدی که فرمانروایان در حکم دادن رشوه می گیرند و دیدی که به دست آوردن حکومت با پول انجام می شود و دیدی که با محارم خود ازدواج می کنند و به آنها اکتفا می کنند و دیدی که به مجرد تهمت و سوءظن افراد را می کشند (بدون تحقیق و بررسی) و ناگهان هجوم می آورند و مال و جان او را تصاحب می کنند (ممکن است در راه طغیان شهوت باشد که زنان هر جایی همه چیز مردها را می برند یا به وسیله حکام جور اموال مردم مصادره می شود و جانشان هم به مخاطره می افتد) یا اینکه در راه رسیدن به پسر بچه ها برای کار زشت از مال و جان می گذرند و دیدی که مردها را به خاطر تماس و آمیزش با زنان سرزنش می کنند و دیدی که بعضی از مردها از درآمد زنان خود در ارتباط با بی بند و باری و فجور امرار معاش می کنند در حالی که می دانند زن آنها فاسد است و به این وضع تن می دهند.

و دیدی که زنان بر مردان غالب می شوند و برخلاف رضای شوهر عمل می کنند و مردشان را از نظر زندگی اداره می کنند و دیدی که بعضی از مردها زنان و کنیزان خود را در اختیار اشخاص قرار می دهند و در مقابل به مختصری از خوراکیها و آشامیدنیها قناعت می ورزند و دیدی که ایمان به خداوند بزرگ (اظهار ایمان) با زور و جبر انجام می شود (یا از طرف اولیاء یا زمامداران) و دیدی که مردم علنا قمار می کنند و دیدی که علنا شراب خرید و فروش می شود و هیچ مانعی هم بر سر راه آن نیست و دیدی که زنان مسلمان خودشان را در اختیار کفار قرار می دهند و دیدی که گناهان در اجتماع آشکار می شود و مردم آنها را می بینند و کسی هم منع نمی کند و جرات بر منع آنها در مردم نیست و دیدی که افراد با شخصیت ذلیل صاحبان قدرت می شوند و دیدی که نزدیکترین افراد به زمامداران آنها بی هستند که نسبت به ما اهل بیت بدگویی می کنند (یا به زبان و یا در عمل) و دیدی افرادی که نسبت به ما اظهار محبت می کنند مورد احترام نیستند و حرف آنها را نمی پذیرند و دیدی که مردم در گفتار خلاف حق با هم رقابت می کنند و دیدی که شنیدن آیات کریمه قرآن برای مردم سنگین اما شنیدن ساز و آواز آسان و شیرین است و دیدی که به خاطر زبان بد همسایه، همسایه دیگر او را اکرام می کند و دیدی که حدود الهی معطل مانده است و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده می کنند و دیدی که مساجد زینت داده می شود (از نظر ساختمان و رنگ آمیزی) و دیدی که راستگوترین مردم دروغگوترین افراد است (از نظر واقع) و دیدی که شر و سخن چینی در میان مردم ظاهر گشته است و دیدی که ستمگری در میان مردم شیوع یافته است و دیدی که غیبت کردن را سخنی خوشمزه و دلچسب می دانند و یکدیگر را به غیبت کردن بشارت می دهند و دیدی حج خانه خدا و جهاد را برای غیر

رضای خدا انجام می دهند و دیدی که پادشاهان به خاطر دلجویی از کفار اهل ایمان را ذلیل می کنند و دیدی که خرابی بر عمران و آبادانی فزونی یافته است (اثر شوم جنگها) و دیدی که مردم روزی خود را با کم فروشی به دست می آورند و دیدی که خونریزی در جامعه سبک شمرده می شود و دیدی که مرد به خاطر رسیدن به ریاست دنیا بدزبانی می کند و خود را به بد زبانی مشهور می سازد تا مردم از او بترسند و دیدی که مردم نماز را سبک می شمارند (هر وقت که شد یا آخر وقت می خوانند) و دیدی کسی که دارای اموال فراوان است از اول زکات آن را نداده است و دیدی که نبش قبر می کنند و کفن مردگان را می فروشند و دیدی که هرج و مرج زیاد می شود (امنیت از مردم گرفته می شود) و دیدی که مردم شبانه سر سفره شراب می نشینند و صبح مست بر می خیزند و به فکر مردم نیستند و دیدی که با حیوانات معامله جنسی انجام می دهند (با آنها آمیزش می کنند) و دیدی که حیوانات بعضی، بعضی دیگر را می درند و دیدی که مردی برای نماز می رود و در برگشتن لباس ندارد (لباس او را می برند) و دیدی که قلبهای مردم سخت شده است و اشکشان جاری نمی شود (و یاد خدا بر آنها گران می آید) و دیدی که مردم در خوردن مال حرام با یکدیگر رقابت می کنند و دیدی که نمازگزار برای خوش آیند و خودنمایی به مردم نماز می خواند و دیدی که فقیه احکام دین را برای رسیدن به دنیا می آموزد (نه خدا) و دیدی که مردم طرفدار آن کسی هستند که قدرت در دست اوست و دیدی که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می کنند و دیدی در حرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام می دهند و کسی جلوی آنها را نمی گیرد و دیدن آلات لهو و لعب را در حرمین به طور آشکار (مانند ساز و آواز، قمار و انواع گناهان دیگر) و دیدی به کسانی که حق را می گویند

و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، به عنوان نصیحت گفته می شود این موضوع به شما مربوط نیست و بهتر است دست بردارید و دیدی که مردم با هماهنگی یکدیگر به مردم بد اقتدا می کنند (یا پیروی) و دیدی که راه خیر و سعادت خالی مانده است و کسی بدان راه نمی رود و دیدی که مردگان را به مسخره می گیرند و زندگی ابدی ندارند (از خدا) و دیدی که هر سال بدعتها و فتنه های تازه به وجود می آید که بدتر از سال قبل است و دیدی که در میان مردم و در محافل عمومی تنها نسبت به اغنیا احترام می شود و دیدی که در مقابل فقیر و کمک به او مردم می خندند و برای غیر خدا به او رحم می کنند و دیدی که مردم از آیات و نشانه های آسمانی وحشت و ترسی ندارند (مانند سرخی در آسمان و ستاره دنباله دار در همین سال اخیر) و دیدی که مردم مانند بهائم سوار یکدیگر می شوند و کسی آنها را سرزنش نمی کند و دیدی که مردم در راه غیر رضای خداوند انفاق زیاد و در راه خدا انفاق کم می کنند و دیدی که فرزندان احترام پدر و مادر به جای نمی آورند و آنها را حقیر می شمارند و بدترین حالات را پدر و مادر دارند (نزد فرزندان) و از افترا زدن به پدر و مادر خوشحال می شوند (پسران و دختران) و دیدی که زنها بر کشورها و بر تمام امور غلبه می یابند (نخست وزیر می شوند، پادشاه می شوند، وکیل مجلس می شوند) و کارها بدون رضا و هوس زنان انجام نمی گیرد و دیدی که پسر به پدرش افترا می زند و به پدر و مادر نفرین می کند و انتظار مرگ آنها را می کشد و از این بابت خوشحال است (برای تقسیم ارث و غیره) و دیدی در هر روزی که بر مرد بگذرد و در آن روز مرتکب معصیتی مانند خوردن حرام و شرب مسکرات یا کم فروشی یا غش در معامله نشود، آن روز برای او روز سختی خواهد بود و دیدی که پادشاهان مواد غذایی را در اختیار خود قرار می

دهند و دیدی که خمس آل محمد (سهم امام و سهم سادات) در راه باطل تقسیم می شود و با آن میخوارگی می کنند و دیدی که شراب را وسیله درمان امراض قرار می دهند (بعضی از پزشکان گاه به بیماران خود توصیه می کنند که برای شفای پاره ای امراض از شراب استفاده کنند) و دیدی که همه مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر هماهنگی پیدا کرده اند و دیدی که پرچم نفاق و منافقان به اهتزاز در آمده است اما از حق خبری نیست و دیدی که مؤذن برای اذان و نمازگزار (نماز استیجاری) برای نماز خواندن مطالبه پول می کنند (یا نماز میت و امثال آن) و دیدی که مساجد محل اجتماع، اما بیشتر برنامه های غیبت و خوردن گوشت مردم است و در مساجد وصف شراب و شرابخوار را می کنند و دیدی که آدم مست برای مردم نماز می خواند (بیشنماز می شود) و هرگاه مشروب خورد مردم او را احترام می کنند و دیدی که اموال یتیم را می خورند ولی به صلاح و نیکی هم معروف هستند و دیدی که قضات بر خلاف آنچه خداوند فرموده است قضاوت می کنند و دیدی که زمامداران به جهت طمع، خیانتکاران را امین خویش قرار می دهند و دیدی که حکام اجتماع، میراث را به دست اهل فسق و فجور می دهند و آنها بر خدا جرأت پیدا می کنند و از این اموال می خورند و به هر نحو که بخواهند با آن عمل می کنند و دیدی که بر سر منبرها امر به تقوا می کنند اما گوینده خود به آن عمل نمی کند و دیدی که مردم نماز را در وقت خودش نمی خوانند و آن را سبک می شمارند و دیدی که زکات و صدقات دیگر را به وساطت افراد می دهند اما برای خدا نیست و قصد تقرب به خداوند را ندارند و دیدی که هم و هدف مردم پر کردن شکم و ارضای غرایز جنسی است و از هر راهی باشد مانعی ندارد و دیدی که دنیا رو به آنها آورده و دیدی که نشانه های حق و درستی کهنه شده است، ای

حمران! پس بر حذر باش و از پیشگاه خداوند بزرگ تقاضای رهایی کن و بدان که مردم گرفتار خشم خداوند هستند و به آنها مهلت داده شده در مقابل اوامری که به آنها شده است. پس، مواظب خویشتن باش و کوشش کن تا خداوند تو را برخلاف آنها ببیند و اگر در میان آنها باشی و عذاب خداوند نازل شود همانا به سوی رحمت و اسعه الهی شتافته ای و اگر از آنها جدا شدی آنها گرفتار هستند و تو از جرأت بر خداوند در امان مانده ای. و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را می دهد و همانا رحمت خداوند نزدیک به نیکوکاران است. مفضل بن عمر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام ، از محل و کیفیت ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نشانه های آن سؤال کرد، می گوید: یا سیدی فمن این یظهر و کیف یظهر قال یا مفضل یظهر وحده و یاءتی البیت وحده و یلج الکعبه وحده و یجن علیه اللیل وحده فاذا نامت العیون و غسق اللیل نزل الیه جبرئیل و میکائیل علیهما السلام و الملائکه صفوفاً فیقول له جبرئیل یا سیدی قولک مقبول و امرک جائز فیمسح علیه السلام یده علی وجهه و یقول «الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنه حیث نشاء فنعم اجر العاملین».

و یقف بین الرکن و المقام فیصرخ صرخه فیقول یا معشر نقبائی و اهل خاصتی و من ذخرهم الله لنصرتی قبل ظهوری علی وجه الارض ائتونی طائعین فترد صیحته علیه السلام علیهم و هم علی محاریبهم و علی فرشهم فی شرق الارض و غربها فیسمعونه فی صیحه واحده فی اذن کل رجل فیجیئون نحوها و لایمضی لهم الا کلمحه بصر حتی یکون کلهم بین یدیه علیه السلام بین الرکن و المقام فیاءمر الله عزوجل النور فیصیر عموداً من الارض الی السماء فیستضی به کل مؤمن علی وجه الارض و یدخل علیه نور من جوف بیته فتفرح نفوس المؤمنین بذالک النور

و هم لایعلمون بظهور قائمنا اهل البیت علیه و علیهم السلام ثم یصبحون وقوفا
بین یدیه و هم ثلثمائه و ثلاثه عشر رجلا بعده اصحاب رسول الله ﷺ یوم بدر.
[22]

ای مولای عزیزم! محل ظهور مهدی شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟
فرمودند: به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به
تنهایی دست به دامن کعبه می زند، شب را به تنهایی در کنار بیت بسر می برد.
چون مردم به خواب روند و شب فرا رسد جبرئیل و میکائیل و صفوف
فرشتگان بر او وارد شوند. جبرئیل به آن حضرت عرض می کند که ای آقای
من! گفتارت مقبول و فرمانت مطاع است. پس، آن حضرت دست بر چهره اش
کشیده، می فرماید: «ستایش خداوندی را که وعده لطف و رحمتش را بر ما
محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن که
بخواهیم، منزل کنیم، زیرا آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود».^[23]

آنگاه امام بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای یاران مخصوص من
و ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی زمین ذخیره
کرده است! با حالت اطاعت نزد من حاضر شوید. صیحه و فریاد امام در شرق و
غرب به گوش آنها می رسد و آن صدای ملکوتی را می شنوند و به طرف امام
حرکت می کنند و در چشم به هم زدنی بین رکن و مقام نزد امام حاضر می
گردند. در این حال، خداوند متعال به نور امر می کند که به صورت عمودی از
زمین تا آسمان بر آید و تمام ساکنان روی زمین را از پرتو خود روشن سازد.
مؤمنان را این نور به شادی و سرور وا می دارد، زیرا از قیام قائم ما اهل بیت
خبر ندارند، اما چون صبح شود آنها در محضر مقدس و در فرمان امام ﷺ

قرار می گیرند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر به عدد اصحاب پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز جنگ بدر است.

عمر بن حنظله از امام ششم عَلَيْهِ السَّلَام روایت می کند که فرمودند:

خمس قبل قيام القائم من العلامات الصيحه و السفیانی و الخسف بالبيداء و خروج اليمانی و قتل النفس الزكية. [24].

پیش از ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام پنج نشانه تحقق پیدا می کند:

1 - صیحه آسمانی

2 - خروج سفیانی

3 - فرورفتگی در بیداء (زمینی است نزدیک مکه منوره)

4 - خروج یمانی

5 - کشته شدن نفس زکیه

فضل بن شاذان از ابی بصیر نموده است که او گفت:

قال ابو عبدالله عليه السلام ان القائم صلوات الله

عليه ينادى اسمه ليله ثلاث و عشرين و يقوم يوم عاشورا يوم قتل فيه الحسين بن علي عليه السلام . [25]

حضرت صادق عليه السلام فرمودند که قائم آل محمد صلوات الله عليه در شب بیست و سوم ماه رمضان با ندای آسمانی معرفی می شود و روز عاشورا قیام می کند و آن روزی است که امام حسین عليه السلام را شهید کردند.

يعقوب سراج به امام صادق عليه السلام عرض می کند:

متی فرج شیعتکم؟ فقال: اذا اختلف ولد العباس و وهی سلطانهم و طمع فيهم من لم یکن یطمع و خلعت العرب اعنتها و رفع کل ذی صیصیه صیصيته و ظهر السفیانی و اقبل الیمانی و تحرك الحسنى خرج صاحب هذا الامر من المدینه الی مکه بتراث رسول الله صلی الله علیه و آله قلت و ما تراث رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فقال سیفه و درعه و عمامته و برده و رایته و قضیبه و فرسه و لامته و سرجه. [26]

عرض کردم: یا ابن رسول الله! فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمودند: وقتی که اولاد عباس در حکومت با هم اختلاف پیدا نمایند و افرادی طمع ریاست را پیدا کنند که نباید بکنند (شایستگی اجتماعی نداشتن) و عرب کیان خود را از دست بدهد، سفیانی خروج می کند و یمانی قیام می نماید و حسنی (منظور جناب سید حسنی است از خراسان) حرکت می کند. در این هنگام، صاحب این امر (امر ولایت) از مدینه به سمت مکه معظمه حرکت می کند در حالی که «تراث» رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه دارد. می گوید عرض کردم: «تراث» چیست؟ فرمودند:

شمشیر، زره و عمامه رسول اکرم ﷺ و برد آن حضرت و پرچم او و عصای آن سرور و اسب سواری با آلات جنگی و همه وسایل نبرد که جدش خاتم الانبیاء ﷺ داشتند، امام عصر ارواحنا له الفداء همه این موارد را همراه دارد.

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام خبر می دهد که آن حضرت فرمودند:

علامه خروج المهدی کسوف الشمس فی شهر رمضان فی ثلاث عشره و اربع عشره منه. [27].

نشانه ظهور مهدی علیه السلام کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.

زراره از امام صادق علیه السلام درباره حق بودن صیحه آسمانی می پرسد، آن حضرت می فرماید:

ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم. [28].

آری، به خدا سوگند حق است و تمام مردم به زبان مخصوص خودشان این صدا را می شنوند.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام حدیث می کند که فرمودند:

ما یکون هذا الامر حتی لا یبقی صنف من الناس الا وقد ولوا علی الناس حتی لا یقول قائل «انا لو ولینا لعدلنا» ثم یقوم القائم با الحق و العدل. [29].

امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد مگر اینکه تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می شد عدالت و حق را اجرا می کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت آنگاه مهدی ما ظاهر می شود و حق و عدالت را اجرا می کند.

موضوع امتحان و آزمایش شدن همه طبقات یکی از مقدمات و نشانه های قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء است. لذا امام صادق علیه السلام در این روایت به منصور می فرماید:

قال ابو عبدالله علیه السلام یا منصور ان هذا الامر لایاء تیکم الا بعد (ا) یاءس لا والله لا یاء تیکم حتی تمیزوا لا والله لایاء تیکم حتی تمحصوا ولا والله لایاء تیکم حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد.^[30]

امر ولایت و حکومت ما آل محمد محقق نخواهد شد مگر بعد از اینکه آزمایشهایی به عمل آید:

1 - به خدا سوگند، مهدی ما قیام نمی کند مگر بعد از مایوس شدن همه از وجود مقدسش (آری، می گویند اگر بود، می آمد؛ پس چرا اینقدر طول کشیده است؟).

2 - 0 نه به خدا سوگند نمی آید مگر اینکه افراد از یکدیگر امتیاز پیدا کنند (خوبان از بدان مشخص شوند).

3 - نه به خدا سوگند، قائم ما ظاهر نمی شود تا اینکه همه شناخته بشوند
(از نظر دینی و ولایت).

4 - نه به خدا سوگند، آنگاه موعود اسلام ظهور می کند که افرادی که باید
سعادت‌مند بشوند، به اختیار خودشان راه سعادت را برگزینند و آنهایی که دارای
خبث باطن و سوء سریره هستند به اختیار خودشان راه شقاوت را در پیش
گیرند. آری، همه مردم باید قبل از حکومت جهانی سرور عالم حضرت مهدی
ارواحنا له الفداء امتحان بشوند. سعادت‌مند آن افرادی هستند که در این آزمایش
با معدلی خوب قبول می شوند.

از حضرت صادق علیه السلام حدیث کرده اند که آن امام عزیز فرمودند:

ان لله مائده بقرقيسا يطلع مطلع من السماء فينادى يا طير السماء و يا سباع
الارض هلموا الى الشبع من لحوم الجبائين. ^[31]

از سوی خداوند متعال سفره ای گسترده می شود، گوینده ای از آسمان فریاد
میزند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان روی زمین! بیایید و شکم را از گوشت
ستمگران و جباران عالم سیر کنید.

خواننده عزیز!

این بیان کنایه است از اینکه دیگر عمر ستمگران خاتمه یافته و امنیت و رفاه در زندگی برای همه موجودات آماده است.

امام صادق علیه السلام درباره آینده عرب چنین اعلام فرموده اند:

ویل لطفاه العرب من شر قد اقترب قلت کم مع القائم من العرب قال شیء یسیر و عن غیبه النعمانی انه لا یرج مع القائم من العرب احد. [32].

وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک شده است. راوی می گوید عرض کردم: از اصحاب حضرت قائم چند نفر عرب هستند؟ فرمودند: ناچیز (بسیار کم). اما «غیبت نعمانی» می گوید از عرب در خدمت حضرت قائم کسی نیست.

(منظور اصحاب خاص هستند).

بنابر نقل «الزام الناصب»، امام صادق علیه السلام در باب علائم قبل از ظهور امام عصر روحی له الفداء چنین فرمودند:

لا یرج القائم عجل الله فرجه من مکه حتی یكون مثل الحلقه قلت و کم الحلقه قال عشره آلاف جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره ثم یهز الرایه المغلبه و یسیر بها فلا یبقی احد فی المشرق و لا فی المغرب الا بلغها و هی رایه رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بها جبرئیل یوم بدر ثم لفها و دفعها الی علی علیه السلام حتی اذا کان یوم البصره فنشرها امیر المؤمنین علیه السلام ففتح الله علیه ثم لفها فهی عندنا لا ینشرها احد حتی یقوم القائم فاذا هو قام فنشرها لم یبق بین المشرق و المغرب

الا بلغها و يسير الرعب قدامها شهرا و عن يمينها شهرا و عن يسارها شهرا ثم قال يا محمد (ﷺ) انه يخرج موتورا غضبان اسفا لغضب الله على هذا الخلق عليه قميص رسول الله الذي كان عليه يوم احد و عمامه السحاب و درع رسول الله السابغه و سيف رسول الله ذوالفقار يجرده السيف على عاتقه ثمانيه اشهر هرجا فيبدا بينى شبيهه فيقطع ايديهم و يعلقها فى الكعبه و ينادى مناديه هو لاء سراق الله ثم يتناول المفقودين عن فرشهم و هو قول الله عزوجل «اينما تكونوا ياءت بكم الله جميعا».[33].

مهدى ما عجل الله تعالى فرجه از مکه خارج نمی شود تا اینکه دارای حلقه باشد. راوی می گوید عرض کردم: میزان حلقه چیست؟ فرمودند: یک سپاه ده هزار نفری در حالی که جبرئیل عليه السلام در طرف راست و میکائیل در طرف چپ آن حضرت در حرکت اند و پرچم رسول اکرم ﷺ را به اهتزاز در می آورند و تمام مردم مشرق و مغرب از خبر قیام و به اهتزاز در آمدن آن آگاه می شوند و این پرچم مخصوص رسول اکرم ﷺ است که در روز بدر جبرئیل آن را از آسمان آورد. آنگاه رسول خدا ﷺ آن پرچم را پیچید و به علی عليه السلام داد تا اینکه جنگ بصره پیش آمد و حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام پرچم را به اهتزاز درآورد و خداوند آن پیروزی درخشان را نصیبش فرمود و بعد از فتح بصره حضرت امام امیرالمؤمنین عليه السلام آن پرچم را پیچیدند و الان در نزد ماست. و هیچ کس آن پرچم را نمی گشاید و به دست نمی گیرد مگر اینکه قائم ما قیام کند و آن را به اهتزاز درآورد و این پرچم و خبر برافراشته شدنش به شرق و غرب عالم می رسد و جهان را در سیطره خود قرار می دهد و از آن طرف در پیشاپیش آن به اندازه یک ماه مسافت و نیز از طرف راست و چپ آن موجی از

خوف و ترس راه می افتد (البته دل‌های مردم را پر می کند) و قلبها را مسخر می نماید. او ناراحت و غضبناک ظاهر می شود و برای این مردم که گرفتار غضب خداوند شده اند متأسف است، در حالی که پیراهن رسول اکرم ﷺ در جنگ احد و نیز عمامه مخصوص و زره آن حضرت را پوشیده و شمشیر جدش (ذوالفقار) را به دست گرفته است و این شمشیر را از غلاف بیرون می کشد و هشت ماه آن را به زمین نمی گذارد. ابتدا بنی شیبیه را از بین می برد و دستهای آنها را قطع می کند و به دیوار کعبه می آویزد و از طرف حضرت بقیه الله روحی له الفداء منادی ندا می کند که اینها دزدان دین خدا و حرم خدا هستند. سپس سبید و سیزده تن یاران مخصوص شرفیاب می شوند که خداوند درباره شان فرموده است: «همه شما را خداوند خواهد آورد».^[34]

امام صادق عليه السلام درباره جهانگیری حضرت ولی عصر و یاران عزیزش برنامه جالبی در این حدیث فرموده اند که شرح آن را به نظر خوانندگان عزیز می رسانیم تا مشکل بی اساس به نظر بعضی ها در ارتباط با اینکه چگونه حکومت واحد جهانی به وجود می آید، حل بشود. امام صادق عليه السلام در این حدیث می فرماید:

إذا قام القائم عجل الله تعالى فرجه بعث في اقاليم الارض في كل اقليم رجلا يقول عهدك في كفك فاذا ورد عليك ما لاتفهمه و لاتعرف القضاء فيه فانظر الى كفك و اعمل بما فيها قال و يبعث جندا الى القسطنطينيه فاذا بلغوا الى الخليج كتبوا على اقدامهم شيئا و مشوا على الماء فاذا نظر اليهم الروم يمشون على الماء قالوا هو لاء اصحابه يمشون على الماء فكيف هو فعند ذلك يفتحون لهم ابواب المدينه فيدخلونها فيحكمون فيها ما يريدون.^[35]

وقتی قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام کند و جهان را مسخر اراده و حکومت خود قرار دهد، در هر قسمتی و قاره ای از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می فرماید و فرمان کارش را به این مضمون صادر می کند: برنامه قضایی تو در کف دست تو است. پس، هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی دانی به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف دستت دیدی همان تکلیف تو است و به آن عمل کن. امام صادق علیه السلام می فرماید: آنگاه حضرت قائم لشکری به قسطنطنیه می فرستد و وقتی که به دریا رسیدند عبارتی به کف پاهای خود می نویسند و روی آب راه می روند. مردم می گویند: اینها که اصحاب حضرت قائم هستند و روی آب راه می روند پس خود آن حضرت چه خواهد کرد. در این موقع چون شکست خود را قطعی می بینند دروازه های شهر را به روی آنها می گشایند. پس، آنها فرمانروایی را به دست می گیرند و هر فرمانی بخواهند صادر می کنند (این است معنی ولایت تکوینی و تشریحی).

از امام صادق علیه السلام در رابطه به صیحه آسمانی حدیث می کنند که فرمودند: انه قال العام الذی فیہ الصیحه قبله الایه فی رجب قلت و ما هی قال وجه یطلع فی القمر و ید بارزه. ^[36]

پیش از آن سالی که ندای آسمانی بلند می شود در ماه مبارک رجب نشانه دیگری باید دیده شود. عرض کردم: آن چیست؟ فرمودند: صورتی در ماه پیدا می شود و دستی ظاهر می گردد که همه آن را می بینند.

امام صادق علیه السلام در مقام بیان موارث انبیاء این طور فرموده اند:

الواح موسی عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثه النبیین.^[37]
الواحي که خداوند به حضرت موسی علیه السلام نازل فرموده نزد ماست (وظایف و تکالیف آسمانی از طرف خداوند) و نیز عصای حضرت موسی علیه السلام که به وسیله دشمنان خداوند را به خاک مذلت می انداخت در نزد ما آل محمد است. بنابراین، ما خاندان رسالت وارث همه پیامبران هستیم.

خواننده عزیز!

اکنون آن الواح و عصای حضرت موسی علیه السلام به دست وجود مقدسش حضرت بقیه الله روحی له الفداء است اللهم عجل فرجه

امام صادق علیه السلام درباره ساعت اول تشریف حضرت بقیه الله روحی له الفداء به مسجد الحرام می فرماید:

و الله لكاءني انظر اليه دخل مكة و عليه برده رسول الله و على راءسه عمامه صفراء و في رجله نعل رسول الله المخصوفه و في يده هراوته يسوق بين يديه اعنزا عجافا حتى يصل بها نحو البيت ليس ثم احد يعرفه. و يصبح الناس في مكة فيقولون من هذا الرجل الذي بجانب الكعبه و ما هذا الخلق الذي معه هذه الاياه التي راءيناها اليه ولم نر مثلها؟ فيقول بعضهم لبعض هذا صاحب العنيزات.^[38]

به خدا سوگند، گویی با این چشم او را می بینم که داخل مکه شده است، در حالی که برد رسول اکرم ﷺ را به تن کرده و عمامه زرد بر سر دارد و نعلین مخصوص رسول الله ﷺ را به پا کرده و نیزه آن حضرت را در دست دارد. در جلوی او تعدادی بزهای لاغر در حرکت اند و آنها را به سوی کعبه سوق می دهد در حالی که کسی آن حضرت را نمی شناسد. مردم مکه صبحگاهان که برمی خیزند به یکدیگر می گویند: این مردی که در اطراف کعبه است، کیست؟ این افرادی که اطراف او را گرفته اند چه کسانی هستند؟ نشانه هایی ملاحظه کردیم که نظیرش را ندیده بودیم. اینها چیست و از کجاست؟ بعضی مردم به بعضی دیگر می گویند: این آقا صاحب بزهاست که دیروز وارد مکه معظمه شد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بخ بخ للطالقان.^[39]

آفرین بر طالقان.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إذا قام القائم عجل الله تعالى فرجه نزلت سيوف القتال على كل سيف اسم
الرجل و اسم ابيه.^[40]

زمانی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه قیام می کند شمشیرهایی از آسمان فرود می آیند که خصوصیاتشان این است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آنها نوشته شده است.

امام صادق علیه السلام

در کیفیت آمدن سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت مهدی روحی لتراب مقدمه الفداء چنین می فرمایند:

سیاءنی الله بثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا فی مسجدکم هذا یعلم اهل مکه انهم لم یولدوا من آبائهم ولا اجدادهم علیهم سیوف مکتوب علی کل سیف اسم الرجل و اسم ابیه و نسبه. [41]

خداوند سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در همین مسجد شما (مسجدالحرام) جمع می کند و مردم مکه با دیدنشان می دانند که ایشان از اهل مکه و از آباء و اجداد آنها نیستند. شمشیرهایی به دست دارند که روی لبه آنها اسامی صاحبانشان و نام پدرشان و نسب آنها نوشته شده است.

در این فرمان کوتاه امام صادق علیه السلام شیعیان را برای شرکت در قیام جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام مکلف فرموده اند که در خود آمادگی رزمی ایجاد کنند اگر چه تهیه یک تیر باشد و می فرمایند: وقتی که خداوند این آمادگی را در شما ببیند امیدوارم به شما مهلتی مرحمت کند و ظهور آن سرور را درک نمایید:

ليعد احدكم لخروج القائم عليه السلام ولو سهما فان علم الله ذلك من نيته رجوت
لان ينساء في عمره حتى يدركه و يكون من اعوانه و انصاره. [42]

درباره قدرت سپاهیان حضرت بقیه الله روحی له الفداء امام ششم عليه السلام می
فرماید:

يخرج بجيش لو استقبل به الجبال لهدمها و اتخذ فيها طريقا. [43].
لشکریان آن حضرت اگر با کوه روبرو شوند کوهها را درهم می کوبند و دل
آنها را شکافته، مسیر خود قرار می دهند.

آری، با نیروی مادی و معنوی، ایجاد تونلها می کنند و بدون گذشت زمان و
صرف وقت زیاد به هدفهای خود می رسند.

امام صادق عليه السلام درباره آثار شکوهمند قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء
چنین می فرماید:

يعز الله به الاسلام بعد ذله و يحييه بعد موته و يضع الجزيه و يدعو الى الله
بالسيف فمن ابى قتل و من نازعه خذل يظهر من الدين ما هو عليه الدين في
نفسه ما لو كان رسول الله صلى الله عليه وآله يحكم به يرفع المذاهب من الارض فلا يبقى الا
الدين الخالص. [44].

1 - عزت واقعی اسلام را بعد از ذلتش به آن برمی گرداند.

2 - احکام و قوانین مرده اسلام را (از نظر ظاهر) حیات می بخشد.

3 - جزیه از کفار برداشته می شود.

4 - با شمشیر قیام می کند و مردم را به سوی خداوند می خواند و هرکس اجابت نکرد کشته می شود و هرکس با آن حضرت نبرد کند منکوب می شود.

5 - در قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام قیافه واقعی اسلام که بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زیر پرده ها پنهان مانده است، بطوریکه در زمان حیات آن حضرت بود، آشکار می گردد.

6 - تمام مذاهب از سرتاسر جهان برچیده می شود.

7 - تنها دین جهانی همه مردم دین مقدس اسلام، آن هم بر اساس رهبری اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین، خواهد بود.

امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی برخورد امام عصر روحی له الفداء با مردم اعم از عرب و عجم و... چنین می فرماید:

إذا خرج القائم لم یکن بینہ و بین العرب و الفرس الا السیف لا یاءخذها الا بالسیف و لا یعطیها الا السیف.^[45]

قیام قائم ما بر اساس قدرت است و چون بنابر اصلاح جهان است دیگر مدارا کردن در این دولت وجود ندارد: با عرب و فارس و غیره با شمشیر برخورد می کند، با شمشیر می گیرد و آنچه بخواهد عطا کند نیز با شمشیر است (کنایه از اینکه تمام برنامه و برخوردها بر پایه قدرت است).

حضرت امام ششم علیه السلام در این روایت تفاوت میان برخورد مردم زمان جاهلیت با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برخورد مردم زمان ظهور را با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیان فرموده اند و شایسته است خوانندگان عزیز خوب دقت کنند تا ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام را بیشتر درک کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

ان قائمنا اذا قام استقبال من جهله الناس اشد مما استقباله رسول الله صلی الله علیه و آله من الجاهلیه فقيل له كيف ذلك فقال ان رسول الله اتى الناس و هم يعبدون الحجاره والصخور والعيدان و الخشب المنحوته و ان قائمنا اذا قام اتى الناس و كلهم يتاءولون عليه كتاب الله و يحتج عليه به و يقاتله عليه اما و الله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر و القر. [46]

هنگامی که قائم ما قیام کند آنچه از مردم نادان می بیند به مراتب بیش از آن چیزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم دوران جاهلیت دیدند. گفته شد: چگونه است آن؟ پس فرمودند: وقتی که جدم خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد مردم انواع بتهای سنگی و چوبی را پرستش می کردند (اینها کمتر نیاز به دلیل بر اثبات بطلان بت پرستی داشتند)؛ اما حضرت صاحب الامر آنگاه

که قیام می کند همه مردم با تمسک به قرآن و تأویل کتاب خداوند (به نفع خودشان) با آن حضرت به مقابله می پردازند. قسم به خداوند که عدالت مهدی ما در تمام خانه های آنها وارد می شود چنانچه سرما و گرما داخل می شود (قدرت نفوذ معنوی ولایت را بیان می کند).

امام صادق علیه السلام درباره آزمایشی که روزهای اول ظهور برای یاران مخصوص امام عصر علیه السلام (سیصد و سیزده تن) پیش می آید چنین فرموده اند: کانی انظر الی القائم علیه السلام علی منبر الکوفه و حوله اصحابه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا عده اهل بدر و هم اصحاب الاولیة و هم حکام الله فی ارضه علی خلقه حتی یتخرج من قبائه کتابا مختوما بخاتم من ذهب عهد معهود من رسول الله صلی الله علیه و آله فیجفلون عنه اجفال الغنم البکم فلا یبقی منهم الا الوزير و احد عشر نقیبا کما بقوامع موسی بن عمران فیجولون فی الارض و لایجدون عنه مذهبا فیرجعون الیه و الله انی لاعرف الکلام الذی یقوله لهم فیکفرون به. [47]

گویی می بینم قائم ما علیه السلام در کوفه بالای منبر نشسته و اصحاب مخصوص که سیصد و سیزده تن هستند، به عدد اصحاب بدر، در خدمت حضور دارند. ناگهان امام زمان علیه السلام نامه ای با مهر طلایی از جیب قبای خود بیرون می آورد که البته عهدنامه ای است از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن حضرت. چون مفاد عهدنامه را برای آنها می خوانند مانند گله گوسفند گرسنه همه، بجز وزیر و یازده تن از نقبا به عدد نقبای بنی اسرائیل، بقیه همه آن سرور را رها کرده، در سرتاسر کره زمین سیر می کنند و چون مرجع و پناهی غیر از او نمی بینند دوباره برمی گردند. امام صادق علیه السلام می فرماید: ای مفضل! به خدا سوگند، من می دانم که حضرت قائم علیه السلام چه می فرماید که سبب فرار کردن آنها می شود.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام درباره پیراهن یوسف علیه السلام اینچنین می فرماید:

سمعتہ یقول اءتدری ما کان قمیص یوسف علیه السلام ؟ قلت: لا. قال ان ابراهیم علیه السلام لما اوقدت له النار اتاه جبرئیل بثوب من ثياب الجنة فالبسه اياه فلم یضره معها حر و لا برد فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علقه علی اسحق و علقه اسحق علی یعقوب فلما ولد یوسف علیه السلام علقه علیه و کان فی عضده حتی کان من امره ما کان فلما اخرجہ یوسف علیه السلام بمصر من التمیمه وجد یعقوب علیه السلام ریحہ و هو قوله تعالی حکایه عنه «انی لاجد ریح یوسف لولا ان تفندون» فهو ذلك القمیص الذی انزل من الجنة قلت جعلت فداک فالی من صار هذا القمیص؟ قال الی اهلہ و هو مع قائمنا اذا خرج ثم قال کل نبی ورث علما او غیره فقد انتهى الی محمد صلی الله علیه و آله. [48].

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: می دانی پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ عرض کردم: نه. فرمودند: چون برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام آتش افروختند و خواستند آن حضرت را در

آتش بیندازند، جبرئیل علیه السلام برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که جلوی حرارت آتش و همچنین سردی هوا را می گرفت؛ لذا آتش حضرت ابراهیم علیه السلام را نسوزانید. چون زمان وفاتش رسید آن را در یک جلد قرار داد و به بازو (یا گردن) اسحاق آویزان کرد و جناب اسحاق آن را به یعقوب داد و یعقوب این بازوبند را یا در هنگام ولادت یوسف علیه السلام و یا وقت رفتن همراه

برادرانش به صحرا به بازوی او بست. یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ بعد از آن سرگذشت بزرگ آن را از جلدش در مصر بیرون آورد. آنوقت یعقوب پیامبر در کنعان به فرزندانش گفت بوی یوسف را می شنوم اگر مرا متهم قرار ندهید (خرافات پیری یا غیر آن). و این است معنی آیه «اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می شنوم»^[49] و این همان پیراهن است که جبرئیل از بهشت آورد. مفضل می گوید عرض کردم: آن پیراهن کجاست؟ فرمودند: در نزد اهلس و آن با مهدی ما است، وقتی که قیام کند. و بدان هر پیامبری که علم یا چیز دیگری داشته است همه آنها به جدم حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داده شده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره چگونگی قدرت حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء توضیح می فرمایند که باید کور دلان توجه کنند تا بدانند چگونه حکومت واحد جهانی را بر اساس عدل و داد اجتماعی تشکیل می دهد و همه حکومتها و رژیمهای خون آشام را از بین می برد و پرچم مقدس قرآن و مکتب اهل بیت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در می آورد. و اینک روایت و ترجمه اش:

انه اذا تناهت الامور الى صاحب هذا الامر رفع الله تبارك و تعالی كل منخفض من الارض و خفض له كل مرتفع منها حتى يكون الدنيا عنده بمنزله راحتة فايكم لو كانت في راحتة شعره لم يبصرها.^[50]

هرگاه قائم ما قیام کند خداوند بزرگ تمام پستیها و بلندیهای زمین را برای او یکسان می کند تا همه چیز را ببیند و دنیا برای او درست مانند کف دستی می شود. آیا اگر یکی از شما مویی در کف دستش باشد می شود که آن را نبیند؟

این است معنای قدرت بی نهایت و این است جلوه گاه حکومت واحد جهانی
آن سرور بر اساس عدالت.

امام صادق علیه السلام درباره برخورد بعضی از علما و پیروان آنها با امام عصر
روحی له الفداء چنین می فرماید:

اعدوا مقلده الفقهاء اهل الاجتهاد لما يرونه يحكم بخلاف ما ذهب اليه ائمتهم
ولولا ان السيف بيده لافتي الفقهاء بقلته ولكن الله يظهره بالسيف والكرم فيطيعونه
و يخافون فيقبلون حكمه من غير ايمان بل يضمرون خلافه اذا خرج فليس له
عدوميين الا الفقهاء خاصه هو والسيف اخوان.^[51]

دشمنان روزهای اول قیام حضرت مهدی علیه السلام مقلدان و پیروان فقها هستند؛
چون می بینند احکامی که از طرف آن حضرت صادر می شود برخلاف فتوای
پیشوایان آنهاست. نه تنها مقلدان فقها دشمن امام عصر هستند بلکه خود فقها هم
اگر آن حضرت قیام به شمشیر نکرده بودند و قدرت در دستشان نبود هر آینه
فتوای کشتن آن سرور را صادر می کردند، اما چون آن حضرت با شمشیر برنده
و دست بخشنده ظهور می کند، از روی ترس و به طمع مقام اظهار ایمان و
پیروی از او می کنند و خلاف آن را در دل پنهان می دارند. هنگامی که خروج
کند دشمن آشکاری بجز فقها ندارد. امام و شمشیر برادر هستند (کنایه از اینکه
در همه جا و با همه کس از موضع قدرت سخن می گوید).

امام ششم علیه السلام در هنگام ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء به مردم
هشدار می دهند:

يخرج على فتره من الدين و من ابى قتل و من نازعه خذل يظهر من الدين ما هو الدين عليه فى نفسه ما لو كان رسول الله يحكم به. اعداؤه الفقهاء المقلدون يدخلون تحت حكمه خوفا من سيفه و سطوته و رغبه فيما لديه يبايعه العارفون بالله تعالى من اهل الحقائق عن شهود و كشف بتعريف الهى. [52].

مهدى ما در زمان فترت دين قيام مى كند (زمان فترت دين به از اول غيبت صغرى تا ساعت آخر غيبت كبرى آن حضرت گفته مى شود؛ يعنى در اين مدت دست مردم به رهبر واقعى آسمانى نمى رسیده است). هر كس دعوت و امر آن حضرت را نپذيرد حتما كشته مى شود و كسى كه سر ستيز و مبارزه داشته باشد مخدول و منكوب خواهد شد. او چهره واقعى دين را ظاهر مى كند كه اگر رسول اكرم ﷺ بود همان سيما را به عنوان دين به مردم نشان مى داد. دشمنان او در آن زمان فقهاى هستند كه مقلدانى دارند كه از ترس شمشير و براى رسيدن به مقام و جاه به آن حضرت اظهار ايمان مى كنند. مردان حق و تربيت شدگان آغوش مقدس توحيد كه تا اندازه اى پرده از جلوى چشمشان بالا رفته است با حضرت بقيه الله روحى له الفداء بيعت مى كنند.

خواننده عزيز!

ممکن است این تظاهر به ايمان به حضرت مهدى روحى له الفداء مربوط به روزهاى اول باشد، چون امام دوازدهم باطن افراد را مى بيند و بر حسب واقع با مردم برخورد مى كند.

امام صادق علیه السلام درباره برنامه های ابتدایی قیام حضرت قائم روحی له
الفداء می فرماید:

انه اول قائم منا اهل البيت یحدثکم بحدیث لا تحتملونه فتخرجون علیه
برمیله الدسکر فتقاتلونه فیقتلکم و هی آخر خارجه تکون. [53].
امام مهدی علیه السلام اولین قائم ما خاندان رسالت است که قیام می کند و به شما
سخنی می گوید که تاب تحمل شنیدن آن را ندارید. از این جهت، در مقابل او
در تپه های دسکره خروج می کنید و با او می جنگید و او شما را طعمه شمشیر
خود می سازد. و این آخرین جمعیتی است که در مقابل حضرت می
جنگد. دسکره در لغت به معنای قریه بزرگ و دهکده آمده، شاید این حدیث اسم
مکانی در عراق باشد).

امام ششم علیه السلام در تأویل آیه (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) [54] (خدا آن کسی است که پیامبرش را
با دین حق فرستاد تا اینکه بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا می کند ولو اینکه
مشرکان و کافران ناراحت باشند) می فرماید:

والله ما نزل تأويلها بعد ولا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم علیه السلام فاذا خرج
القائم علیه السلام لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالامام الا كره خروجه حتى ان
لو كان كافرا و مشركا في بطن صخره لقاتل يا مؤمن في بطنی كافر فاكسرنی
واقته. [55].

به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه نیامده است تا اینکه قائم ما ظهور کند. وقتی که قائم علیه السلام ظهور کرد هیچ کافری به خداوند بزرگ و هیچ مشرکی نسب به امام نمی ماند مگر اینکه خروج حضرت مهدی علیه السلام را دوست ندارند؛ اما آنچنان عرصه بر دشمنان خداوند تنگ می شود که اگر کافری یا مشرکی در شکاف کوهی پنهان شده باشد آن کوه فریاد می زند: ای سپاهیان حضرت مهدی! بیاید یک دشمن اینجاست؛ او را بیرون کنید و بکشید.

آری حکومت امام عصر روحی له الفداء حکومت خداوند است و درباره این حکومت فرموده اند: «ولا یمكن الفرار من حکومتک» (هیچ کس نمی تواند از حکومت خداوند بگریزد).

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

اول من یتابع القائم علیه السلام جبرائیل علیه السلام فینزل فی صوره طیر ابيض فیایعه
ثم یضع رجلا علی البیت الحرام و رجلا علی المسجد الاقصی و ینادی بصوت
طلق ذلق تسمعه الخلائق اتی امرالله فلا تستعجلوه. [56].

اول کسی که با قائم ما بیعت می کند جبرئیل علیه السلام است که به صورت پرنده سفیدی از آسمان به زیر می آید و با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیعت می کند. سپس یک پای خود را بر روی بام کعبه می گذارد و پای دیگر را بر روی بام بیت المقدس. آنگاه فریاد می زند که همه مردم صدایش را می شنوند و می گوید: «امر خدا آمد، در آن شتاب نکنید».

امام ششم علیه السلام در ارتباط با روزهای اول ظهور، از امام عصر علیه السلام بیانی نقل فرمودند که خلاصه و جان این خطبه به فرمایش علامه مجلسی چنین است: «من مجموعه ای از کمالات انبیاء و ائمه معصومین هستم و آنچه سبب شد که مردم از آنها متابعت کنند همه در وجود من جمع شده است». به گفته شاعر آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری. اکنون به متن و ترجمه فرمایش امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

و سیدنا القائم مسندا ظهره الی الکعبه و یقول یا معشر الخلائق الا و من اراد ان ینظر الی آدم و شیث فها اناذا آدم و شیث الا و من اراد ینظر الی نوح و ولده سام فها اناذا نوح و سام الا و من اراد ان ینظر الی ابراهیم و اسمعیل فها اناذا ابراهیم و اسمعیل الا و من اراد ان ینظر الی عیسی و شمعون فها اناذا عیسی و شمعون الا و من اراد ان ینظر الی محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فها اناذا محمد و امیرالمؤمنین الا و من اراد ان ینظر الی الحسن و الحسین فها اناذا الحسن و الحسین الا و من اراد ان ینظر الی الائمہ من ولد الحسین فها اناذا الائمہ. [57].

آقای ما قائم پشت به خانه کعبه می زند و مردم را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید: هر کسی بخواهد آدم و شیث را ببیند بیاید مرا ببیند. ای مردم! هر کس بخواهد نوح و پسر او سام را ببیند من نوح و سام هستم. آگاه باشید هر کس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بیاید مرا ببیند. ای جهانیان! آن کسی که مایل باشد عیسی و شمعون را زیارت کند بداند که من عیسی و شمعون هستم. ای مردم دنیا! اگر کسی بخواهد محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را زیارت کند من محمد و امیرالمؤمنین هستم. ای مردم عالم! هر کسی بخواهد

حسن و حسین را زیارت کند بیاید مرا ببیند، من حسن و حسینم. ای مردم! هر کسی که بخواهد ائمه معصومین از فرزندان امام حسین علیه السلام را ببیند من همان ائمه از فرزندان حسین هستم.

خواننده عزیز!

تمام صفات و کمالات که در پیامبران و اوصیای آنها جمع شده و همه اوامری که خداوند بزرگ درباره آنها صادر فرموده که وجوب اطاعت از آنها و ترک نافرمانی این ذوات مقدسه زیربنای آن را تشکیل می دهد، همه اینها در وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء جمع است و می توان گفت به عنوان مثال وجود عزیزش آئینه ای است که تمام فرستادگان خداوند در آن نمایان اند اللهم عجل فرجه

عیسی بن اعین از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که آن سرور فرمودند:
السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب و من اول خروجه الی آخره خمسہ عشر شهرا، سته اشهر یقاتل فیها فاذا ملک الکور الخمس ملک تسعه اشهر لایرید علیها یوما. [58]

خروج سفیانی از حتمیات است (باید واقع شود) و تمام مدت خروجش بیش از پانزده ماه نخواهد بود که شش ماه آن را می جنگد و چون بر پنج ایالت فرمانروایی پیدا کرد نه ماه بدون یک روز زیادتیر حکومت می کند.

گفته شده است که پنج ایالت عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب.

عبدالله سنان از حضرت صادق عليه السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:
النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و قتل النفس الزکیه من المحتوم و
كف تطلع من السماء من المحتوم و قال فزعه فی شهر رمضان توقظ النائم و تفرع
اليقظان و تخرج الفتاه من خدرها. [59]

ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه
حتمی است، پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است و ترس و فرعی در ماه
مبارک رمضان پیش می آید که افراد خوابیده را بیدار کند، آنهایی که بیدارند به
فرع درآیند و دختران از پس پرده بیرون بیایند (البته از ترس).
امام صادق عليه السلام به معلی بن خنیس که از اصحاب آن حضرت است
فرمودند:

ان امر السفیانی من الامر المحتوم و خروجه فی رجب. [60]

خروج سفیانی از اموری است که حتما باید قبل از ظهور واقع گردد و خروج
او در ماه رجب است.

امام ششم عليه السلام می فرمایند:

للقائم عليه السلام خمس علامات السفیانی و الیمانی و الصیحه من السماء و قتل
النفس الزکیه و الخسف بالیداء. [61]

برای قائم ما پنج نشانه است:

1 - خروج سفیانی

2 - خروج یمانی

3 - صیحه آسمانی

4 - کشته شدن نفس زکیه

5 - فرورفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء

حمران بن اعین از امام ششم علیه السلام والصلوه حدیث کرده است که آن بزرگوار فرمودند:

من المحتوم الذی لابد ان یکون من قبل قیام القائم علیه السلام خروج السفیانی و خسف بالبیداء و قتل النفس الزکیه و المنادی من السماء. [62].

از علائمی که حتما باید پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در خارج محقق شود خروج سفیانی و فرورفتن در زمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندای آسمانی است.

زراره بن اعین می گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمایند:

ینادی مناد من السماء ان فلانا هو الامیر و ینادی مناد «ان علیا و شیعتہ ہم الفائزون» قلت فمن یقاتل المهدی علیه السلام بعد هذا فقال علیه السلام ان الشیطان ینادی «ان فلانا و شیعتہ ہم الفائزون» یعنی رجلا من بنی امیہ قلت فمن یعرف الصادق من الکاذب قال علیه السلام یعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا و یقولون انه یکون قبل ان یکون و یعلمون انهم هم المحقون الصادقون. [63].

منادی از آسمان فریاد می زد به اینکه فلان (حضرت مهدی روحی له الفداء) امیر بر مردم است و نیز منادی از آسمان می گوید که علی علیه السلام و شیعیانش رستگارند. گفتم: پس از این دو ندای آسمانی دیگر چه کسی با حضرت مهدی علیه السلام جنگ می کند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: بعد از این دو ندا شیطان فریاد می زند که فلانی و پیروانش رستگارانند. منظور از فلانی یعنی مردی از بنی امیه. عرض کردم: چگونه راستگو از دروغگو تمیز داده می شود؟ (ببین این دو برنامه چگونه می توان حق را شناخت؟). فرمودند: آنهایی که احادیث ما خاندان رسالت را خوانده اند، می دانند و می گویند از پیش به ما گفته شده که حق با صیحه اول و برنامه اول است و صدای دیگر صدای شیطان است و نباید از آن پیروی کرد.

مرحوم شیخ صدوق رحمته الله از عبدالله بن عجلان نقل می کند که ایشان فرمودند:

ذکرنا خروج القائم علیه السلام عند ابی عبدالله فقلت له کیف لنا ان نعلم ذلك فقال
یصبح احدکم و تحت رءسه صحیفه علیها مکتوب طاعه معروفه. [64].

در خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب بودیم، سخن از خروج حضرت قائم
علیه السلام به میان آمد. عرض شد: ما چگونه از روز قیام آگاهی پیدا کنیم؟ فرمودند:
سر از خواب بر می دارد کسی از شما در حالی که می بیند ورقه ای زیر سر او
گذاشته اند و روی آن نوشته شده «طاعه معروفه».

عبدالله بن سنان می گوید:

كنت عند ابی عبدالله علیه السلام فسمعت رجلا من همدان یقول له ان هولاء العامه
یعیروننا و یقولون لنا انکم تزعمون ان منادیا ینادی من السماء باسم صاحب هذا
الامر و كان علیه السلام متکاء فغضب و جلس. ثم قال لا ترووه عنی و ارووه عن ابی
و لا حرج علیکم فی ذلك اشهد انی قد سمعت ابی علیه السلام یقول و الله ان ذلك فی
کتاب الله عزوجل لبین حیث یقول «ان نشاء نزل علیهم من السماء آیه فظلت
اعناقهم لها خاضعین» فلا یبقی فی الارض یومئذ احد الا خضع و ذلت رقبتة لها
فیومن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء الا ان الحق فی علی بن ابی
طالب علیه السلام و شیعتة قال فاذا كان من لغد صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری
عن الارض ثم ینادی الا ان الحق فی عثمان بن عفان و شیعتة فانه قتل مظلوما
فاطلبوا بدمه قال علیه السلام فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو
النداء الاول و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض، و المرض و الله

عداوتنا فعند ذلك يتبرؤ و ن منا و يتناولونا فيقولون ان المنادی الاول سحر
من سحر اهل (هذا) البيت. [65].

در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به آن
حضرت عرض کرد: دشمنان شما ما را سرزنش می کنند و می گویند شما گمان
می کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر (ولایت) صدا می زند؟ امام
علیه السلام همان گونه که تکیه داده بودند نشستند در حالی که آثار غضب از چهره
مبارکشان نمایان بود. فرمودند: این مطلب را از من روایت نکنید بلکه از پدرم
روایت کنید. به خدا قسم، شنیدم پدرم می فرمود این مطلب (صیحه آسمانی) در
قرآن خداوند است آنجایی که می فرماید «اگر ما بخواهیم، از آسمان آیت قهر
نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرود آورند». [66] در آن روز در
سرتاسر کره زمین نمی ماند کسی مگر اینکه در مقابل این صیحه به زانو در می
آید و گردنها کج می شوند. پس، وقتی که صیحه آسمانی بلند شد و حجت
خداوند (حضرت مهدی روحی له الفداء) را معرفی کردند تمام ساکنان کره زمین
ایمان می آورند. مضمون صدا این است که ای مردم دنیا! آگاه باشید که حق با
علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروان اوست. فردای آن روز شیطان در میان زمین و
آسمان فریاد می زند که حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست؛ او مظلوم کشته
شده است؛ پس انتقام خون او را بگیرید. آنگاه خداوند دوستان ما را بر ندای
اول ثابت قدم می دارد (به دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش)، اما آنهایی که
دارای قلبهای بیمار هستند در وادی هلاکت سقوط خواهند کرد. و به پروردگار
سوگند که امراض قلبی آنها غیر از دشمنی ما اهل بیت چیز دیگری نخواهد بود
و می گویند صدای اول از سحر و جادوهای این خانواده بود (اهل بیت عصمت
و طهارت سلام الله اجمعین).

سدیر از امام صادق علیه السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

یا سدیر الزم بیتک و کن حلسا من احلاسه واسکن ماسکن اللیل و النهار فاذا بلغ ان السفیانی قد خرج فارحل الینا ولو علی رجلک قلت جعلت فداک هل قبل ذلک شیء قال نعم و اشار بیده بثلاث اصابعه الی الشام و قال ثلاث رایات رایه حسنیه و رایه امویه و رایه قیسیه فییناهم (علی ذلک) اذ قد خرج السفیانی فیحصدهم حصد الزرع ما راءیت مثله قط. [67].

ای سدیر! در خانه خودت قرار بگیر و مانند فرش منزل باش و ساکت بمان تا وقتی که سفیانی خروج می کند. به مجرد رسیدن خبر خروج سفیانی فوراً به سوی ما (مهدی ما) حرکت کن اگر چه با پای پیاده باشد. عرض کردم: آیا پیش از این جریان نشانه ای هست که دلیل بر تحقق خروج سفیانی باشد؟ فرمودند: آری. و با سه انگشت اشاره به شام فرمودند و توضیح دادند که سه پرچم در اهتزاز می آید:

1 - پرچم حسنیه

2 - پرچم امویه

3 - پرچم قیسیه

در همین اثنا سفیانی خروج می کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می کند و به کشتاری دست می زند که مانند آن را هیچگاه ندیده ای.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خروج الثلاثة الخراسانی والسفیانی والیمانی

فی سنه واحده فی شهر واحد فی یوم واحد و لیس فیها رایه باهدی من رایه الیمانی یهدی الی الحق. [68].

خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است؛ اما هیچ پرچمی هدایتگر تر از پرچم یمانی نیست. آری، مردم را دعوت به حق می کند.

ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

سیئاتی فی مسجدکم ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا یعنی مسجد مکه یعلم اهل مکه انه لم یلد (هم) آباؤهم ولا اجدادهم علیهم السیوف مکتوب علی کل سیف. کلمه تفتح الف کلمه فیبعث الله تبارک و تعالی ریحاً فتنادی بکل واد هذا المهدي یقضی بقضاء داود و سلیمان علیهما السلام لا یرید علیه البینه. [69].

زود باشد که در مسجد شما (مکه معظمه) سیصد و سیزده نفر اجتماع می کنند. مردم مکه می دانند که اینها در مکه متولد نشده اند. شمشیرهایی به دست دارند و روی لبه هر شمشیر جمله ای نوشته شده است که هزار کلمه از آن گرفته می شود (در این جمله از روایت سری از اسرار بزرگ ولایت نهفته است که در ظهور معلوم می شود). خداوند تبارک و تعالی بادی را مأمور می کند که در تمام دنیا فریاد بزند: ای مردم جهان! این است مهدی آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که داوری می کند مانند سلیمان و داود عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و احتیاج به دلیل و برهان ندارد (قضاوت آن حضرت بر اساس واقع است).

پاورقی

[1] ارشاد مفید، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 353.

[2] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 352.

[3] بقره / 155.

[4] ارشاد مفید، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 353.

[5] روزگارهایی، ج 1 / ص

[6] آل عمران / 83.

[7] ارشاد مفید، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 359.

[8] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 361.

[9] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 361.

[10] حجر / 75 و 76.

[11] اثباه الهداه، ج 7 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 403.

[12] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 397.

[13] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 396.

[14] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 396.

[15] غیبت طوسی، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 271.

[16] نفس زکیه طبق روایات معتبر جوانی است از آل محمد که پیش از ظهور در بین رکن و مقام در کنار خانه کعبه شهید می شود.

[17] آل عمران / 179.

[18] نوائب الدهور، ج 1، 78.

[19] بحار الانوار، ج 52، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 254 - 260.

[20] این عبارت یا از باب تقیه است یا جهت امتحان و آزمایش منصور؛ والا حجت خداوند که تمام عالم هستی به امر خداوند متعال در دست اوست چگونه نیاز به دشمن خدا دارد؟.

[21] در انگلستان عمل شنیع لواط قانونی اعلام شده و مسأله همجنس بازی فوق العاده شایع است و نیز در بعضی از کشورهای اروپایی دیگر - مانند فرانسه - عمل لواط شایع است و خود فروشان خودشان را عرضه می دارند.

[22] بحار الانوار، ج 53 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 7.

[23] زمر / 74.

[24] غیبت طوسی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 267.

[25] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 274.

[26] غیبت نعمانی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 270.

[27] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 272.

[28] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 274.

[29] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 274.

[30] الامامه و التبصره، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 130.

[31] الزام الناصب، ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 163.

[32] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 159.

[33] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 164.

[34] بقره / 148.

[35] الزام الناصب، ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 287.

[36] غيبت نعماني، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 252.

[37] روزگارهايي، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 458.

[38] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 458.

[39] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 429.

[40] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 430.

[41] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 430.

[42] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 431.

[43] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 513.

[44] همان

مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 514.

[45] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 515.

[46] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 515.

[47] كمال الدين صدوق، ج 2 / 2 / 390 (چاپ جديد، ﷺ 672، ح 25).

[48] همان مأخذ، ﷺ 391 (چاپ جديد، ﷺ 674، ح 28).

[49] يوسف / 94.

[50] كمال الدين صدوق، ج 2 / 2 / 392 (چاپ جديد، ﷺ 674، ح 29).

[51] روزگارهايي، ﷺ 515.

[52] همان مأخذ، ﷺ 516.

[53] همان مأخذ، ﷺ 516.

[54] توبه / 33.

[55] كمال الدين صدوق، ج 2 / 2 / 387 (چاپ جديد، ﷺ 670، ح 16).

[56] روزگارهايي، ج 1 / 1 / 506.

[57] الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور، ﷺ 516.

[58] اثبات الهداه، ج 7 / 7 / 430.

[59] همان مأخذ، ﷺ 423.

[60] همان مأخذ، ﷺ 396.

[61] مكيال المكارم، ج 2 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 185.

[62] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 188.

[63] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 188.

[64] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 189.

[65] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 187.

[66] شعرا / 4.

[67] بحار الانوار، ج 52 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 270 و 271.

[68] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 210.

[69] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 286.

حضرت امام رضا علیه السلام و نشانه های ظهور

حسن بن محبوب از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام حدیثی بیان کرده که ذیلاً به نظر خوانندگان عزیز می رسد:

انه قال لا بد من فتنه صماء صلیم یسقط فیها کل بطانه و ولیجه و ذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی یبکی علیه اهل السماء و اهل الارض و کم من مؤ من متاءسف حران حزین عند فقد الماء المعین کانی بهم اسرما یکنونون وقد نودوا نداء یسمعه من بعد کما یسمعه من قرب یرحمه للمؤمنین و عذاباً للكافرين فقلت و ای نداء هو (قال علیه السلام) ینادون فی رجب ثلاثه اصوات من السماء صوتاً منها الا لعنه الله علی الظالمین و الصوت الثانی ازفت الازفه یا معشر المؤمنین والصوت الثالث یرون بدنا بارزا نحو عین الشمس هذا امیر المؤمنین قد کر فی هلاک الظالمین (و فی روایه الحمیری) و الصوت بدن یری فی قرن الشمس یقول ان الله بعث فلانا فاسمعوا له و اطیعوا و قالاً جميعاً فعند ذلك یاءتی الناس الفرج و تود الناس لو كانوا احياء و یشفی الله صدور قوم مؤمنین.^[1]

امام علیه السلام فرمودند: ناچار باید فتنه ای سخت و بزرگ و بلایسی و بنیان کن دامن مردم را بگیرد که تمام سدهای دوستی و رابطه های خویشاوندی و اعتمادهای قومی و دوستی درهم کوبیده شود (پناهگاهی نباشد) و این سختیها و بلاها در وقتی است که شیعه سومین فرزندم را از دست بدهند (یعنی امام حسن عسکری وفات کند و حضرت مهدی علیه السلام غایب باشد). پنهان بودن او چندان سنگین است که ساکنان آسمانها و نیز اهل زمین بر او و از فراق او گریه می کنند و چه بسیار افراد با ایمان که در این زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماء معین) دست نمی یابند. گویی می بینم سرور و خوشحالی آنان را

که در نتیجه شنیدن یک صدا به آنها دست می دهد. شنیدن این صدا برای آنهایی که نزدیک یا دورند یکسان است (همه می شنوند) و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران. عرض کردم: آن ندا چیست؟ فرمودند: سه صدا در ماه مبارک رجب شنیده می شود البته از آسمان:

اول. آگاه باشید که ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون اند.

دوم. «ازفت الازفه یا معشر المؤمنین» (نزدیک شد نزدیک شونده ای گروه مؤمنان!).

سوم. بدنی را در خورشید می بینند. گوینده آسمانی فریاد می زند: این است امیرالمؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاک کردن ستمگران (این بدن، وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین ع است).

روایت حمیری می گوید: صوت سوم از آسمان گوینده ای می گوید: ای مردم! خداوند فلان بن فلان (یعنی حجه بن الحسن العسکری) را مأمور فرموده است بر شما، واجب است او را اطاعت کنید. در این موقع برای همه مردم فرج می شود و آنهایی که از این دنیا رفته اند آرزو می کنند ای کاش زنده بودند. و خداوند دلهای مؤمنان را شفا می دهد.

پاورقی

[1] غیبت طوسی، ع، 268.

امام رضا علیه السلام و اجتماع شیعه در ظهور

والله لو ان قائمنا قام يجمع الله اليه شيعته من جميع البلدان.

به خدا سوگند اگر مهدی ما قیام کند خداوند تمام شیعیانش را از سرتاسر جهان در اطراف او جمع می کند.

اباصلت می گوید: به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم نشانه قائم چیست؟ فرمودند:

ما علامه قائمکم قال علامته ان يكون شيخ السن شاب المنظر حتى ان الناظر ليحسبه ابن اربعين سنه او مادونها و ان علاماته ان لا يهرم بمرور الليالي و الايام حتى ياء تيه اجله. ^[1] ع

یکی از علائم قائم ما این است که بزرگ سن و جوان منظر است بطوریکه بیننده خیال می کند او چهل سال یا کمتر دارد و تا فرا رسیدن مرگ اثر پیری در او ظاهر نخواهد شد. این است معنی خلیفه الله و فرمانروای عالم هستی که تمام قوانین و سنن طبیعی این جهان محکوم اراده او هستند.

بزنطی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء نقل می کند که آن حضرت می فرمایند:

قبل هذا الامر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح و کف یقول
هذا و هذا. [2].

در مقدمه قیام فرزندم حضرت مهدی علیه السلام پنج علامت دیده می شود:

1 - خروج سفیانی

2 - قیام یمانی

3 - خروج مروانی

4 - شعیب بن صالح

5. - بیرون آمدن دستی از آسمان بطوریکه افراد آن را به یکدیگر نشان
بدهند.

پاورقی

[1] اثباه الهداه، ج 7 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 398.

[2] مکیال المکارم، ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 186.

حضرت امام حسن و امام حسین و اصحاب ائمه عليهم السلام و نشانه های

ظهور

عمیره بنت نفیل از حضرت امام حسن یا از حضرت امام حسین عليهما السلام
نقل کرده است که فرمودند:

قالت سمعت الحسن (الحسين) بن علي سلام الله عليهما يقول لا يكون الامر
الذي تنظرون (امر ظهور) حتى يبراء بعضكم من بعض و يتفل بعضكم في وجوه
بعض و يشهد بعضكم على بعض بالكفر و يلعن بعضكم بعضا فقلت له ما في ذلك
الزمان من خير فقال الحسين عليه السلام الخير كله في ذلك الزمان يقوم قائمنا و يدفع
ذلك كله. [1]

امری که (به آن) چشم دوختید (ظهور مهدی ما) محقق نخواهد شد مگر بعد
از به وجود آمدن نشانه های زیر:

1 - بیزاری جستن مؤمن و مسلمان از برادر خویش.

2 - آب دهان به صورت یکدیگر می اندازند.

3 - بعضی شهادت بر کفر بعضی دیگر می دهند.

4 - بعضی از مسلمانان دیگری را لعن می کنند.

می گوید عرض کردم: پس خیری در این زمان نخواهد بود؟ فرمودند: این طور نیست، تمام خیرات و خوبیها در این زمان است؛ چون قائم ما قیام می کند و تمام صفات مذمومه ذکر شده را از بین می برد اللهم عجل فرجه

فضل بن شاذان از عمار یاسر نقل می کند که فرمودند:

دعوه اهل بیت نبیکم فی آخر الزمان فالزموا الارض و کفوا حتی تروا قاداتها فاذا خالف الترتک الروم و کثرت الحروب فی الارض ینادی مناد علی سور دمشق ویل لازم من شر قد اقترب و یخرّب حائط مسجدها.^[2]

دعوت اهل بیت پیامبر شما در آخرالزمان است. ملازم خانه های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه سازید تا اینکه رهبر قیام را ببیند. پس، هرگاه ترکها با رومیها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد، منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهد زد که وای از شری که نزدیک شده است، و نیز دیوار مسجد دمشق فرو ریزد.

شیخ الطائفه (طوسی) در کتاب غیبتش از سعید بن جبیر نقل فرموده است:

السنه التي يقوم فيها المهدي تمطر اربعا و عشرين مطره يري آثارها و برکتها.

[3]

در آن سالی که حضرت مهدی ارواحنا له الفداء قیام می کنند بیست و چهار ساعت باران می بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می شود.

محمد بن بشر از جناب محمد حنیفه نقل می کند که فرمودند:

قلت له قد طال هذا الامر حتى متى؟ (قال) فحرک راءسه ثم قال انی یکون ذلک ولم یعرض الزمان یکون ذلک ولم یجفوا الاخوان انی یکون ذلک ولم یظلم السلطان انی یکون ذلک ولم یقم الزندیق من قزوين فیهتک ستورها و یکفر صدورها و یغیر سورها و یذهب بهجتها من فرمنه ادرکه و من حاربه قتله و من اعتزله افتقر و من تابعه کفر حتی یقوم باکیان باک بیکی علی دینه و باک بیکی علی دنیاہ.^[4]

به آن حضرت عرض کردم که قیام و دولت شما طول کشیده است. این امر کسی خواهد شد؟ پس، سر مبارک را تکان داده، فرمودند: هنوز اوضاع جهان دگرگون نشده و برادر درباره برادر جفا نکرده است. کجاست آن قیام و حال آنکه سلطان درباره رعیت ظلم نکرده است. کجاست آن حکومت و حال آنکه زندیقی از قزوين حرکت نکرده است که پرده های عصمت را بدرد و قلبها را انباشته از کفر کند، دیوارهای آن را تغییر دهد و طراوت و بهجت آن را از بین ببرد؟ کسی که از او فرار کند او را می گیرد و هر کسی با او بجنگد او را می کشد و کسی که خانه نشینی اختیار کند فقر او را فرا می گیرد و آن کسی که از او متابعت نماید کافر می شود. سرانجام کار به جایی می رسد که با یک چشم بر دنیای خود گریه کند و با چشم دیگر بر آخرت (کنایه است از کسی که بر دین و دیگری که بر دنیای خود خواهد گریست و ممکن است اشاره به قیام رضاخان و جنایات او باشد).

محمد بن مسلم خبر می دهد که:

ینادی مناد من السماء باسم القائم فیسمع ما بین المشرق الی المغرب فلا یبقی راقدا الا قام و لا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام علی رجليه من ذلك الصوت و هو صوت جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ الروح الامین.^[5]

منادی، حضرت قائم آل محمد (ارواحنا له الفداء) را به اسم صدا می زند و معرفی می کند و همه مردم روی زمین از مشرق تا مغرب و آنچه بین این دوست این صدا را می شنوند. آنهایی که خواب هستند بیدار می شوند و می ایستند و آن دسته ای که ایستاده اند می نشینند؛ افرادی که نشسته اند از هیبت این صدا بر می خیزند و می ایستند و این صدای جبرئیل روح الامین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

سید بن طاوس اعلی الله مقامه در کتاب خود به یکی از نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء تحت عنوان ستاره دنباله دار اما پرفروغ چنین اشاره فرموده اند:

یطلع نجم من المشرق قبل خروج المهدي له ذنب يضيء لاهل الارض كضاء القمر ليلة البدر.^[6]

قبل از خروج حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ ستاره دنباله دار طالع می شود که تمام ساکنان کره زمین از نور استفاده می کنند، مانند ماه شب چهارده که جهان را غرق در نور می سازد. این ستاره قبل از ظهور چنین است.^[7]

سید بن طاوس اعلی الله مقامه از ابن شهر آشوب در ارتباط با ایوان کسری روایتی نقل می کند که مشروح آن به خاطر اهمیت فوق العاده اش در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیرد. امید است برای همه ما در تحکیم عقائدمان مؤثر باشد. البته به گفته سید بن طاوس ابن شهر آشوب این مطلب را در باب امامت حضرت قائم روحی له الفداء نقل فرموده است (در جلد هشتم از «مناقب»).
محمد بن علی نوشجانی خبر داده است که:

اخبر یزجرد بیوم القادسیه و انجلاتها عن خمسين الف قتيل من الفرس فخرج یزجرها ربا فی اهل بیته فوقف بباب الايوان فقال السلام علیک ایها الايوان ها انا ذا منصرف عنک و راجع الیک انا او رجل من ولدی لم یدن زمانه ولا آن اوانه قال سلیمان الدیلمی فساءلت الصادق عليه السلام عن معنی قوله او رجل من ولدی قال ذلک قائمکم السادس من ولدی وقد ولده یزجرد ابن شهریار من قبل ام علی بن الحسین عليه السلام شهر بانو بنت یزجرد فهو ولده من الحسین عليه السلام و فی هذا الحدیث آیات منها ان الصادق عليه السلام اخبر ان القائم هو السادس من ولده كما جرت الحال علیه فلا بد ان یکون علم ذلک من جانب الله و عن آباء الطاهرين والا کیف کان یعلم انه یکون له عقب متصل الی السادس من ولده و منها تصدق النقل لما تجدد للسادس من ولده عليه السلام من اعتقاد انه القائم ولم یعتقد ذلک فی احد من آباءه قبله و منها بقاء الايوان الی الان وقد هدم جمیع دور کسری و آثارها و منها معرفه کسری بطریق النجوم او غیرها تحدید ذلک و تصدیق اهل بیت النبوه فی اعتقادهم ولله الحجه البالغه. [8].

یزدجرد پادشاه ایران در شکست با مسلمانان و کشته شدن پنجاه هزار سرباز ایرانی که منجر به گریختن یزدجرد و خانواده اش شد، می گوید: پس یزدجرد در حالی که خودش و اهل بیتش فرار می کردند آمد در ایوان پادشاهی مدائن ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ایوان پادشاهی من! اکنون من ناگزیرم که از تو جدا بشوم و بروم، اما طولی نمی کشد که به سوی تو باز می گردم: یا خود من یا یکی از فرزندان من. سلیمان دیلمی می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: معنی کلام یزدجرد (یا خود من یا یکی از فرزندان من) چیست؟ حضرت فرمودند: این مردی از فرزندان من است و او قائم شماست که ششمین فرزند من است که از طرف مادر فرزند یزدجرد است؛ (چون) حضرت علی بن الحسین علیه السلام نوه یزدجرد بوده و شهربانو دختر یزدجرد همسر حضرت امام حسین علیه السلام است (بنابراین، حضرت بقیه الله روحی له الفداء از طرف مادر نوه یزدجرد می شود). مرحوم سید بن طاوس می فرماید: در این روایت آیاتی از قدرت خداوند است:

1 - اینکه حضرت امام صادق علیه السلام خبر داده که حضرت قائم فرزند ششم آن حضرت است لابد از طرف خداوند یا آباء گرامی اش به او گفته شده که حضرت قائم فرزند ششم شماست، والا از کجا می دانسته که از اعقاب او مردی به وجود می آید که نامش قائم است؟

2 - از آیات قدرت خداوند اینکه تمام کاخها و قصرها و خانه های کسری ویران شده است فقط ایوان مانده است تا الان، آن هم ایوانی با آن ارتفاع که میان زمین و آسمان مانده است.

3 - خبر داشتن کسری از طریق علم نجوم یا غیره از اینکه در آینده فرزندی از او به وجود می آید و برمی گردد به سمت ایوان مدائن (اتفاقا مرکز سلطنت حضرت مهدی روحی له الفداء در عراق مسجد سهله خواهد بود).

4 - دیگر اینکه ممکن است عالم غیب ناخودآگاه بر زبان یزدجرد جاری کرده باشد که در آینده چنین خواهد شد. به هر حال، حجت‌های خداوند باید بر بندگانش به صورت‌های مختلف تمام بشود تا راه بهانه ای برای کسی نماند.

پاورقی

[1] غیبت نعمانی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 206.

[2] غیبت طوسی، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 268.

همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 269.

[4] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 269.

[5] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 274.

[6] الملاحم و الفتن، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 46.

[7] در سال تألیف این کتاب ستاره مذکور در کره زمین دیده شد، حتی با چشم‌های غیر مسطح.

[8] الملاحم و الفتن، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 200.

نشانه های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت

در این فصل روایات رسیده از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای عزیزش را که در کتابها معتبر اهل سنت و جماعت، آن هم در معتبرترین آنها (صحاح سته) و کتابهای معتبر دیگر در باب علائم ظهور آمده است عنوان می کنیم تا خوانندگان عزیز بدانند که تنها علمای شیعه درباره علائم و نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء کتاب نوشته و نقل احادیث نکرده اند، بلکه حتی آنهایی که بر حسب ظاهر ولایت و امامت را از مسیر اصلی خودش تغییر داده و بزرگان آنها آنچه نباید بکنند، کرده اند (اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک) نیز درباره آن حضرت و نشانه های ظهور او روایات عدیده نقل کرده اند.

اینک به خواست خداوند و الطاف کریمانه امام مظلوم و عزیز ما، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به سراغ کتابهای یاد شده می رویم و تا آنجایی که عنایت بشود در جمع روایات رسیده از پیشوایان معصوم سلام الله علیهم اجمعین پیگیری خواهیم کرد و امید است برای عموم مسلمانان راهنمای خوبی باشد.

امام عصر علیه السلام در کتابهای اهل سنت

محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی ابی طالب و کنیته ابو عبدالله و ابوالقاسم و هو الخلف الحجج صاحب الزمان القائم المنتظر و التالی و هو آخر الائمہ. انباءنا عبدالعزيز بن محمود البزاز عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يخرج في آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي و کنیته ککنیتي یملاء الارض عدلا كما ملئت جورا فذلک هو المهدي. [1]

او محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی الرضا فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم. او تنها بازمانده از حجتهای خداوند است و صاحب الزمان و قائم منتظر و آخرین امام معصوم. این خبر از زبان عبدالعزيز فرزند محمود پسر بزاز از فرزند عمر نقل شده است که پیامبر خدا صلى الله عليه وسلم فرمودند: در آخر الزمان مردی از عترت و فرزندان من که اسمش مانند اسم من و کنیه او مانند کنیه من است زمین را پر از عدل و داد می کند همچنانکه پر از جور شده باشد و این است مهدی (آل محمد).

پاورقی

[1] تذکره الخواص، صلى الله عليه وسلم، 138.

رسول اکرم ﷺ و تعریف امام

من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة. [1]

هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

در این روایت بنیانگذار اسلام در ارتباط با شخصیت امام علیؑ به اصولی اشاره فرموده اند:

- 1 - وجوب شناسایی امام در هر زمان.
- 2 - امام باید معصوم از خطا باشد تا به جاهلیت گرایش نیابد.
- 3 - امام باید به تمام احکام اسلام، اعم از واجب و حرام، آگاه باشد.
- 4 - امام باید حتما از طرف خداوند انتخاب شده و علم او علم خدایی باشد.
- 5 - بدون شناخت امام بهره برداری از نعمتهای عالم آخرت میسر نیست.
- 6 - نظام عالم هستی در سایه وجود امام باقی می ماند.

7 - با این اوصاف، حکومت بر جهان حق مسلم امام است.

8 - تنها امام معصوم است که با اتکا به قدرت بی نهایت خداوند، جهان را پس از پر شدن از ظلم و جور مملو از عدل و داد می کند.

9 - نفی امامت امام غیر معصوم و مدعیان مهدویت.

10 - برنامه کار و دولت امام آسمانی باید از طرف خداوند عالم تدوین شود و آن حضرت همان را در اجتماع پیاده کند.

در پایان، شایان ذکر است که منظور از این بحث (شناخت امام عَلَيْهِ السَّلَام) شناسایی آن حضرت از لحاظ کمالات روحی و جسمی است و نیز نحوه ارتباط آن سرور با خداوند بزرگ و کیفیت استیلای آن وجود مقدس بر عالم هستی و شکل پیاده شدن سلطنت آن امام عزیز و برنامه حکومت آن تنها یادگار رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، والا نه تنها بنده بی بضاعت، عاجز و از پا درآمده هستم بلکه به طور مسلم بزرگان ما نیز از بیان شناخت واقعی امام عاجزند. لذا رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! غیر از خدا و تو کس دیگری مرا نمی شناسد و نیز غیر از من و خداوند کس دیگری نمی تواند تو را بشناسد. البته شناخت ظاهری از لحاظ پدر و مادر و سایر مشخصات، عملی و ممکن است و همه می توانند و باید این شناخت را داشته باشند.

پاورقی

[1] الامام المهدي عند اهل السنه، ج 1 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 12.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و تعریف امام

و انما الائمه قوام الله على خلقه و عرفاؤه على عباده لا يدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لا يدخل النار الا من انكرهم و انكره.^[1]

و پیشوایان برای خلق پیرو (امر و نهی) خداوند هستند و او را به بندگانش می شناسانند. داخل بهشت نمی شود مگر کسی که آنها را بشناسد و ایشان هم او را بشناسند و داخل آتش نمی شود مگر کسی که منکر آنان باشد و ایشان هم او را از آن خویش ندانند.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در این خطبه کوتاه در اوصاف ائمه معصومین و فرستادگان خداوند با اشاره به سه اصل مسلم فرموده اند:

اول: این ذوات مقدسه از طرف خداوند متعال مأمور قیام برای هدایت و ارشاد مخلوقات الهی هستند. نهایت اینکه برای هر کدام برنامه خاصی از طرف آفریننده جهان تدوین شده است که ناگزیر باید بر طبق آن عمل کنند (خانه نشینی، دست به شمشیر بردن، با دشمن صلح کردن، معارف عالیه اسلام را به زبان دعا به مردم رساندن، باب مکتب علوم اهل بیت را به روی افراد گشودن و تربیت هزاران شاگرد برجسته، در زندانها جان دادن و به وسیله مناجات مردم را متوجه مبداء و معاد کردن) تا وقتی که ان شاء الله نوبت به حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء برسد و جهان را آباد و معمور فرماید و ریشه ظلم و بیدادگری را از بیخ و بن برکند و عدل و داد واقعی را در سرتاسر جهان پیاده کند و حکومت جهانی الله را در سرتاسر گیتی فرمانروایی بخشد.

دوم: ائمه معصومین مرکز عرفان و شناسایی ذات حق در میان مردم هستند و اگر افراد جامعه بخواهند نسبت به عالم غیب عرفانی پیدا کنند و احکام و مقررات الهی را فرا بگیرند، تنها این ذوات مقدسه هستند که می توانند به آنها آگاهی بدهند، همان گونه که در زیارت مبارک «جامعه کبیره» می خوانیم «السلام علی محال معرفه الله». (سلام بر جایگاههای شناخت خدا).

سوم: بهره برداری از بهشت و نعمتهای ابدی آن در گرو عرفان و شناسایی ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین و دور ماندن از جهنم و عذابهای دردناکش در سایه ایمان و اعتقاد به این ذوات مقدسه است.

به هر حال، وصول به سعادت ابدی در سایه پیروی و اطاعت از فرمان این عزیزان خواهد بود.

در روایت زیر به مناسبت آیه شریفه «واستمع یوم الخ»^[2] از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

قال ینادی المنادی باسم القائم واسم ابیه علیه السلام و الصیحه فی هذه الایه صیحه من السماء و ذلک یوم خروج القائم علیه السلام .^[3]

منادی از آسمان قائم ما را به اسم و نیز اسم پدرش معرفی می کند و صیحه در این آیه صیحه از آسمان است و آن روز، روز قیام مهدی ما است.

معاویه بن عمار از حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه 41 سوره رحمان ^[4] نقل می کند که فرمودند:

لو قام قائمنا علیه السلام يعرف اعداؤنا بسیماهم فیأخذهم بنواصیهم واقدامهم یخبطهم هو و اصحابه بالسیف خبطا. ^[5]

در هنگام قیام مهدی قائم ما دشمنان ما به وسیله صورتهایشان شناخته می شوند. آنگاه آن حضرت و یاران عزیزش آنها را دستگیر و منکوب خواهند ساخت.

عمر بن خنظله روایت می کند که ضمن خواندن آیه 4 سوره اشعرا ^[6] از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نشانه های قیام قائم شما چیست؟ فرمودند:

خمس علامات لقیام القائم علیه السلام الصیحه و خروج السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیه و الیمانی قال فتلوت هذه الایه فقلت له اءهی الصیحه قال نعم. ^[7]

برای قیام قائم ما پنج علامت است:

1 - صیحه آسمانی (که البته تمام مردم کره زمین آن را می شنوند و به زبانهای مختلف ترجمه می شود تا همه مردم بدانند).

2 - خروج سفیانی (که از نوادگان بنی امیه است).

3 - خسف و فرورفتن (در زمین بیداء که ظاهرا فرورفتن لشکر سفیانی باشد).

4 - کشتن نفس زکیه (در بین رکن و مقام که البته از دوستان خوب امام عصر روحی له الفداء است).

5 - خروج یمانی.

می گوید: آیه بالا را خواندم و عرض کردم: این است صحیحه؟ فرمودند: آری. ابی سعید در حدیث زیر، از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که آن حضرت به چند نشانه از مشخصات وجودی حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء چنین اشاره فرموده اند:

المهدی منی اجلی الجبهه اقلی الانف یملاء یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا^[8].

1 - مهدی از من است (بنابراین، حتما باید از فرزندان آن حضرت باشد، و در نتیجه، مدعیان دروغگو رسوا خواهند بود).

2 - پیشانی او (مهدی روحی له الفداء) گشاده است.

3 - بینی او قلمی و کشیده است.

4 - کره زمین را پر از عدل و داد می کند و چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد.

ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: المهدی من عترتی من ولد فاطمه. [9].

مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیها السلام خواهد بود.

بنابراین حدیث، مدعیان مهدویت که از فرزندان فاطمه علیها السلام نباشد دروغگو خواهند بود. لعنه الله علیهم.

ابی سعید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث می کند که آن حضرت فرمودند:

ابشرکم بالمهدی رجل من قریش (من عترتی) یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیما الارض قسطا کما ملئت جورا و ظلما و یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض و یقسم المال صحاحا فقال له رجل ما صحاحا قال بالسویه بین الناس و یملاء قلوب امه محمد غنی و یسعهم عدله حتی انه یاءمر منادیا فینادی من له حاجه الی فما یاءتیه احد الا رجل واحد یاءتیه فیساءله فیقول ائت السادن حتی یعطیک. [10].

بشارت بدهم به شما به مردی از خاندانم که نام او مهدی است. در میان امت من برانگیخته می شود در حالتی که اختلاف فوق العاده ای در میان مردم به وجود آمده و ارکان اجتماع متزلزل است. او (مهدی من) جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. در سایه حکومت عدل پرورش اهل آسمانها و ساکنان زمین راضی و خوشحال هستند، اموال بیت المال را بالسویبه تقسیم می کنند (آری، در آن دولت تبعیض وجود ندارد)، قلبهای امت من پر از بی نیازی خواهد بود و عدل حکومتش سرتاسر دنیا را خواهد گرفت و چندان عدالت گسترش می یابد که منادی از طرف آن حضرت ندا می دهد که هر کس نیازی دارد به سوی ما بیاید تا احتیاج او تأمین شود. فقط یک نفر مراجعه می کند. پس، از او درخواست می کند. می فرماید: پیش خادم و پرده دار برو تا به تو بدهد.

احمد، نعیم بن حماد، حاکم و ابونعیم از ثوبان نقل می کنند که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

إذا رآيتم الرايات السود قد

أقبلت من خراسان فاءتوها ولو حبوا على الثلج فان فيها خليفه الله المهدى.

[11]

هنگامی که پرچمهای سیاه را که از خراسان می آیند مشاهده کردید به آن جمعیت ملحق شوید اگر چه روی برفها (یا سینه) حرکت کنید؛ زیرا جانشین خداوند حضرت مهدی (روحی له الفداء) در آن لشکر خواهد بود.

حذیفه نقل می کند که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرمودند:

المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدرّی. [12].
مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مانند ستاره درخشان است.

حذیفه می گوید که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند:
المهدی رجل من ولدی لونه لون عربی و جسمه جسم اسرائیلی علی خده
الایمن خال کانه کوکب دری یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا یرضی فی
خلافته اهل الارض و اهل المساء و الطیر فی الجور. [13].
مهدی مردی از فرزندان من است. اما نشانه های وجودی او:

1 - از نظر رنگ و قیافه، عربی است.

2 - از لحاظ جسم و قوای جسمی اسرائیلی است (اشاره به قدرت جسمی فوق العاده آن سرور است).

3 - در سمت راست صورت مبارکش خال سیاهی است که مانند ستاره ای پرفروغ بر روی صفحه صورتش می درخشد.

4 - برنامه کار دولتش: جهان را پر از عدالت می کند چنانچه پر از جور شده باشد. به نحوی که در دوران خلافتش اهل زمین و اهل آسمان و پرنندگان در فضا خشنود می شوند. طبرانی در کبیر و ابونعیم از علی بن هلالی نقل می کند که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند:

والذی بعثنی بالحق ان منهما یعنی من الحسن و الحسین مهدی هذه الامه اذا صارت الدنيا هرجا مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم على بعض فلا کبیر یرحم صغیرا ولا صغیر یوقر کبیرا بعث الله عند ذلك منهما من یفتح حصون الضلالة و قلوبا علفا یقوم بالدين فی آخر الزمان کما قمت فی اول الزمان و یملاء الارض عدلا کما ملت جورا. [14].

دخترم! به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرموده مهدی از امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. [15] دخترم! آنگاه که دنیا از هرج و مرج پر شد و انواع فتنه ها جهان را فرا گرفت و عدم امنیت راه زندگی را بر مردم مسدود نمود، مردم اموال یکدیگر را به غارت بردند، بزرگسالان به کوچکتر از خود رحم نکردند و افراد کم سن و سال احترام بزرگان را رعایت نمودند، در این موقع، خداوند از فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام مهدی این امت را مأمور به قیام می فرماید و کاخهای ضلالت و گمراهی (شرک و کفر و نفاق) را درهم می کوبند و خلاصه به عمر تمام مکتبهای ضد خدایی و ضد ولایی خاتمه می دهد و قلبهای غافل از حق را مسخر می کند و دین را در آخرالزمان برپا می دارد (احکامش را در سرتاسر گیتی اجرا می کند) - چنانچه من به دوران جاهلیت

دین مقدس اسلام را در تاریکترین محیطها (شبه جزیره العرب) برپا داشتیم و جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

طبرانی از عوف بن مالک روایت کرده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند:

تجی فتنه غبراء مظلمه ثم يتبع الفتن بعضها بعضا حتى يخرج رجل من اهل بيتي يقال له المهدي (عليه السلام) فان ادركته فاتبعه و كن من المهتدين. [16].

فتنه ای بس تاریک جهان را دربر می گیرد، آنگاه فتنه ها یکی پس از دیگری در دنیا پدید می آیند و مردم از آنها متابعت می کنند تا آنکه مردی از فرزندان من که او را مهدی ﷺ می گویند قیام کند. پس، اگر زمان او را درک کردی فرمانش را اطاعت کن تا از هدایت شوندهگان حق باشی.

در روایت زیر که از رسول معظم ﷺ نقل شده است، آن حضرت ضمن اشاره به قیام سید حسنی که مبداء حرکتشان از خراسان است، چنین امر فرموده اند:

فلا يبقى اهل بيته حتى يبعث الله رءيه من المشرق سوداء من نصرها نصره الله و من خذلها خذله حتى ياءتوا رجلا اسمه كاسمي فيوليه امرهم فيويده الله و ينصره. [17].

پس، باقی نماند اهل بیتش تا اینکه خداوند برانگیزد پرچم سیاهی را از مشرق. هر کس او را یاری کند خداوند را نصرت نموده و هر کس او را رها سازد (یاری اش ننماید) خداوند او را خوار می کند. صاحب پرچم سیاه خود را

به کسی می رساند که همنام من است (حضرت محمد بن الحسن العسکری روحی له الفداء). آنگاه آن حضرت آنان را زیر پرچم ولایتش جای می دهد و خداوند هم او را تأیید می فرماید و نصرت می دهد.

سعید بن مسیب از بنیانگذار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حدیث می کند که فرمودند:

تخرج من المشرق رايات سود لبني العباس ثم يمكثون ماشاء الله ثم تخرج رايات سود صغار تقاتل رجلا من ولد ابي سفيان و اصحابه من قبل المشرق يؤدون الطاعة للمهدى. [18] ع

پرچمهای سیاه از مشرق ظاهر می شوند که مربوط به اولاد عباس هستند. آنها حکومت را به دست می گیرند و مدت زمامداری آنها آنچه خداوند بخواهد می شود (اشاره به قیام علیه بنی امیه و به حکومت رسیدن بنی عباس به دست ابومسلم خراسانی و طول دوران زمامداری آنها و نیز اشاره به قیام جناب سید حسنی است). سپس پرچمهای سیاه کوچک دیگری ظاهر می شوند که با سفیانی و لشکریانش مبارزه می کنند و مردم را به فرمانبرداری از حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام فرا می خوانند.

(ممکن است اشاره به لشکریان جناب سید حسنی باشد که روزهای اول کم اند). ابی سعید خدری گفته است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

المهدى منى اجلى الجبهه افنى الانف يملاء الارض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما. [19].

مهدی از من است. پیشانی اش گشاد و پرفروغ و بینی اش کشیده و قلمی خواهد بود. صفحه گیتی را پس از انباشته شدن از ظلم و جور، از عدل و داد پر می کند. صالح فرزند ابی خلیل از دوستش نقل می کند که ام سلمه همسر رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

يكون اختلاف عند موت الخليفة فيخرج رجل من اهل المدينة هاربا الى مكة فناء تيه ناس من اهل مكة فيخر جونه و هو كاره فيبايعونه بين الركن والمقام و يبعث اليه بعث من الشام فيخسف بهم بالبيداء بين مكة والمدينة فاذا رآى الناس ذلك اتاه ابدال الشام و عصائب اهل العراق فيبايعونه ثم ينشاء رجل من قریش اخواله كلب فيبعث اليهم بعثا فيظهرون عليهم و ذلك بعث كلب والخيه لمن لم يشهد غنيمه كلب فيقسم المال و يعمل فى الناس بسنه نبهم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. [20]

هنگام مرگ خلیفه اختلافی به وجود می آید و مردی از اهل مدینه به سوی مکه می گریزد و جمعی از مردم مکه بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. آنگاه جمعیتی از شام به خلاف او قیام می کنند و به طرف مکه به حرکت درمی آیند. پس، در زمین بیداء بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند و چون مردم از این جریان آگاه می شوند برجستگان شام و نیز جمعی از مردم عراق به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند و مردی از طایفه کلب به سوی کسانش می فرستد. پس جمعیتی به سوی آنها می آیند و درگیری بین آنها پیدا می شود و آنان شکست می خورند و در این پیروزی هرکس که از غنائم طایفه کلب نصیبی نداشته باشد زیان کرده است و اینان به روش رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان مردم عمل می کنند و اموال و غنائم را بین مردم تقسیم می نمایند.

مسلم از ابی نضره نقل می کند:

کنا جالسا عند جابر بن عبدالله فقال يوشك اهل العراق ان لا يجبى اليهم قفيز ولا درهم قلنا من اين ذاك؟ قال من قبل العجم يمنعون ذلك ثم قال يوشك اهل الشام ان لا يجبى اليهم دينار ولا مدى قلنا من اين ذاك قال من قبل الروم ثم سكت هنيهة ثم قال قال رسول الله ﷺ وسلم يكون في آخر امتي خليفة يحثي المال حثيا و لا يعده عدا قيل لابي نضره و ابي العلاء اتريان انه عمر! بن عبدالعزيز قال لا. [21].

در خدمت جابر بن عبدالله انصاری نشسته بودم. فرمود: در آینده به اهالی عراق درهم و دیناری نخواهد رسید. عرض شد: چرا؟ فرمود: عجم ممانعت خواهد کرد. سپس فرمود: از طرف رومیها. آنگاه مکتی فرمود و گفت: رسول اکرم ﷺ فرمودند: در آخر الزمان خلیفه ای بر جهان حکم می راند که اموال را بدون حساب و شمارش می دهند. شنوندگان به ابی نضره و ابی علاء گفتند: آیا احتمال می دهید که این خلیفه با این اوصاف عمر بن عبدالعزیز باشد؟ هر دو گفتند: نه، چنین نیست. ثوبان درباره آینده دنیا از زبان بنیانگذار اسلام ﷺ چنین می گوید:

يقتتل عند كنزكم ثلاثة كلهم ابن خليفة ثم لا يصير الي واحد منهم ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق فيقتلونكم قتلا لم يقتله قوم ثم ذكر شيئا لا احفظه فقال فاذا راء يتموه فبايعوه ولو حبوا على الثلج فانه خليفة الله المهدي. [22].

سه نفر در کنار کعبه می جنگند که تمامشان فرزند یک خلیفه هستند (کنز راکنایه از کعبه گرفته اند). آنگاه حکومت به هیچ کدام از آنها نمی رسد؛ سپس پرچمهای سیاه از جانب شرق به اهتزاز درمی آید و نبرد سختی درمی گیرد (که

مانند آن دیده نشده است). چون این پرچمها را مشاهده کردید با صاحب آن (فرمانده) بیعت کنید حتی اگر روی برفها راه بروید ولو با سرزانو یا سینه. زیرا آن فرمانده نماینده و جانشین خدا مهدی منتظر است.

عبدالله می گوید:

بینا نحن عند رسول الله ﷺ وسلم اذا اقبل فتيه من بنى هاشم فلما رآهم رسول الله ﷺ وسلم اغرورقت عيناه و تغير لونه فقلت ما نزال فى وجهك شيئا نكرهه فقال انا اهل بيت اختار الله لنا الاخره على الدنيا و ان اهل بيتى سيلقون بعدى بلاء و تشديدا و تطريدا حتى ياءتى قوم من قبل المشرق معهم رايات سود فيسئلون الخير فلا يعطونه فيقاتلون فينصرون فيعطون ما ساءلوا فلا يقبلونه حتى يدفعوها الى رجل من اهل بيتى فيملؤها قسطا كما ملؤوها جورا فمن ادرك ذلك منكم فلياءتهم ولو حبوا على الثلج. [23]

همینطوری که در خدمت رسول اکرم ﷺ بودیم ناگهان عده ای از بنی هاشم (البته از جوانان) بر آن حضرت وارد شدند. پیامبر ﷺ نگاهی به آنها فرمودند و چشمان مبارکشان پر از اشک شد و رنگ صورت شریفشان تغییر کرد. عرض کردم: یا رسول الله! همیشه در رخسار شما حالتی را می بینم که ما ناراحت می کند (در حقیقت، سؤال از علت تغییر قیافه و ناراحتی بوده است). در جواب فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خداوند عالم آخرت را بر دنیا برای ما اختیار فرموده است. بعد از من خاندانم گرفتار مصائب و بلاها و سختیها خواهند شد (قتل، اسارت، زندان، تبعید و خانه نشینی) تا اینکه مردمی از جانب مشرق بیایند در حالی که پرچمهای سیاه به دست دارند و از مردم می خواهند که از کارها و مردم بد دوری گزینند و به سوی خوبیها روی آورند. آنها را اجابت نمی کنند.

سرانجام می جنگند تا پیروز می شوند. آنگاه مردم اعلام آمادگی برای قبول خیرات و خوبیها می کنند، اما آنها نمی پذیرند تا اینکه می آیند و پرچم پیروزی را به یکی از مردان خاندان من می دهند و او جهان را پر از عدل و داد می کند پس اینکه از ظلم و جور انباشته شده باشد. پس، هر کس از شما آن زمان را درک کرد به سراغ آنها برود ولو به نحو سینه خیز روی برف باشد.

خواننده عزیز!

ممکن است فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ اشاره به قیام جناب سید حسنی باشد که از خراسان با یارانش حرکت می کند و جمع کثیری از دشمنان اهل بیت را به هلاکت می رساند و خدمت امام عصر روحی له الفداء می رسد و با یارانش تسلیم آن حضرت می شوند و اسلام واقعی پیاده می شود و جهان از عدالت لبریز می گردد - اللهم عجل فرجه - .

عبدالله بن عباس روایت کرده است از رسول اکرم ﷺ که فرمودند:
ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی لاءثنا عشر اولهم اخی و آخرهم ولدی قیل یا رسول الله و من اخوک قال علی بن ابی طالب قیل فمن ولدک قال المهدی الذی یملؤها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما والذی بعثنی بالحق بشیرا (و نذیرا) لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یرج فیہ ولدی المهدی فینزل الله عیسی بن مریم

فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها و یربغ سلطانه المشرق و المغرب. [24].

جانشینان من و اوصیای من و حجت‌های خداوند بر مردم بعد از من دوازده نفرند که اول آنها برادرم آدم است و آخرین آنان فرزندم خواهد بود. عرض شد: یا رسول الله! برادر شما کیست؟ فرمودند: علی بن ابی طالب. عرض شد: فرزندتان کیست؟ فرمودند: مهدی که جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد. آنگاه اضافه می فرمایند: به حق آن خداوندی که مرا به راستی و حق مبعوث فرموده است برای راهنمایی بشر و بشارت دادن آنها به نعمتهای ابدی خداوند و ترساندنشان از عذابه‌های او، که اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند پروردگارم آن روز را آنقدر طولانی می کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز قیام کند و عیسی بن مریم روح الله از آسمان به زیر آید و پشت سر او نماز بخواند و جهان به نور پروردگارش روشن گردد و حکومت فرزندم شرق و غرب عالم را فراگیرد.

ابو نعیم به سند خودش از ثوبان نقل می کند که رسول اکرم ﷺ فرمود:
«إذا رءیتم الرایات السود من خراسان فاتوها و لو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفه الله المهدی». [25]

هرگاه دیدید که از جانب خراسان پرچمهایی به رنگ سیاه به اهتزاز در آمد، از آنها استقبال کنید و لو اینکه پای پیاده بلکه با سر زانو روی برفها راه بروید؛ زیرا حجت و جانشین خداوند در این جمعیت است و آن حضرت مهدی علیه السلام است.

حضرت جواد الائمه علیه السلام

درباره نشانه های ظهور و روز اول آن چنین فرموده است:

«قال ینادی مناد من السماء باسم المهدی فیسمع من بالشرق و المغرب حتی لا یبقی راقدا الا استیقظ».^[26]

منادی از آسمان به نام حضرت مهدی فریاد می زند و اهل مشرق و مغرب همه آن صدا را می شنوند. حتی افرادی که در خواب هستند از شنیدن آن بیدار می شوند.

خواننده عزیز!

با قدرت بی نهایت خداوند صدا به زبانهای مختلف ترجمه می شود و اهل هر زبانی آن را می شنود.

امّ سلمه بانوی حرم رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

«یبایع لرجل من امتی بین الرکن و المقام کعده اهل بدر فتاتیبه عصب العراق و ابدال الشام فیاتیهم جیش من الشام حتی اذا کانوا بالبیداء خسف بهم ثم یسیر الیه رجل من قریش اخوا له کلب فیهمهم الله تعالی قال و کان یقال ان الخائب یومئذ من خاب من غنیمه کلب».^[27]

در بین رکن و مقام (کنار کعبه معظمه) با مردی از امت من بیعت می شود. بیعت کنندگان به تعداد اهل بدر هستند (یعنی سیصد و سیزده نفرند). پس، جمعیتی نیرومند از عراق و برجستگانی از شام خواهند آمد و در این موقع لشکری از شام می آید که چون به سرزمین بیداء می رسد (نزدیک مکه مکرمه) در این سرزمین همه جمعیت فرو می روند. آنگاه مردی از قریش با اقوامش از قبیله کلب می آید. خداوند آنها را از بین می برد و در آن روز مغبون کسی است که از غنائم بنی کلب محروم بماند.

ابی سعید خدری در ارتباط با سالهای قبل از ظهور حضرت

بقیه الله ارواحنا له الفداء از آورنده اسلام ﷺ حدیثی نقل نموده است که آن حضرت می فرماید:

«ستکون بعدی فتن منها فتن الاطلاس یكون فیها هرب و حرب ثم من بعدها فتن اشد منها كلما قیل انقطعت تمادت حتی لا یبقی بیت من العرب الا دخلته و لا مسلم الا وصلته حتی یخرج رجل من عترتی.» [28]

زود است که بعد از من فتنه هایی بر پا می شود (اطلاس). در این فتنه هرج و مرج و نبرد به چشم می خورد. بعد از این، فتنه هایی سنگین تر و شدیدتر به وجود خواهد آمد که مردم پیوسته انتظار تمام شدن آن را می کشند، اما متأسفانه ادامه خواهد داشت تا اینکه خانه ای در دنیای عرب نماند مگر اینکه این فتنه داخل آن خانه شود. بعلاوه، شعاع این فتنه چندان وسیع است که هر مسلمانی

در هر کجا که باشد دچار آن فتنه خواهد شد تا اینکه مردی از دودمان من قیام کند.

ابی هریره از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«یخرج رجل یقال له السفیانی فی عمق دمشق و عامه من تبعه من کلب فیقتل حتی یبقر بطون النساء و یقتل الصبیان فتجمع لهم قیس فیقتلها حتی لایمنع ذنب تعله و یخرج رجل من اهل بیتی فی الحرم فیبلغ السفیانی فیبعث الیه جندا من جنده (او من اجناده) فیهزمهم فیسیر الیه السفیانی بمن معه حتی اذا جاز ببیداء من الارض خسف بهم فلا ینجو الا المخبر عنهم»^[29].

مردی از شام به نام سفیانی خروج می کند و تمام افرادی که از او متابعت میکنند از طایفه کلب هستند. پس، کشتار می کنند؛ حتی شکم زنها را می درند و بچه ها را می کشند. آنگاه طایفه قیس با او جنگ می کنند و همگی کشته می شوند و کسی که بتواند مقاومت کند نمی ماند. در این هنگام مردی از خاندان من در مکه مکرمه قیام می کند و خبر قیامش به سفیانی می رسد.

پس، از لشکریان خود جمعیتی را به جنگ او می فرستد و خود با لشکریانش به طرف مکه معظمه حرکت می کند. وقتی که به سرزمین بیداء (در نزدیکی مکه مکرمه) می رسند به امر خداوند، زمین آنها را فرو می برد و نمی ماند از آن لشکر مگر خبر دهنده ای (که خبر نابودی لشکر را به مکه معظمه یا شام می رساند).

یکی از مهاجران قبطیه از امّ سلمه همسر گرامی پیامبر اسلام ﷺ نقل می کند که ایشان فرمودند:

«لیخسفن بقوم یغزون هذا البیت ببیداء من الارض فقالت امّ سلمه یا رسول الله ارایت ان کان فیهم الکاره فقال ﷺ یبعث کل رجل علی نیته.»^[30]

همانا گروهی که عازم نبرد با خانه کعبه هستند در سرزمین بیداء فرو می روند. امّ سلمه عرض می کند: یا رسول الله! آیا امکان دارد که یک نفر در میان این مردم مجبور باشد؟ فرمودند: هر کسی بر اساس نیتی که دارد (در پیشگاه خداوند) محشور می شود.

خواننده محترم!

البته منظور از نبرد با خانه کعبه یعنی جنگ با حضرت بقیه الله روحی له الفداء و مراد از این لشکر، لشکر سفیانی است.

از حدیقه روایت شده است که حضرت خاتم الانبیاء ﷺ فرمودند:

«تکون وقعه بالزوراء قالوا یا رسول الله و ما الزوراء قال مدینه بالمشرق بین انهار سکنها شرار خلق الله و جباره من امتی تقذف باربعه اصناف من العذاب بالسيف و الخسف و القذف و المسخ.»^[31]

فاجعه ای بس بزرگ در زوراء پیاده می شود. عرض کردند: زوراء کجاست؟ فرمودند: شهری است در مشرق و در اطرافش نهلهایی قرار گرفته است. ساکنان

آن از ستمگران امت من و بدترین مخلوقات روی زمین هستند که به وسیله
چهار نوع از بلا عذاب می شوند:

1 - کشتار به وسیله شمشیر

2 - فرو رفتن در زمین

3 - یرتاب کردن و درهم کوبیدن

4 - مسخ شدن.

پیامبر بزرگ اسلام فرمودند:

«اذا خرجت السودان طلبت العرب ينكشفون حتى يلحقوا ببطن الارض او
قال ببطن الاردن فبينما هم كذلك اذا خرج السفیانی فی ستین و ثلاثمائه راكب
حتى یاتی دمشق فلا یاتی علیهم شهر حتى یبایعه من كلب ثلثون الفا فیبعث
جیشا الی العراق فیقتل بالزوراء مائه الف و یخرجون الی الكوفه فینهونها صالح
فیستنفذ ما فی ایدیهم من سبی اهل الكوفه و یقتلهم و یخرج جیش آخر من
جیوش السفیانی الی المدینه فینهونها ثلاثه ایام ثم یسیرون الی مكه حتى اذا
كانوا بالبیداء بعث الله تعالی جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ فیقول یا جبرئیل عذبهم فیضربهم
برجله ضربه یخسف الله عزوجل بهم فلا یبقى منهم الا رجالان فیقدمان علی
السفیانی فیخبرانه بخسف الجیش فلا یهوله ثم ان رجالا من قریش یهربون الی

قسطنطينيه فيبعث السفيناني الى عظيم الروم ان ابعث بهم فى المجامع فيبعث بهم
اليه فيضرب اعناقهم على باب المدينه بدمشق.»

«قال حذيفه حتى انه يطاف بالمراءه فى مسجد دمشق بالثوب على مجلس
مجلس حتى تاءتى فخذ السفيناني فتجلس عليه و هو فى المحراب قاعدا فيقوم
رجل من المسلمين فيقول و يحكم اكفرتم بعد ايمانكم ان هذا لا يحل فيقوم
فيضرب عنقه فى مسجد دمشق و يقتل كل من شايعه على ذلك فعند ذلك ينادى
مناد من السماء يا ايها الناس ان الله عزوجل قد قطع عنكم مده الجبارين و
المنافقين و اشيائهم و ولاكم خير امه محمد صلى الله عليه فالحقوا به بمكه فانه
المهدى.» «قال حذيفه فقام عمر بن الحصين فقال يا رسول الله كيف لنا حتى
نعرفه قال هو رجل من ولدى كانه من رجال بنى اسرائيل عليه عباءتان قطوانيتان
كان وجهه الكوكب الدرى فى اللون فى خده الايمن خال اسود بن اربعين سنه
فيخرج الابدال من الشام و اشباههم و تخرج اليه النجباء من مصر و عصائب اهل
الشرق و اشباههم حتى ياتوا مكه فيبايع له بين الركن و المقام ثم يخرج متوجها
الى الشام و جبرئيل على مقدمته و ميكائيل على ساقته فيفرح به اهل السماء و
اهل الارض و الطير و الوحوش و الحيتان فى البحر و تزيد المياه فى دولته و تمد
الانهار و تضعف الارض اكلها و تستخرج الكنوز كلها فيقدم الشام فيذبح السفيناني
تحت الشجره التى اغصانها الى بحيره طبريه و يقتل كلبا.»

«قال حذيفه قال رسول الله صلى الله عليه و سلم فالخائب من خاب يوم كلب
و لو بعقال قال حذيفه يا رسول الله يحل قتالهم و هم موحدون فقال رسول الله
ﷺ يا حذيفه هم يومئذ على رده يزعمون ان الخمر حلال و لا يصلون.»^[32]

هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد و در زمین اردن، در این موقع، سفیانی قیام می کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار او هست، می آید تا به شهر شام می رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت می کنند، از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می نمایند. پس، سفیانی لشکری به عراق می فرستد و در زوراء (ظاهرا بغداد باشد) صد هزار تن از جمعیت آن شهر را می کشد. آنگاه از آنجا به سمت کوفه می رود و کوفه را خراب می کند. در این موقع، پرچمهایی از مشرق حرکت می کنند و رهبری آنها را مردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می کند و اسرای کوفه را نجات می دهد. بعد از این جریان، لشکر دیگری از جانب سفیانی به سمت مدینه حرکت می کند و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز قرار می دهد. آنگاه به سمت مکه حرکت می کنند تا اینکه به سرزمین بیداء می رسند. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام از طرف خداوند مأموریت پیدا می کند و با اشاره به زمین، تمام این جمعیت را فرو می برد مگر دو نفر که خودشان را به سفیانی می رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می سازند. مقارن این وضع، عده ای از قریش به قسطنطنیه می گریزند و سفیانی از پادشاه روم می خواهد که آنها را تسلیم وی کند. او هم این کار را می کند و پناهندگان را تسلیم سفیانی می نماید و او همه آنها را در ابتدای شهر در دمشق گردن می زند.

حذیفه گفت: سرانجام کار به جایی می رسد که زنها در مسجد جامع دمشق حرکت می کنند و محافلی تشکیل می دهند و در حالی که سفیانی در محراب نشسته است بعضی از زنان در دامن او می نشینند. در این موقع، یک نفر بلند می

شود و فریاد می زند: ای مردم! این عمل حرام است، مگر کافر شده اید؟ به امر سفیانی گردنش را می زنند و هر کسی که متابعت از این شخص بکند او را می کشند. پس، در این موقع منادی از آسمان فریاد می زند: ای مردم روی زمین! خداوند به زندگی ستمکاران خاتمه داد و منافقان و پیروان آنها از بین رفتند (حکومت باطل و اهل آن واژگون شد). خداوند برای شما فرمانروایی از آل محمد ﷺ معین فرموده که در مکه است. بشتابید و از دستورهایش پیروی کنید و نامش مهدی است.

حذیفه گوید: عمر بن حصین برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! مشخصات او را برای ما بیان فرمایید تا او را بشناسیم. حضرت فرمودند: او مردی از فرزندان من است که از نظر جسم و قوای جسمانی مانند اسرائیلیان است. دو عبای سفید پوشیده است، صورتش مانند ستاره درخشان می درخشد، در طرف راست صورتش خالی سیاه است و از لحاظ سن به مرد چهل ساله ای می ماند. مردانی از شام به نام ابدال و پیروانشان و نیز نجبا و یاران آنها از مصر و جمعیتی از مشرق حرکت می کنند تا اینکه به مکه معظمه می رسند و در بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. در این موقع، مهدی ما به طرف شام حرکت می کند در حالی که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام پیشاپیش او و میکائیل به دنبال او در حرکت اند. موجودات آسمان و زمین اعم از حیوانات دریایی، پرندگان و چرندگان از حکومت و قیام او خوشحال هستند. در دولت او نهرهای آب زیاد می شود و زمین برکات خود را مضاعف می کند و تمام گنجهای نهفته آشکار می گردد. او با لشکریانش به شام می رسند و سفیانی را در زیر درختی که شاخه های آن به طرف دریاچه طبریه است سر می برند و طایفه بنی کلب را

می کشند. حذیفه گوید: حضرت رسول ﷺ فرمودند: چه روز بدی است روز کلب. حذیفه عرض کرد: یا رسول الله! چگونه می شود با آنها جنگید و حال آنکه آنها مسلمان اند؟ پیامبر فرمود: اینها در آن روز مرتد هستند و گمان می کنند مشروبات الکلی حلال است و نماز نمی خوانند.

حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام خبر از قیام سفیانی و آمدنش به کوفه می دهد و نیز می فرماید:

«اذا خرجت خیل السفیانی الی الکوفه بعث فی طلب اهل خراسان و یخرج اهل خراسان فی طلب المهدی فیلتقی هو والهاشمی برایات سود علی مقدمته شعیب بن صالح فیلتقی هو والسفیانی بیاب اصطرخ فیکون بینهم ملحمه عظیمه فتظهر رایات السود و تهرب خیل السفیانی فعند ذلک یتمنی الناس المهدی و یطلبونه.»^[33]

در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی علیه السلام به حرکت در می آیند و با سید هاشمی ملاقات می کنند در حالی که پرچمهای سیاه در اهتزاز است (رایات جنات سید حسنی). پیشاپیش سپاه، شعیب بن صالح قرار گرفته است و در جایی به نام اصطرخ نبرد شدیدی در می گیرد که لشکریان سفیانی از بین می روند و آنگاه مردم تمنای دیدار حضرت مهدی علیه السلام را دارند.

نعیم بن حماد در کتاب فتن با سند صحیح از علی علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«والفتن اربع فتنه السراء و فتنه الضراء و فتنه کذا فذکر معدن الذهب ثم یخرج رجل من عتره الرسول علیه الصلوه و السلام یصلح علی یدیه امرهم».^[34]
فتنه (فتنه های آخر الزمان) بر چهار قسم است: فتنه سراء، فتنه ضراء و فتنه کذا (ممکن است اشاره به فتنه های عقیدتی باشد). آنگاه اشاره به معدن طلا فرمودند. در این هنگام، مردی از آل رسول صلی الله علیه و آله قیام می کند و امور مردم به دست پر قدرتش اصلاح خواهد شد.

نعیم بن حماد از علی علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

«و اذا نادى مناد من السماء ان الحق فى آل محمد صلی الله علیه و آله فعند ذلك يظهر المهدي على افواه الناس و يشربون حبه و لا يكون لهم ذكر غيره».^[35]
هرگاه منادی از آسمان جبرئیل علیه السلام ندا در داد که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است، در این هنگام، مهدی این خاندان ظاهر می شود که همه مردم او را می بینند و محبت نسبت به آن سرور در دل های مردم متمرکز می شود بطوریکه یادی از غیر آن حضرت نمی کنند.

ابی اسحاق از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

«نظراً إلى ابنه الحسين فقال ان ابني هذا سيد كما سماه النبي ﷺ سيخرج من صلبه رجل يسمى باسم نبيكم يشبهه في الخلق و لا يشبهه في الخلق ثم ذكر قصه يملأ الارض عدلاً.»^[36]

آن حضرت نگاهی به حضرت امام حسین علیه السلام کردند و فرمودند: این فرزند من سید و آقا است چنانکه جدش او را سید خوانده است (شاید اشاره به حدیث «الحسن و الحسين سید اشباب اهل الجنة» باشد). بزودی خداوند از نسل او مردی را بوجود می آورد که همنام (محمد) و از نظر ظاهر و قیافه شبیه پیامبر شماس است اما از نظر اخلاق با او فرق می کند (ممکن است اشاره به اختلاف برنامه کار باشد که وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله مأمور به ظاهر بود، اما حضرت مهدی علیه السلام چون باید جهان را اصلاح کند مأمور به واقع است).

سپس داستانی را که زمین را پر از عدل می کند، ذکر کرد.
هلال بن عمرو از امام امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث می کند که آن سرور فرمودند:

«قال النبي ﷺ يخرج رجل من وراء النهر يقال له الحارث بن حراث علي مقدمته رجل يقال له المنصور يواطىء او يمكن لآل محمد كما مكنت قریش لرسول الله ﷺ و جب على كل مؤ من نصره او قال «اجابته».^[37]

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم مردی از وراء النهر که او را حارث بن حراث می گویند قیام می کند. در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است (یکی از نامهای مبارک آقا حضرت مهدی روحی له الفداء منصور است) و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می سازد چنانچه قریش نسبت به رسول

خدا ﷺ همین معامله را کردند (آماده ساختن زمینه پیشرفت). فرمودند: بر هر مسلمانی واجب است او را یاری کند (یا دعوتش را اجابت نماید).

محمد بن صامت می گوید:

«قلت لآبى عبدالله الحسين بن على عليه السلام اما من علامه بين یدی هذا الامر - يعنى ظهور المهدي عليه السلام - فقال بلى قلت و ما هي قال هلاك بنى العباس و خروج السفينانى والخسف بالبيداء قلت جعلت فداك اخاف ان يطول هذا الامر قان انما هو كنظام الخرز يتبع بعضه بعضا. [38]

از حضرت امام حسين عليه السلام پرسیدم: آیا برای ظهور حضرت مهدی عليه السلام نشانه هایی هست؟ فرمودند: آری. عرض کردم: چیست؟ فرمودند: هلاکت بنی عباس، قیام سفیانی (از شام) و فرو رفتن در سرزمین بیداء (نزدیکی مکه معظمه لشکریان سفیانی به زمین فرو می روند). عرض کردم: فدایت شوم، می ترسم این امر به طول انجامد. فرمودند: این سه نشانه منظم یکی بعد از دیگری خواهد آمد. بخاری در کتاب خودش از عوف بن مالک از حضرت امام حسین عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

اذا هدم حائط مسجد الكوفه مما يلي دار عبدالله بن مسعود (او دار عبدالملک) فعند ذلك زوال ملك القوم و عند زواله خروج المهدي. [39]

هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله بن مسعود (یا خانه عبدالملک است) خراب شد، در این هنگام، سلطنت دشمنان ما (کنایه از انقراض

بنی العباس یا دیگران) ساقط می شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می کند.

(اللهم عجل فرجه).

پاورقی

[1] شرح ابن الحديد، ج 9 صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 152.

[2] «و استمع يوم يناد المناد من مكان قريب. يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج» (ق / 41 و 42).

[3] ينابيع الموده (جواب بمبئی)، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 439.

[4] «يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي و الاقدام» (رحمان / 41).

[5] ينابيع الموده، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 439.

[6] «ان نشاء نزل عليهم من السماء آيه فظلت اعناقهم لها خاضعين.»

[7] ينابيع الموده، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 426.

[8] الحاوی للفتاری، جزء دوم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 355.

[9] مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیهما السلام خواهد بود.

[10] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 355.

[11] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 364.

[12] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 368.

[13] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 368.

[14] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 368.

[15] اشاره به اینکه همسر حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَام دختر حضرت امام حسن است. بنابراین، امام زمان روحی له الفداء از طرف پدر از حضرت امام حسین و از طرف مادر از امام حسن عَلَيْهِمَا السَّلَام است. آری نوشته اند که مادر مکرمه حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام ام عبدالله دختر حضرت امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام بوده است.

[16] الحاوی الفتاری، جزء دوم، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 369.

[17] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 371.

[18] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 372.

[19] سنن ابی داود (مختصر)، جزء 6 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 160.

[20] همان مأخذ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 161.

[21] تذکره القرطبی، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 609 و صحیح مسلم، ج 4 / صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 2234.

[22] النهایه ابن اثیر، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 300 و 301.

[23] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 300.

[24] فرائدالمسطين ج 2 / صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 312.

[25] فصول المهمه، فصل دوازدهم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 295.

[26] عقد الدرر، ص 137.

[27] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 70.

[28] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 51.

[29] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 73.

[30] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 74.

[31] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 81 تا 84.

[32] همان مأخذ، ص

81 تا 84.

[33] الحاوي، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 372.

[34] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 369.

[35] همان مأخذ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 371.

[36] سنن ابى داود (مختصر)، جزء 6، ﷺ ﷺ 162.

[37] همان مأخذ، ﷺ ﷺ 162.

[38] عقد الدرر، ﷺ ﷺ 49.

[39] همان مأخذ، ﷺ ﷺ 51.

فهرست مطالب

3	قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
4	نشانه های پیدایش این حکومت
13	آیا امام عصر <small>علیه السلام</small> زمان ظهورش را می داند؟.....
13	امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء <small>علیهم السلام</small>
15	ائمه معصومین <small>علیهم السلام</small> در پیشگاه خداوند بزرگ.....
16	موقعیت علمی امام
19	ائمه <small>علیهم السلام</small> و رازداری
20	امام صادق <small>علیه السلام</small> و کتب جفر و جامعه و مصحف فاطمه <small>علیها السلام</small>
24	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و نشانه های ظهور
33	شب معراج و نشانه های ظهور
38	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و موقعیت منتظران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> قبل از ظهور....
59	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و موارث انبیاء
60	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و خراب شدن مسجد براتا
71	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و روز خلاصی دنیا
74	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> درباره نشانه های قیام
78	رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و گنجهای طالقان
83	در جواب صعصعه بن صوحان
105	امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small> و خطبه ذی قار و علائم آخرالزمان
111	علی <small>علیه السلام</small> و فتنه های پیش از ظهور
113	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و علائم قیام قائم

حضرت امام امیر المومنین و وسایل تقلیه زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام	115
امیرالمؤمنین علیؑ و نزول حضرت عیسیٰ علیہ السلام	116
امام امیرالمومنین علیؑ و نشانه های پیش از قیام	118
امام امیرالمؤمنین علیؑ و نشانه های پیش از قیام	120
حضرت امام محمد باقر علیؑ و نشانه های ظهور	122
حضرت امام صادق علیؑ و نشانه های ظهور	148
یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر	151
حضرت امام رضا علیؑ و نشانه های ظهور	212
امام رضا علیؑ و اجتماع شیعه در ظهور	214
حضرت امام حسن و امام حسین و اصحاب ائمه علیهم السلام و نشانه های ظهور	216
نشانه های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت	223
امام عصر علیؑ در کتابهای اهل سنت	224
رسول اکرم ﷺ و تعریف امام	225
حضرت امیرالمؤمنین علیؑ و تعریف امام	227
حضرت جواد الائمه علیؑ	242
فهرست مطالب	258